گاه‌شمار نهضت جنگل

(۱۳۰۰-۱۲۹۴)

تبرستان
www.tabarestan.info

دکتر هومن یوسفی



تبرستان
www.tabarestan.info

گاه‌شمار نهضت جنگل

(۱۳۰۰ ـ ۱۲۹۴)

دکتر هومن یوسفدهی

فرهنگ ایلیا

سرشناسنامه: یوسفدهی، هومن، ۱۳۴۹ـ
عنوان و نام پدیدآور: گاه‌شمار نهضت جنگل(۱۳۰۰-۱۲۹۴)/ هومن یوسفدهی.
مشخصات نشر: رشت: فرهنگ ایلیا، ۱۳۹۳
مشخصات ظاهری: ۹۰ ص.: مصور، عکس؛ ۲۱×۲۱
شابک: ۲ ـ ۳۸۰ ـ ۱۹۰ ـ ۹۶۴ ـ ۹۷۸
موضوع: نهضت جنگل، گیلان، ایران، ۱۳۳۳-۱۳۴۰ق.-گاه‌شماری
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۳ ۲ک۹ی/۱۴۷۱DSR
رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۷۵۲۰۴۵
شماره کتابخانه ملی: ۳۵۷۵۲۲۵

www.tabarestan.info تبرستان

• **گاه‌شمار نهضت جنگل** • **دکتر هومن یوسفدهی**

• چاپ نخست: ۱۳۹۳ • شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه • شماره نشر: ۴۶۵

• صفحه‌آرا: شاهین بشرا • نمایه‌ساز: متین باقری

• آماده‌سازی و نسخه‌پردازی: کارگاه نشر فرهنگ ایلیا

• این اثر تحت حمایت قانون حقوق مؤلفان و مصنفان قرار دارد.

• شابک: ۲ ـ ۳۸۰ ـ ۱۹۰ ـ ۹۶۴ ـ ۹۷۸

• **نشر فرهنگ ایلیا؛** رشت، خیابان آزادگان، جنب دبیرستان دکتر بهشتی، (خ صفایی)، خیابان حاتم، شماره ۴۹

• تلفن: ۳۳۳۴۴۷۳۳ ـ ۰۱۳ • دورنگار: ۳۳۳۲۱۸۲۸ ـ ۰۱۳

Email:nashreilia@yahoo.com www.farhangeilia.ir

تبرستان
www.tabarestan.info

فهرست

یادداشت حوزه هنری گیلان ۷
مقدمه ۸
میرزاکوچک جنگلی ۱۱
سال ۱۲۹۴ ..... ۱۴
سال ۱۲۹۵ ..... ۲۳
سال ۱۲۹۶ ..... ۲۹
سال ۱۲۹۷ ..... ۳۸
سال ۱۲۹۸ ..... ۴۷
سال ۱۲۹۹ ..... ۵۵
سال ۱۳۰۰ ..... ۷۲
فهرست منابع ۸۱
نمایه ۸۳

تبرستان
www.tabarestan.info
پایگاه اطلاع‌رسانی و فروش اینترنتی
www . artguilan . ir

هرگونه استفاده از محتوای این کتاب منوط به اجازه‌ی کتبی از حوزه‌ی هنری گیلان است.
Any use of the content of this book has to be permitted by the written permission of Guilan Art Bureau.
تلفن مرکز پخش ۳۳۳۴۵۵۷۱ ۰۱۳

یادداشت حوزه‌ی هنری گیلان

بی‌شک یکی از رویدادهای مهم سیاسی - اجتماعی در تاریخ معاصر ایران، شکل‌گیری نهضت جنگل به رهبری میرزا کوچک جنگلی است؛ این نهضت اگرچه در رویارویی با حکومت استبدادی زمان خود، چندان دیر نپایید و به خاموشی گرایید، اما اتفاقات مهمی را در تاریخ گیلان به‌طور خاص و در تاریخ کشور به‌طور عام رقم زد؛ آن‌چنان که بررسی و تحلیل تاریخ معاصر بدون اشاره به خیزش جنگل قطعاً تحلیلی ناقص و ناکافی خواهد بود.

www.tabarestan.info تبرستان

حس میهن‌دوستی سران نهضت جنگل و اعتقاد به رهایی ملت ایران از زیر ستم ایادی داخلی و خارجی، چنان محکم و استوار بود که مبارزان جنگل با همه‌ی کمبودها، روزگاری بس سخت و طاقت‌فرسا را رویارو با سه جبهه‌ی حکومت مرکزی، روس و انگلیس سپری کردند و چنان‌چه تشکیلات جنگل دچار خیانت برخی عناصر داخلی خود نمی‌شد و یا پشتوانه‌ی مالی و تسلیحات نظامی به قدر کفایت در اختیار داشت، چه بسا بنیان اولین حکومت جمهوری شورایی که در گوشه‌ای از خاک ایران (گیلان) جوانه زده بود، اکنون درختی تناور بود و ملتی را از نعمتِ بار و برِ خود متنعم می‌ساخت. هم‌چنین، پیروزی این قیام می‌توانست، بنیان اولین حکومت براساس مبانی اسلام را به‌واسطه‌ی رهبری یک طلبه‌ی روحانی به ملت ایران عرضه کند.

با این‌همه، منابعی که تاکنون به بررسی نهضت جنگل پرداخته‌اند خالی از ضد و نقیض‌های معمول نبوده و نیست و همین امر رویکرد مجدد به این نهضت حماسی و واکاوی آن‌را کاملا ضروری می‌نماید .

کتاب «گاه‌شمار نهضت جنگل» اگرچه زنجیر روزانه‌ی رخدادهای آن به یکدیگر متصل نیست اما نخستین کتابی است که رخدادهای این نهضت را به‌صورت پشت سرهم و با تاریخ دقیق و عکس تا آن‌جا که از پژوهش‌های میدانی و منابع مختلف به‌دست آمده در اختیار مخاطب قرار می‌دهد.

جا دارد از دکتر هومن یوسفدهی که با نکته‌سنجی و دقت بسیار، پژوهشِ این اثر را به انجام رسانده‌است، سپاسگزار باشیم.

امید است با به دست آمدن اسناد و مدارک جدید در سال‌های نه‌چندان دور، این کاستی‌ها با پرشدن خانه‌های خالی گاه‌شمار مرتفع شود.

مقدمه

بی‌شک نهضت جنگل یکی از بزرگ‌ترین و مؤثّرترین قیام‌های مردمی در طول تاریخ ایران به‌شمار می‌آید و تقارن تاریخی آن با رویدادهای مهّم دنیا نظیر جنگ جهانی اوّل، سقوط تزارها در روسیه، روی کار آمدن بلشویک‌ها و نیز توسعه‌طلبی‌های آلمان و انگلستان در خاورمیانه، اهمیت آن را دو چندان کرده است. به همین خاطر بررّسی همه جانبه‌ی این قیام در حوزه‌های تاریخ، سیاست، اقتصاد، ادبیّات، فرهنگ و علوم اجتماعی بسیار ضروری به نظر می‌رسد.

نهضت جنگل از آغاز شکل‌گیری تا امروز، بارها و بارها به صورت مستقیم و غیرمستقیم و با تنوّع شگفت‌انگیزی در دیدگاه، مورد نقد و داوری قرار گرفته است و اگر بگوییم این تنوّع در منظر و نظر، از ماهیّت این نهضت، یعنی تنوّع ملیّتی، قومی و مرامی جنگلی‌ها و تغییر جهت سیاسی آن از «هیأت اتّحاد اسلام» به «جمهوری شورخ گیلان» سرچشمه گرفته است، به خطا نرفته‌ایم. متأسّفانه داوری‌های صورت گرفته در مورد نهضت جنگل عمدتاً یا با غرض‌ورزی و بی‌انصافی همراه بوده یا با شیفتگی و تعصّب؛ و در این میان، نقش حکومت‌ها را در انحراف اذهان و قلب واقعیّت‌ها نباید فراموش کرد.

www.tabarestan.info تبرستان

اکنون پس از گذشت یک قرن از آغاز نهضت جنگل و پس از انتشار هزاران برگ اسناد، نامه‌ها و خاطرات مربوط به این قیام در ایران و دیگر کشورها، وقت آن رسیده که همه‌ی پیش‌فرض‌ها از اذهان زدوده شود و داوری منصفانه و بی‌حبّ و بغضی در این‌باره صورت پذیرد. نخستین گام در این راه تدوین گاه‌شماری برای تعیین زمان دقیق هر واقعه و مشخص کردن توالی صحیح رویدادهای تاریخی مرتبط و مؤثّر است. محققاً این امر راهگشای تاریخدانان و تحلیلگران در فهم درست جریان حوادث و جهت‌گیری‌های سیاسی افراد و گروه‌ها و حتّی کشورها خواهد بود؛ چرا که هر واقعه‌ی تاریخی می‌تواند توجیه‌کننده‌ی اقدامات و رویدادهای قبل و بعد از خود باشد.

اثری که پیش‌رو دارید، تلاشی است در همین زمینه. این اثر گاه‌شمار رویدادهایی است که مقارن با نهضت جنگل در گیلان، ایران و جهان به وقوع پیوسته و به‌زعم گردآورنده، بر کم و کیف اقدامات موافقان و مخالفان این نهضت و روند حوادث تاریخی آن دوران مؤثّر بوده است. یادآوری این نکته ضروری است که نخستین‌بار محقق ارجمند جناب آقای جعفر مهرداد در کتاب **مدخلی بر بازشناسی نهضت جنگل** در این مسیر قدم نهاده‌اند و نگارنده با الهام از این کتاب و با أخذ شیوه‌ی تدوین از کتاب **روزشمار تاریخ ایران** تألیف مورخ فاضل دکتر باقر عاقلی و با مراجعه به ده‌ها کتاب و مقاله و مجلّه و سند دیگر، به گردآوری این مجموعه پرداخت.

تدوین این اثر با مشکلات متعدّدی همراه بود که برخی از آن‌ها عبارت بود از:

الف) مشخّص نبودن تاریخ دقیق برخی از وقایع؛

ب) اختلاف تاریخ‌ها در دو یا چند منبع در خصوص یک واقعه‌ی مشخّص؛

پ) تفاوت تاریخ‌های استفاده شده در منابع و اسناد از حیث شمسی، قمری و میلادی بودن و اختلاف سیزده روزه‌ی تاریخ میلادی اروپا و روسیّه‌ی تزاری؛

ت) دشواری تطبیق تاریخ‌های میلادی و قمری با تاریخ شمسی که اهل فن از ظرایف آن آگاهند؛

ث) مغایرت تاریخ برخی اسناد با توالی حوادث مرتبط با آن و ... .

نگارنده علی‌رغم همه‌ی این مشکلات و آگاهی از کمرنگ شدن اهمیّت روز و ماه با آمدن دهه و قرن، تلاش نموده است تا اثری با دقّت مقبول و حداقّل اشتباه در تعیین توالی صحیح حوادث و رویدادها عرضه کند و امید است صاحب‌نظران و تاریخ‌دانان نیز با رفع نقایص احتمالی کتاب، ما را رهین منّت خود سازند. در خاتمه مراتب سپاس خود را نسبت به دست‌اندرکاران حوزه هنری گیلان، ناشر محترم و همکارانش اعلام می‌دارم.

هومن یوسفدهی


گفت‌وگو


www.tabarestan.info تبرستان

طلّاب مدرسه‌ی جامع رشت. ردیف ایستاده‌ی جلو از سمت راست، نفر دوم میرزا کوچک رشتی

میرزا کوچک‌خان جنگلی

میرزا یونس فرزند میرزا بزرگ که بعدها به «میرزا کوچک‌خان»، «میرزا کوچک‌خان جنگلی» و «سردار جنگل» نامبردار شد و در بین عموم گیلانیان تنها با لفظ «میرزا» شناخته می‌شود، در سال ۱۲۵۶ (۱۲۹۵ق) در محله استادسرای رشت از بطن بانویی فومنی دیده به جهان گشود. پدرش میرزا بزرگ از ایل رشوند و اهل الموت قزوین بود که بعداً در رشت ساکن شد و چون خط و ربط و سوادی داشت، پیشکار امور دفتری میرزا عبدالوهاب مستوفی (از مستوفیان سرشناس، متنفّذ و ثروتمند گیلان) شد.

میرزا یونس که به تناسب نام پدرش «میرزا کوچک» خوانده می‌شد، پس از تحصیل مقدمات، به فراگیری علوم دینی در مدارس «حاجی حسن» و «جامع» رشت پرداخت و لباس روحانیّت به‌تن کرد و از شاگردان حاج میرزا عبدالوهاب صالح از مجتهدین و مدرّسین معروف زمان خود بود. او در سال ۱۲۷۳ (۱۳۱۲ق) در سن ۱۷ سالگی برای ادامه تحصیل به پایتخت رفت و در سلک طلاب مدرسه محمودیّه تهران وارد شد.



کوچک‌خان در دوران طلبگی



میرزاکوچک‌خان در سپاه مشروطه‌ی گیلان

پس از کشته شدن ناصرالدّین شاه قاجار به‌دست میرزا رضای کرمانی و بر تخت نشستن مظفّرالدّین شاه، نغمه‌ی مشروطه‌خواهی در ایران بلند شد. میرزا کوچک نیز به مشروطه‌خواهان پیوست و به عضویّت انجمن روحانیون (انجمن طلّاب) درآمد. او در سال ۱۲۸۵ (۱۳۲۴ق) پس از کشته شدن طلبه‌ای به نام سیّد عبدالحمید که در زمان صدارت عین‌الدّوله واقع شد و در تاریخ مشهور است، به رشت مراجعت کرد و با جمعی دیگر از طلّاب و جوانان از جمله میرزا محمّدی انشائی، در گیلان شعبه‌ای از انجمن روحانیون را تشکیل داد. اعضای این انجمن با این‌که همگی از طلّاب و روحانیون بودند، در حمایت از انقلاب مشروطیّت ایران لباس متّحدالشکل می‌پوشیدند و به مشق نظامی و تدارک اسلحه می‌پرداختند.

بالاخره مساعی مشروطه‌طلبان و آزادی‌خواهان منجر به‌صدور فرمان مشروطیّت توسّط مظفّرالدّین شاه و تشکیل مجلس شورای ملّی شد؛ ولی مرگ شاه و روی کار آمدن محمّدعلی شاه قاجار، روند استقرار مشروطیّت را معکوس کرد. جدال مشروطه‌خواهان و مستبدّین، منتهی به حمله‌ی قزّاقان و به‌توپ بسته شدن مجلس شورای ملّی شد که در پی آن بسیاری از مشروطه‌خواهان مقتول، محبوس، مضروب و تبعید شدند و جمعی نیز به خارج از کشور مهاجرت کردند. میرزا کوچک نیز که در این زمان میرزا کوچک‌خان رشتی خوانده می‌شد، کشور را ترک کرد و در تفلیس اقامت نمود (۱۲۸۷ش/۱۳۲۶ق).

او در تفلیس با مهاجران ایرانی و مبارزان قفقازی که علیه حکومت روسیه تزاری نبرد می‌کردند، آشنا شد و از افکار و عقاید و نحوه‌ی عمل آنان آگاهی یافت؛ لیکن بر اثر فشار مالی و تنگی معیشت ناگزیر به رشت بازگشت. در این هنگام، آقا بالاخان سردار افخم (حکمران گیلان) و حاجی ملّامحمّد خمامی (مجتهد معروف) و دیگر هواداران استبداد، عرصه را بر مشروطه‌خواهان منطقه تنگ کرده بودند و به عناوین مختلف آنان را مورد آزار و اذیّت قرار می‌دادند و فعّالیّت‌های آنان را زیر نظر داشتند. درنتیجه میرزا کوچک‌خان و حدود ۸۰ تن از طلبه و کسبه، در

www.tabarestan.info تبرستان

اعتراض به وضعیّت موجود، در شهبندری (کنسولگری) عثمانی در رشت متحصّن شدند. دولتیان به محض اطّلاع از موضوع، شهبندری را محاصره کردند و مانع رسیدن آذوقه به متحصّنین گردیدند؛ لیکن با حمایت مخفیانه مشروطه‌خواهان رشت که مایحتاج متحصّنین را به داخل شهبندری می‌رساندند، تحصّن بیش از یک ماه ادامه یافت و تعداد متحصّنین به ۲۶۰ نفر افزایش یافت. (دی ۱۲۸۷ / ذیحجه ۱۳۲۶ق)

کمیته‌ی مخفی ستّار که برای اعاده‌ی مشروطیّت تلاش می‌کرد و قصد داشت با کمک مجاهدین قفقازی اقدام به قتل حکمران گیلان و تصرّف رشت نماید، درآستانه‌ی اجرای نقشه‌ی خود، محرمانه برای میرزا کوچک‌خان که از سران متحصّنین شهبندری بود، پیغام فرستاد که به‌محض شنیدن صدای شلیک گلوله و آگاهی از شروع عملیّات، به‌همراه دیگر متحصّنین شهبندری به آنان بپیوندد. میرزا کوچک‌خان نیز چنین کرد و در روز موعود، یعنی ۱۹ بهمن ۱۲۸۷ (۱۶ محرّم ۱۳۲۷ق) متحصّنین شهبندری به مجاهدین پیوستند و پس از دو سه ساعت درگیری، شهر به‌طور کامل در دست مشروطه‌خواهان قرار گرفت

پس از این‌که محمّدولی خان تنکابنی(سپهدار اعظم) به‌دعوت کمیته ستّار به رشت آمد و رهبری انقلاب را برعهده گرفت، مشروطه‌خواهان مشغول گردآوری نفرات و تهیّه سلاح برای حمله به پایتخت شدند. در این هنگام میرزا کوچک‌خان «انجمن وفا» را که اعضای آن از اهالی محلّه استادسرا بودند، تشکیل داد و همچنین به‌عضویّت کمیسیون جنگ درآمد و فرماندهی دسته‌ی کوچکی از گیلانیان را در سپاه مشروطه گیلان برعهده گرفت. او در نبردهایی که در راه پایتخت روی داد، از خود رشادت و لیاقت نشان داد و در جنگ سه روزه‌ای که منجر به فتح تهران شد، مأمور جبهه‌ی قزّاقخانه بود (۱۲۸۸ش/ ۱۳۲۷ق).



میرزا کوچک‌خان در جنگ با شاهسون‌ها

پس از استقرار مشروطیّت، هواداران محمّدعلی شاه مخلوع همچنان در نقاط مختلف کشور مقاومت می‌کردند و به ناامنی‌ها دامن می‌زدند. در نتیجه دولت مشروطه ناگزیر مجاهدین را مأمور سرکوب آنان می‌نمود. در اواخر همین سال که ستّارخان سردار ملّی به جنگ شاهسون‌های شورشی فرستاده شده بود، میرزا کوچک‌خان نیز به‌همراه یپرم خان ارمنی و سردار بهادر بختیاری به یاری وی شتافت؛ ولی در میانه‌ی راه بیمار شد و ناچار به تهران بازگشت.



میرزاکوچک‌خان در دوران فترت در تهران

در اواسط سال ۱۲۸۹ (۱۳۲۹ق) محمّدعلی شاه مخلوع به‌قصد بازپس‌گیری تاج و تخت، از راه بندر ترکمن به ایران بازگشت و با سه هزار سوار ترکمن و اصانلو و تفنگچی‌های مازندرانی رهسپار تهران شد و تا فیروزکوه پیشروی کرد. میرزا کوچک‌خان و سردار محیی و دیگر مجاهدین رهسپار مقابله با او شدند و در نبرد با ترکمن‌ها در بندر گز، میرزا کوچک‌خان از ناحیه سینه مورد اصابت دو گلوله قرارگرفت؛ ولی توسّط یارانش به کنسولخانه‌ی روس برده شد و پس از اقدامات اولیّه با کشتی قارص به بادکوبه منتقل گردید و تحت مداوا قرارگرفت.

میرزا کوچک‌خان پس از بهبودی در ۱۴ آبان ۱۲۹۰ (۲۵ ذیقعده ۱۳۲۹ق) به رشت بازگشت و سه روز بعد هم عازم پایتخت شد. امّا در تهران کاری به وی ارجاع نشد و مدّتی با بیکاری و بی‌پولی دست و پنجه نرم کرد؛ تا اینکه در ذیحجّه همان سال نایب‌السّلطنه ابوالقاسم‌خان ناصرالملک اولتیماتوم روس را پذیرفت و مجلس را تعطیل کرد. در این هنگام که جمع کثیری از مخالفان تبعید و زندانی شدند،



میرزا کوچک‌خان در جنگل‌های گیلان

میرزا کوچک‌خان، سردار محیی، ناصرالاسلام ندامانی و میرزا کریم‌خان رشتی و ... نیز محترمانه به یزد تبعید گردیدند؛ ولی به دلیل ناامنی راه‌ها ناگزیر به اقامت در قم شدند. آنان پس از مدّتی با آرام شدن اوضاع به تهران بازگشتند؛ ولی همچنان مجاز به بازگشت به گیلان نبودند؛ زیرا به‌خواست نکراسف کنسول روس در رشت، ورودشان به گیلان به مدّت پنج سال ممنوع شده بود (۱۲۹۱ش/۱۳۳۰ق).

میرزا کوچک‌خان در این ایّام در تهران به عضویّت جمعیّت اتّحاد اسلام درآمد که اندیشه‌ی تشکیل آن توسّط سلطان محمّد عثمانی مطرح شده و نمایندگان وی آن را در ایران مطرح ساخته بودند. اندیشه اتّحاد اسلام و تجدید خلافت اسلامی، مورد استقبال دولتمردان ایرانی قرار نگرفت و تنها عدّه‌ی معدودی از فعّالان سیاسی به عضویّت این جمعیّت درآمدند و با توجّه به ضعیف شدن موقعیّت عثمانی‌ها و آلمان‌ها در جنگ با روس و انگلیس، این جمعیّت کاری از پیش نبرد.

با ادامه یافتن حضور قوای بیگانه در کشور و ناتوانی دولت مرکزی در رفع و دفع آنان، این اندیشه در میان سیاستمداران پایتخت شکل گرفت که تنها راه برای بیرون راندن بیگانگان، استفاده از نیروها و امکانات بومی و محلّی است. در این هنگام میرزا کوچک‌خان و همرزم قدیمی‌اش علی‌خان سالار فاتح کجوری، برای عملی ساختن این منظور عازم مازندران شدند. لیکن از همان آغاز بین آن‌دو اختلاف‌نظر پیش آمد و در نتیجه میرزا کوچک‌خان مازندران را ترک گفت و رهسپار گیلان شد (۱۲۹۴ش/۱۳۳۳ق)

او در رشت به‌طور مخفیانه نهضت جنگل را پایه‌گذاری کرد که شورای رهبری آن ابتدا «هیأت اتّحاد اسلام» نام داشت و سپس «کمیته اتّحاد اسلام» خوانده شد. اعضای این نهضت که جنگلی خوانده می‌شدند، با تشکیل یک نیروی نظامی چریکی، مبارزه‌ی خود را از دل جنگل‌های گیلان آغاز کردند و به‌مدّت هفت سال برای تحقّق آرمان‌های انقلابی‌شان از جمله حذف استبداد و بی‌عدالتی، اخراج بیگانگان و برقراری امنیّت و عدالت اجتماعی تلاش کردند.

میرزا کوچک‌خان جنگلی به‌عنوان رهبر این نهضت مردمی، در تمام این مدّت ناملایمات و مصائب را به‌جان خرید و زندگی در شرایط سخت جنگلی و کوهستانی را در سرما و گرما تحمّل کرد و غدر و مکر دشمنان و خیانت دوستان را به‌چشم دید؛ ولی هرگز تسلیم نشد و عاقبت نیز هستی خود را بر سر زندگی توأم با آزادگی گذاشت.

او در حالی‌که ۴۵ سال بیشتر نداشت در ۱۱ آذر ۱۳۰۰ (۲ ربیع الثّانی ۱۳۴۰ق)، به‌هنگام عقب‌نشینی به سمت خلخال، در گردنه‌ی گیلوان براثر شدّت برف و بوران و سرمازدگی جان به جان‌آفرین تسلیم کرد. پیکرش را به روستای خانقاه بردند و پس از جدا کردن سر از تن، در آن‌جا به‌خاک سپردند و سر بریده را به رشت آورده و چند روزی در انظار عموم قرار دادند تا مایه‌ی عبرت ناظران باشد. پس از آن سر را به پایتخت بردند و به رضاخان سردارسپه (رضاشاه بعدی) فرمانده قشون تقدیم کردند که به دستور وی در گورستان حسن‌آباد تهران به‌خاک سپرد شد. سال‌ها بعد، یاران زنده مانده‌ی «سردار جنگل»، سر و پیکر این مجاهد راه آزادی را به رشت آوردند و در گورستان سلیمان‌داراب به‌خاک سپردند.

۱۲۹۴

www.tabarestan.info تبرستان



میرزا کوچک‌خان و جمعی از جنگلی‌ها. حاج احمد کسمایی و دکتر ابراهیم حشمت در دو طرف میرزا

فروردین

هفدهم: برنامه‌ی دولت میرزا حسن‌خان مشیرالدّوله که حدود یک ماه قبل فرمان ریاست‌الوزرایی را از احمدشاه قاجار دریافت نموده بود (۲۰ اسفند ۱۲۹۳)، به تصویب مجلس شورای ملّی رسید. برخی وزرای کابینه عبارت بودند از: مشیرالدّوله (رئیس‌الوزراء و وزیر جنگ)، مستشارالدّوله (وزیر داخله)، معاون‌الدّوله (وزیر خارجه)، مشارالسلطنه (وزیر مالیه)، ذکاءالملک فروغی (وزیر عدلیه) و ... .

بیست و ششم: پرنس هانری دو رویس وزیرمختار آلمان و کنت لوگوتتی وزیر مختار اتریش - مجارستان که به سفر زمستانی رفته بودند، از راه کرمانشاه به ایران بازگشتند.

بیست و هفتم: سرچارلز مارلینگ وزیر مختار جدید انگلیس وارد تهران شد. پیش از او والتر تاونلی این سمت را عهده‌دار بود.

بیست و هشتم: نمایندگان سیاسی روس و انگلیس مدعی شدند که پرنس رویس و کنت لوگوتتی با خود از اروپا دویست چمدان اسلحه و مواد تخریبی به‌همراه آورده‌اند و خواهان بازرسی چمدان‌های آن‌ها شدند؛ ولی دولت ایران این‌کار را مغایر با آیین‌نامه‌های بین‌المللی و مصونیت دیپلماتیک سفراء دانست.



احمد شاه قاجار

اردیبهشت

سوم: ابوالفتح‌خان حشمت‌الدّوله (والاتبار) به حکمرانی گیلان منصوب شد.

دهم: مشیرالدّوله از ریاست‌الوزرایی کناره‌گیری کرد. در این هنگام فن باخ وزیر مختار روس و مارلینگ وزیر مختار انگلیس در کاخ فرح‌آباد حاضر شدند و با ارعاب و تهدید، فرمان ریاست‌الوزرایی میرزا جوادخان سعدالدّوله را از احمدشاه قاجار دریافت کردند. پرنس رویس وزیر مختار آلمان و عاصم‌بیگ سفیر کبیر عثمانی هم پس از آگاهی از موضوع، آخر شب به فرح‌آباد رفتند و احمدشاه را مجبور به عزل سعدالدّوله کردند.

یازدهم: در آذربایجان قوای عثمانی و مجاهدین ایرانی با سپاه روس جنگیدند که در نتیجه قوای عثمانی متحمّل شکست شده و عقب‌نشینی کردند.

دوازدهم: فن اتر، وزیرمختار جدید روسیه وارد تهران شد.

چهاردهم: عبدالمجیدمیرزا عین‌الدّوله با رأی تمایل مجلس شورای ملّی، فرمان ریاست‌الوزرایی را دریافت کرد. برخی وزرای کابینه‌ی او عبارت بودند از: عبدالحسین میرزا فرمانفرما (وزیر داخله)، محتشم‌السطنه (وزیر خارجه)، فتح‌الله‌خان سردار منصور رشتی (وزیر عدلیه)، اسماعیل‌خان مؤدب‌السلطنه رشتی "امین‌الملک مرزبان" (وزیر پست و تلگراف) و ... . اداره وزارت جنگ را هم خود عین‌الدّوله برعهده گرفت.



میرزا حسن‌خان مشیرالدّوله



میرزا جوادخان سعدالدّوله

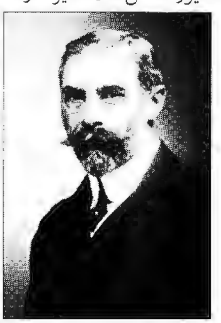

سر چارلز مورای مارلینگ
سفیرانگلیس



کنت هوگو لوگوتتی

www.tabarestan.info تبرستان


عبدالمجید میرزا عین‌الدّوله


سالار فاتح کجوری


شیخ عبدالسّلام عرب

اواخر: میرزا کوچک‌خان که به قصد مبارزه‌ی مسلّحانه با نیروهای بیگانه به همراه میرزا علی‌خان سالار فاتح کجوری (دیو سالار) به مازندران رفته بود، از وی جدا و رهسپار لاهیجان شد.

بیست و نهم: قونسولگری ایران در بادکوبه به وزارت خارجه ایران اعلام کرد که اعزام قشون روس به ایران که چند روز است شبانه با کشتی صورت می‌گیرد، به‌خاطر افزایش آنتریک آلمانی‌ها و طرفداران آن‌ها و هم‌چنین افزایش نفرات و تجاوزات قشون عثمانی در ایران است.

❁ خرداد

شانزدهم: قوای روس از قزوین به‌سمت تهران حرکت کردند.

بیست و نهم: میرزا کوچک‌خان شبانه به همراه دکتر ابراهیم حشمت، سیّدمحمدخان و شیخ عبدالسلام راهی رشت شد. میرزا کوچک‌خان به‌علّت نقض ممنوعیّت ورود خود به گیلان، در رشت توسط افسینکو قونسول روس دستگیر گردید؛ ولی با وساطت دوستانش و ضمانت یکی از روحانیون رشت و به‌شرط عدم معاشرت و ملاقات با افراد آزاد شد. ولی او پس از آزادی، به‌طور مخفیانه به فعالیّت‌های خود ادامه داد.

سی‌ام: ایلات کرمانشاه پس از جنگ با قوای عثمانی آنان را به عقب راندند.

www.tabarestan.info تبرستان

❁ تیر

یازدهم: عین‌الدّوله از ریاست‌الوزرایی استعفا کرد. در همین روز قونسول روس در رشت به بهانه‌ی شرارت قوای ژاندارم مستقر در منجیل، عدّه‌ای از قزّاق‌های روس را بدان‌جا فرستاد (۲۲ شعبان ۱۳۳۳ هـ . ق).

دوازدهم: حشمت‌الدّوله حکمران گیلان طیّ نامه‌ای به عین‌الدّوله رئیس‌الوزرای مستعفی که تا تعیین رئیس‌الوزرای جدید به اداره امور مشغول بود، از سخت‌گیری‌های افسینکو قونسول روس در رشت و بی‌توجّهی وی نسبت به دوایر دولتی نظیر کارگزاری و مالیه و عدلیه شکایت کرد (۲۳ شعبان ۱۳۳۳ هـ . ق).

بیست و یکم: میرزا حسن‌خان مستوفی‌الممالک به ریاست‌الوزرایی تعیین شد.

بیست و سوم: احمدشاه به خواست مجلس شورای ملّی مجدّداً عبدالمجید میرزا عین‌الدّوله را به ریاست‌الوزرایی منصوب کرد.

اواخر: میرزا کوچک‌خان جهت بررّسی وضعیّت سوق‌الجیشی «گشت» از توابع فومن به آن‌جا رفت. او می‌خواست در صورت امکان «گشت» را محل استقرار خود و هم‌رزمانش قرار دهد؛ ولی پس از مذاکره با مالک محل، از تصمیم خود منصرف شد.

بیست و هشتم: عین‌الدّوله به‌دلیل عدم توافق با مجلس بر سر انتخاب وزراء از تشکیل کابینه منصرف شد.

بیست و نهم: فراکسیون‌های مجلس شورای ملّی رأی به ریاست‌الوزرایی میرزا حسن‌خان مشیرالدّوله دادند.

❁ مرداد

دوم: میرزا کوچک‌خان که جهت بررّسی موقعیّت راهبردی «گشت» به فومن رفته بود، به رشت بازگشت (۱۵ رمضان ۱۳۳۳ هـ . ق).

چهارم: مشیرالدّوله از پذیرش ریاست‌الوزرایی سر باز زد.

پنجم: مجدّداً مستوفی‌الممالک به ریاست‌الوزرایی برگزیده شد.

سیزدهم: یک هزار سالدات روسی از قزوین به‌سوی تهران حرکت کردند و تعداد سپاهیان روس به دوازده هزار نفر رسید.

هفدهم: میرزا کوچک‌خان پس از هماهنگی با هیأت اتّحاد اسلام به طرف جنگل «تولم» حرکت کرد و به چند نفری از افراد خود که قبلاً در آن‌جا مستقر شده بودند، پیوست. میرزا کوچک‌خان و یارانش که از این تاریخ جنگلی خوانده شدند، شروع به جمع‌آوری نیرو و سلاح کردند (۱ شوّال ۱۳۳۳ هـ . ق).

بیست و دوم تا بیست و هشتم: حشمت‌الدّوله حکمران گیلان پس از شایع شدن خبر استقرار میرزا کوچک‌خان و یارانش در جنگل، به اصرار قونسول روس (افسینکو) عدّه‌ای قزّاق ایرانی و روس را جهت بررّسی موضوع به فومنات فرستاد. ریاست این عدّه با کاپیتان محمودخان متین، رئیس نظمیه‌ی رشت بود و نماینده‌ی قونسولگری روس به نام باغدانف هم با آنان همراه بود. لیکن جنگلی‌ها که زودتر باخبر شده بودند، در جنگل پنهان شدند و نیروهای اعزامی دست خالی بازگشتند.

سی‌ام: افسینکو، قونسول روس، ضمن مکاتبه با کارگزاری گیلان، با تأکید بر این که میرزا کوچک‌خان و همراهانش در نرگستان مشغول جمع‌آوری نفوس و سلاح هستند، خواهان دستگیری آنان شد (۲۲ اوت ۱۹۱۵ م).

www.tabarestan.info تبرستان

شهریور

اوایل: جنگلی‌ها پادگان‌های نیروهای تزاری روس در خمام، سنگر و راه عراق را مورد حملات شبانه قرار می‌دادند و قزّاق‌ها را خلع سلاح می‌کردند.

چهارم: میرزا حسن‌خان مستوفی‌الممالک پس از یک ماه، وزرای خود را به مجلس شورای ملّی معرفی کرد. برخی از اعضای کابینه‌ی او عبارت بودند از: مستوفی‌الممالک (رئیس‌الوزرا و وزیر داخله)، محتشم‌السلطنه (وزیر خارجه)، وثوق‌الدّوله (وزیر مالیه)، علاءالسلطنه (وزیر عدلیه) ... .

نهم: محمّدولی‌خان تنکابنی (سپهدار اعظم) به وزارت جنگ منصوب شد.

یازدهم: کشتی روس کورپاتکین که در انزلی پهلو گرفته بود، ۱۵۰۰ قبضه اسلحه و چهار بار شمشیر و قمه و ۹ لوله توپ دولتی را به روسیه حمل کرد (۲۴ شوّال ۱۳۳۳ هـ . ق).



میرزا حسن خان مستوفی‌الممالک



ابوالفتح خان حشمت‌الدّوله والاتبار

چهاردهم: دوازده نفر قزاق روس در کوچه و بازار انزلی دست به شرارت زدند، چراغ‌ها را شکسته و یک زن ساکن مسجد و یک مرد دعانویس را به‌شدّت مجروح کردند.

هفدهم: حمل سلاح‌های دولتی ایران به کشتی کورپاتکین، مورد اعتراض دولت ایران قرار گرفت و مراتب به اطّلاع سفارت روسیه رسید.

بیست و نهم: نایب قونسول روس در رشت با ۳۰ نفر قزّاق به شهبندری (کنسولگری) عثمانی هجوم بردند و آن‌جا را محاصره کردند و پس از ورود به آن‌جا، شهربندر (کنسول) عثمانی را به همراه دو تن از کارمندانش دستگیر کردند و به‌همراه پرچم عثمانی، اسناد، نوشته‌ها و بایگانی به قونسولخانه روس بردند و سه ساعت به غروب مانده، دستگیرشدگان را به انزلی فرستادند. تجّار رشت پس از آگاهی از ماوقع؛ در اعتراض به این اقدام قونسولگری روس، تمام دکان‌ها و کاروانسراها را تعطیل کردند (۱۱ ذیقعده ۱۳۳۳ هـ. ق).

سی‌ام: مأمورین روسیّه‌ی تزاری، شهبندر عثمانی در رشت و دو تن از همکارانش را که روز قبل دستگیر کرده بودند، به روسیه اعزام نمودند.

www.tabarestan.info تبرستان

مهر

یکم: نامه‌ی اعتراضیّه‌ی دولت ایران در خصوص ایذاء و شرارت نظامیان روس در انزلی، به سفارت روسیه در تهران تسلیم شد.

دوم: قونسول روس جهت مقابله با جنگلی‌ها، ۵۰۰ نفر از قزّاق‌های روس را به‌همراه ۲۰۰ قزّاق ایرانی (به روایتی ۳۰۰ روس و ۵۰ ایرانی) با همه‌ی تجهیزات به فومنات فرستاد. بین این عدّه و جنگلی‌ها در منطقه‌ی ماکلوان فومن، جنگ سختی درگرفت که پانزده ساعت طول کشید. در نهایت جنگلی‌ها پیروز شدند و دشمن را به‌سمت صومعه‌سرا عقب راندند. در این جنگ عدّه‌ی زیادی قزّاق و ۹ نفر از جنگلی‌ها کشته شدند و جنگلی‌ها مقداری تفنگ، فشنگ و بالاپوش زمستانی و حدود ۲۷۰ رأس اسب از قزّاق‌ها به غنیمت گرفتند. قزّاق‌های اسیرشده‌ی ایرانی، با احترام آزاد شدند (۱۴ ذیقعده ۱۳۳۳ هـ. ق).

پنجم: سفارت روس هجده روز پس از دریافت نامه‌ی اعتراضی دولت ایران (مورخ ۱۷ شهریور) در خصوص حمل اسلحه‌ی دولتی ایران به روسیه، با نقل گزارش قونسولگری روس در رشت، موضوع را تکذیب کرد.

هشتم: یک کشتی جنگی روسیه به نام قارص وارد بندرانزلی شد و به کشتی اردکان که قبلاً در انزلی پهلو گرفته بود، ملحق شد. از این کشتی یک عراده توپ، مسلسل و عدّه‌ای نظامی به نوقود غازیان (تازه‌شهر) در جوار انزلی منتقل شدند (نوقود منطقه‌ای بود که روس‌ها در طی دو سال گذشته در آن‌جا چندین باب خانه و مدرسه و تلگرافخانه‌ی بی‌سیم ساخته بودند).

نوزدهم: یکی از خان‌های محلّی گیلان به نام عبدالرزّاق‌خان شفتی، از طرف قونسول روس مأموریّت یافت تا با ۲۰۰ تن از نیروهای تحت امر خود جنگلی‌ها را قلع و قمع کند، لیکن میرزا



مشهدی علیشاه جنگلی (هوشنگی)



کربلایی ابراهیم جنگلی معروف به کبریت خان

کوچک‌خان به‌همراه بیست تن از مجاهدان جنگلی در محلّی به نام داوسار در نزدیکی پسیخان، شبانه بر سر آن‌ها ریخته و آنان را فراری دادند. در پی این یورش مقداری اسلحه به‌دست جنگلی‌ها افتاد.

از سوی دیگر به جنگلی‌ها خبر رسید که یک دسته‌ی بزرگ چریکی از طوالش (۴۰۰ نفر) به سرکردگی محمّدخان سالار شجاع، برادر امیرمقتدر تالشی (ضرغام‌السلطنه) نایب‌الحکومه فومنات، قصد داشت از پشت‌سر به آن‌ها حمله کند. درنتیجه جنگلی‌ها پس از شکست دادن عبدالرزّاق‌خان شفتی، به ماسوله محل استقرار تالش‌ها رفتند و به هنگام اذان صبح بر سر آن‌ها ریختند. تالشی‌ها شکست خورده و متواری شدند و از آن پس ماسوله مقرّ جنگلی‌ها شد.

بیست و هفتم: وزارت خارجه‌ی ایران مراتب اعتراض خود را نسبت به سوءرفتار نظامیان روسیه تزاری در گیلان، به سفارت آن کشور ابلاغ کرد (۱۱ ذیحجه ۱۳۳۳ هـ . ق).

بیست و نهم: وزیر امور خارجه، محتشم‌السلطنه اسفندیاری، طیّ یادداشتی به سفارت روسیه نسبت به اقدامات و حرکات خلاف قاعده‌ی نظامیان آن کشور در رشت و انزلی اعتراض کرد و خواستار جلوگیری از این نوع حرکات خلاف و نامشروع شد که موجبات اغتشاش و عدم انتظام آن صفحات را فراهم ساخته بود (۱۳ ذیحجه ۱۳۳۳ هـ . ق).

تبرستان
www.tabarestan.info

آبان

چهارم: سپاهیان روس تحت فرماندهی ژنرال لیتنانت باراتف (براتاوف)، فرمانده‌ی قشون امپراتوری روسیه، وارد انزلی شدند.

ششم: سفارت روسیّه‌ی تزاری در تهران در پاسخ به اعتراضات وزارت خارجه‌ی ایران در خصوص سوءرفتار نظامیان روسیه در گیلان، اعلام کرد که مراتب را از قونسولگری خود در رشت استفسار خواهد کرد (۲۰ ذی‌حجه ۱۳۳۳ هـ . ق).

چهاردهم: قوای روس در انزلی مهمانخانه‌ها، هتل‌ها و مدارس ارامنه را تخلیه کردند و پس از آوردن لوازم بهداشتی و درمانی، آن‌ها را به بیمارستان تبدیل کردند (۲۸ ذیحجه ۱۳۳۳ هـ . ق).

شانزدهم: قزوین به تصرّف نیروهای روسی درآمد (۳۰ ذیحجه ۱۳۳۳ هـ . ق).

هجدهم: سربازان روس به فرماندهی ژنرال زولو تاریف وارد کرج شدند و به خاطر حرکت آن‌ها به سمت تهران، عدّه‌ی زیادی از رجال و نمایندگان مجلس شورای ملّی، پایتخت را ترک کردند و راهی قم شدند. سه تن از نمایندگان گیلان، شیخ اسماعیل رشتی(نماینده لاهیجان و لنگرود)، میرزا حسین‌خان



ژنرال لیتنانت باراتف



جمعی نمایندگان مجلس در مهاجرت کرمانشاه. ردیف وسط، نفر سوم از چپ: ادیب‌السلطنه سمیعی(نماینده رشت) و ردیف عقب، نفر چهارم از سمت چپ: ناصرالاسلام ندامانی(نماینده فومن)



پرنس هانریش دو رویس

ادیب‌السلطنه سمیعی(نماینده رشت) و سید یحیی ناصرالاسلام ندامانی(نماینده فومن) هم در زمره‌ی مهاجرین بودند.

بیستم: کمیته‌ی دفاع ملّی در قم تشکیل و مشغول جمع‌آوری اعانه و اسلحه شد.

بیست و سوم: مجلس شورای مّلی بر اثر تجاوز قوای روس و مهاجرت بسیاری از نمایندگان به قم، به تعطیلی گرایید. احمدشاه قاجار که مصمّم به خروج از پایتخت و عزیمت به اصفهان بود، با اصرار عدّه‌ای از رجال کشور و سفرای روس و انگلیس، از تصمیم خود منصرف شد.

قوای روس که در دروازه‌های تهران اردو زده بودند، به قزوین بازگشتند (دوشنبه ۷ محرم ۱۳۳۴ هـ . ق).

بیست و چهارم: ژنرال باراتف، فرمانده قشون روس، اعلانی را که حاکی از تحبیب و تهدید بود، خطاب به مردم گیلان و ایران منتشر نمود (۸ محرم ۱۳۳۴ هـ. ق / ۳ نوامبر ۱۹۱۵ م).

بیست و ششم: همسر و فرزندان عاصم‌بیگ (سفیر کبیر عثمانی) و چند تن از اعضای این سفارتخانه عازم قم شدند. پرنس رویس (وزیرمختار آلمان) در قم با مهاجرین ملاقات کردند.

سی‌ام: ژاندارم‌های ایران به فرماندهی سلطان محمّدتقی پسیان (کلنل بعدی) در همدان با نیروهای روسی جنگیدند و آن‌ها را شکست داده و از شهر راندند.



دکتر حشمت طالقانی و برادرانش



شیخ علی شیشه‌بر از سران نهضت جنگل

آذر

یکم: در قم تلگراف میرزا حسین‌خان مؤتمن‌الملک، رئیس مجلس شورای ملّی مبنی بر احضار نمایندگان مجلس به پایتخت، در جمع آنان خوانده شد؛ ولی تعداد کمی از آنان به تهران بازگشتند (۱۵ محرم ۱۳۳۴ هـ . ق).

دوم: کمیته‌ی دفاع ملّی به‌طور رسمی اعلام موجودیّت کرد. اعضای برجسته‌ی این کمیته که از حمایت سفارت آلمان برخوردار بود، عبارت بودند از: سلیمان‌میرزا اسکندری، میرزا سلیمان‌خان میکده، محمّدعلی‌خان کلوپ، ادیب‌السلطنه سمیعی و ... .

هفدهم: قم توسّط نیروهای روس اشغال شد و مهاجرین پایتخت به سمت کاشان عقب‌نشینی کردند.

اواسط: میرزاعلی‌خان طالع طالقانی از اعضای نهضت جنگل که جهت ملاقات با رجال سیاسی پایتخت و تهیّه‌ی اسلحه و مهمّات برای مبارزان جنگلی، از راه طارم و زنجان و قزوین به تهران رفته بود، پس از مذاکره با چند تن از رجال و نیز ملاقات با سفیر عثمانی، عاصم‌بیگ، و وابسته‌های نظامی عثمانی، آلمان و اتریش، بدون حصول نتیجه‌ای به رشت بازگشت.

بیست و ششم: ساوه توسّط قوای روس تصرّف شد و کمیته‌ی دفاع ملّی باز هم عقب‌نشینی کرد و رهسپار اصفهان شد (۱۱صفر۱۳۳۴هـ. ق/ ۶ دسامبر ۱۹۱۵ م).

دی

یکم: مستوفی‌الممالک از ریاست‌الوزرایی کناره‌گیری کرد و احمدشاه بلافاصله عبدالحسین‌میرزا فرمانفرما را به این سمت تعیین کرد. مهاجران قم و کاشان و اعضای کمیته‌ی دفاع ملّی وارد اصفهان شدند.

قوای ژاندارم و سواران هندی در رباط‌کریم با قوای روس جنگیدند ولی شکست خوردند.

دوم: اعضای کابینه‌ی فرمانفرما به شاه معرّفی شدند. برخی از آن‌ها عبارت بودند از: مشاورالممالک انصاری (وزیر خارجه)، سپهدار اعظم تنکابنی (وزیر جنگ)، سردار منصور رشتی (وزیر پست و تلگراف) و ... . تصدّی وزارت داخله را خود فرمانفرما برعهده گرفت.

دهم: دولت انگلستان در نتیجه‌ی ناامنی و شورش در ایالت فارس و پیش از حصول توافق با دولت ایران، اقدام به تشکیل یک نیروی نظامی با فرماندهی افسران انگلیسی کرد.

چهاردهم: شهرهای قم و کاشان توسّط قوای روس اشغال شد و کلیّه‌ی اعضای کمیته‌ی دفاع ملّی از اصفهان رهسپار کرمانشاه شدند.

پانزدهم: رضاقلی‌خان نظام‌السلطنه مافی (حکمران خوزستان، لرستان و بروجرد) با عدّه‌ای تفنگچی وارد «صحنه»ی کرمانشاه شد و ریاست کلّ قوای ملّی را برعهده گرفت و به نیروهای روس و انگلیس اعلان جنگ داد.

بیست و پنجم: قوای ملّیِ ایران که فرماندهی آنان با افسران آلمانی بود، در چند نقطه از روس‌ها شکست خوردند و مجبور به عقب‌نشینی شدند.

بیست و هشتم: قزّاق‌های روس سلطان‌آباد عراق را به تصرّف خود درآوردند.

www.tabarestan.info تبرستان

بهمن

هفتم: سر پرسی سایکس رسماً از طرف دولت انگلستان مأمور شد تا یک نیروی نظامی انگلیسی در جنوب ایران تشکیل دهد.

سیزدهم: نظام‌السلطنه و اعضای کمیته‌ی دفاع ملّی، کرمانشاه را تصرّف کردند.

هفدهم: حاج میرزارضا شریعت‌زاده گیلانی (حاج‌رضا رفیع و قائم‌مقام‌الملک بعدی) از طرف امپراتوری روس به سمت آتاشه افتخاری سفارت روس انتخاب و به دولت ایران معرّفی شد.



عبدالحسین میرزا فرمانفرما و سر پرسی سایکس



میرزارضا شریعت‌زاده گیلانی (قائم‌مقام‌الملک بعدی) در مهمانی کنسولگری روس در رشت (فرد معمّم که با ستاره مشخّص شده)



ژنرال باراتف و محمّدولی خان تنکابنی

اواسط: قوای روس در گیلان با ظرفیّت ۳۵۰۰ نفر از سه جهت (فومن، منجیل و آستارا) رهسپار ماسوله، مقرّ جنگلی‌ها شدند. فرماندهی قزّاق‌های روس با کلنل کالچوکف و فرماندهی قزّاق‌های ایرانی با کلنل مامانف بود و سواران برهان‌السلطنه طارمی و امیر مقتدر تالشی (نصرت‌اللّه خان ضرغام‌السلطنه) نیز آنان را همراهی می‌کردند. جنگلی‌ها پس از قرار گرفتن در محاصره دشمن، دفاع مختصری کردند؛ ولی چون شکست‌شان حتمی بود، در جنگل‌های اطراف کسماء و کوه‌های شفت و فومن پراکنده و مخفی شدند. در نتیجه ماسوله، فومن، کسماء و صومعه‌سرا به تصرّف قزّاق‌ها درآمد؛ لیکن علی‌رغم بیست روز توقّف در آن حدود نتوانستند به جنگلی‌ها دسترسی پیدا کنند.

بیست و دوم: عاصم‌بیگ سفیر کبیر عثمانی، آتاشه نظامی اتریش، یک نفر آلمانی و دکتر اشتمپ دندان‌سازِ دربار در «وردآورد» کرج توسّط قوای روس دستگیر و زندانی شدند.

سی‌ام: عاصم‌بیگ سفیر عثمانی که یک هفته قبل توسّط روس‌ها دستگیر شده بود، از طریق انزلی از ایران خارج شد.

تبرستان
.tabarestan.info

اسفند

سوم: نظام‌السلطنه مافی و وجوه مهاجرین به علّت نزدیک شدن قوای روس، کرمانشاه را به قصد کرند و قصرشیرین ترک کردند.

چهارم: کرمانشاه به تصرّف قوای روس درآمد.

دهم: فرمانفرما در نتیجه‌ی مداخلات غیراصولی دولت روسیه در خاک ایران، از ریاست‌الوزرایی استعفا کرد.

یازدهم: نظامیان انگلیس تحت ریاست ژنرال سر پرسی سایکس، دسته‌ای به نام تفنگداران جنوب (S.P.R) تشکیل دادند تا به کنترل اوضاع در جنوب ایران بپردازند.

سیزدهم: محمّدولی‌خان تنکابنی با لقب سپهسالار اعظم به ریاست‌الوزرایی منصوب شد و لقب قبلی او «سپهدار اعظم» به فتح‌اللّه‌خان سردار منصور رشتی اعطا گردید.

پانزدهم: محمّدولی‌خان سپهسالار اعظم تنکابنی، رئیس‌الوزراء و وزیر داخله، اعضای کابینه‌ی خود را به شاه معرّفی کرد. برخی از آنان عبارت بودند از: مسعود میرزا صارم‌الدّوله (وزیر خارجه)، سردار کبیر (وزیر جنگ)، سپهدار اعظم رشتی (وزیر پست و تلگراف) و ... .

اواسط: سپهسالار اعظم تحت فشار روس‌ها تصمیم به قلع و قمع جنگلی‌ها گرفت. او قصد داشت خوانین اطراف گیلان همچون اسعدالدّوله زنجانی، جهانشاه‌خان امیرافشار و تفنگچی‌های تنکابنی را همراه ۶۰۰ تن قزّاق به سرکوبی جنگلی‌ها بفرستد؛ لیکن حشمت‌الدّوله حکمران گیلان به وی تلگراف زد که او بر حسب دستور مستوفی‌الممالک نخست وزیر سابق (مرداد تا آذر ۱۲۹۴ هـ . ق) و فرمان احمدشاه قاجار مأموریّت دارد تا مشکل جنگل را به‌صورت مسالمت‌آمیز حل کند. او هم‌چنین عدّه‌ای از اهالی را واداشت تا به احمدشاه تلگراف کنند که گیلان تحمّل جنگ داخلی را ندارد و بهتر است اقدامی بفرمایند که کار جنگل به صلح خاتمه پذیرد. در نتیجه پس از صدور دستخط شاه، سپهسالار هم تسلیم شد.

بیست و هفتم: سپهسالار اعظم، رئیس‌الوزرای ایران، از اردوی نظامی روس در قزوین که فرماندهی آن با ژنرال لیتنانت باراتف بود، سان دید.

بیست و هشتم: سپاهیان روس اصفهان را هم اشغال کردند.




حاج سیّد محمود روحانی


حاج سیّد عبدالوهّاب صالح


آقا شیخ علی علم‌الهدی حلقه‌سری

فروردین

پانزدهم: حشمت‌الدّوله، حکمران گیلان که از طرف احمدشاه مأمور خاتمه دادنِ کار جنگل از طریق سازش بود، پس از حدود یک ماه تلاش برای ملاقات با میرزا کوچک‌خان، عاقبت خود به همراه دو تن از علمای رشت سیّدعبدالوهّاب و حاج سیّدمحمود روحانی برای دیدن میرزا کوچک‌خان به فومن رفت. نتیجه‌ی مذاکرات این شد که برای کاهش فشار روس‌ها بر دولت مرکزی، جنگلی‌ها فعالیّت خود را کاهش دهند و عدّه‌ای از نیروهای خود را مرخّص کنند و برای افراد برجسته‌ی نهضت جنگل اوراق تأمین صادر شود تا روس‌ها کار جنگلی‌ها را خاتمه یافته بپندارند و از فشار خود بر دولت بکاهند. جنگلی‌ها با این پیشنهاد موافقت کردند و زمینه‌ی کار فراهم شد.

www.tabarestan.info تبرستان

اردیبهشت

اوایل: از غرب خبر رسید که روس‌ها دست به آدمکشی و غارت و یغما زدند؛ در نتیجه جنگلی‌ها خشمگین شده در مقام معارضه برآمدند و در بین راه رشت و انزلی به عدّه‌ای از قزّاق‌های روس حمله کردند و تعدادی تفنگ و فشنگ به غنیمت گرفتند. در نتیجه‌ی این اقدامِ جنگلی‌ها، اجرای توافقات انجام شده با دولت و صدور تأمین‌نامه‌ها منتفی شد.

دهم: حشمت‌الدّوله، حکمران گیلان پس از شکست اقداماتش، از سمت خود کناره‌گیری کرد و موقتاً کفالت حکومت را به صادق‌خان سردار معتمد سپرد و راهی تهران شد. در همین روز کمیته‌ی دفاع ملّی در «قصرشیرین» منحل شد و اتحادیّه‌ی کلیه‌ی عناصر وطن‌پرست با نام «هیأت مدافعین وطن» شکل گرفت (جمادی‌الثانی ۱۳۳۴ هـ . ق).

دوازدهم: دولت سپهسالار اعظم تنکابنی در ازای دریافت دویست هزار تومان ماهانه، کنترل مالیه و قشون را به دولت انگلیس سپرد و در همین رابطه کمسیونی تشکیل شد که اعضای آن عبارت بودند از: موسیو هنسس بلژیکی (خزانه‌دار کل)، عبدالحسین‌خان سردار معظّم خراسانی (تیمور تاش)، محسن‌خان امین‌الدّوله، یک نفر انگلیسی و یک نفر روس.

پانزدهم: قوای روس به قصرشیرین حمله کردند و در نتیجه نظام‌السلطنه و ملیّون به سمت بغداد و کاظمین عقب‌نشینی کردند.

بیست و ششم: میرزا صالح‌خان آصف‌الدّوله که برای چندمین بار به حکمرانی گیلان منصوب شده بود، وارد رشت شد (رجب ۱۳۳۴ هـ . ق).

خرداد

نهم: در بغداد هیأت جنگی ایران به ریاست سردار مقتدر کاشی تشکیل شد.

تیر

هشتم: اردویی به سرکردگی مرتضی‌قلی‌خان سردار اقتدار، فرزند سپهسالار اعظم (رئیس‌الوزرا)، مرکّب از ۴۰۰ سوار و پیاده تنکابنی، وارد لاهیجان شد تا از آن‌جا برای دفع جنگلی‌ها رهسپار فومنات شود.

دهم: کرمانشاه توسّط سپاه عثمانی و ملیّون ایرانی تصرّف شد و قوای روس عقب‌نشینی کرد. سردار اقتدار با اردوی تحت امر خود وارد رشت شد (۱ رمضان ۱۳۳۴ هـ . ق).

سی و یکم: سردار اقتدار که به‌عنوان سرکوب جنگلی‌ها به رشت آمده بود، پس از سه هفته اقامت در این شهر و دریافت بیش از پنج هزار تومان هزینه‌ی لشکرکشی؛ بدون هیچ اقدامی بر علیه جنگلی‌ها به تنکابن بازگشت.



میرزا حسن خان وثوق‌الدّوله

مرداد

دهم: نمایندگان سیاسی روس و انگلیس طیّ یادداشتی به دولت ایران، خواستار افزایش نیروهای پلیس جنوب به فرماندهی افسران انگلیسی و نیروهای قزّاق به فرماندهی افسران روسی شدند و مخارج تجهیز و نگهداری آن‌ها را نیز خود تقبّل کردند.

تبرستان
www.tabarestan.info

پانزدهم: سپهسالار اعظم رئیس‌الوزرا با قید «فورس ماژور» با پیشنهاد افزایش نیروهای پلیس جنوب و قزّاق موافق کرد (۱۵ اوت ۱۹۱۶ م).

شانزدهم: روس‌ها بنا به ملاحظات سوق‌الجیشی همدان را تخلیه کردند.

بیستم: قوای عثمانی وارد همدان شدند و امیر افخم، حکمران منطقه، شهر را ترک کرد.

بیست و یکم: عساکر عثمانی به سمت قزوین پیشروی کردند و تهران در معرض تهدید ترک‌ها قرار گرفت و در نتیجه سپهسالار اعظم از رئیس‌الوزرایی برکنار شد (شوّال ۱۳۳۴ هـ . ق).

بیست و دوم: نیروهای عثمانی وارد قزوین شدند و سلطان احمدشاه، میرزاحسن‌خان وثوق‌الدّوله را به ریاست‌الوزرایی برگزید.

بیست و چهارم: اداره راه شوسه انزلی ـ تهران ـ قزوین ـ همدان که مرکز آن در قزوین بود، دفاتر خود را به رشت منتقل کرد.



محمّدولی خان تنکابنی سپهسالار اعظم

بیست و ششم: شارژ دافر عثمانی طیّ اعلامیّه‌ای متذکّر شد که از طرف اردوی مظفّر و منصور عثمانی به هیچ‌کس اذیت و آزار نخواهد رسید و اهالی نباید تهران را ترک کنند؛ ولی با این حال در این روز عدّه‌ی کثیری از ارامنه از بیم ترک‌های عثمانی، تهران را به قصد اروپا ترک کردند.

بیست و هفتم: وزیران مختار روس و انگلیس ضمن اعلام خروج قریب‌الوقوع خود از تهران، به شاه و دربار هم پیشنهاد کردند که تهران را ترک کنند و به مازندران بروند.

بیست و هشتم: سلطان احمدشاه شورایی مشورتی با حضور سی و پنج تن از علما، شاهزادگان و اعیان دربار در صاحبقرانیه تشکیل داد تا در خصوص خروج یا عدم خروج او از پایتخت تصمیم‌گیری کنند. خبر فسخ عزیمت شاه به اطّلاع اهالی مضطرب و هیجان‌زده تهران رسید. عدّه‌ی زیادی از آن‌ها بازارها را بسته و در مسجد سپهسالار اجتماع کرده بودند. در همین روز قوام‌السلطنه، محتشم‌السلطنه و مشاورالممالک مأموریّت یافتند تا برای مذاکره به نزد علی احسان پاشا، فرمانده قوای عثمانی بروند و او را متقاعد کنند



میرزا صالح‌خان آصف‌الدّوله

که از ورود به تهران خودداری کند.

سی‌ام: ژنرال علی احسان پاشا فرمانده قشون عثمانی در بیانیّه‌ای اعلام کرد که دولت اسلامی عثمانی برای رهایی شاه و دولت اسلامی ایران قیام کرده و بر آن است که ایران را از لوث وجود کفّار تطهیر کند. در همین روز وثوق‌الدّوله به دلیل عدم توفیق در جلب وزیران استعفا کرد و بلافاصله میرزا محمّدعلی‌خان علاءالسلطنه به ریاست‌الوزرایی انتخاب شد. زره‌پوش‌های انگلیسی وارد تبریز شدند.

سی و یکم: علاءالسلطنه از ریاست‌الوزرایی کنار رفت و مجدّداً فرمان به نام وثوق‌الدّوله صادر شد.

شهریور

هفتم: وثوق‌الدّوله رئیس‌الوزراء، کابینه‌ی خود را به شاه معرّفی کرد. برخی از اعضای آن عبارت بودند از: وثوق‌الدّوله (رئیس‌الوزراء و وزیر خارجه)، سپهدار اعظم رشتی (وزیر داخله)، حشمت‌الدّوله والاتبار (وزیر جنگ)، دکتر اسماعیل‌خان مرزبان رشتی "مؤدّب‌السلطنه، امین‌الملک" (وزیر پست و تلگراف) و ... .

در تهران کمیته‌ای به نام «کمیته مجازات» تشکیل شد که هدف از تشکیل آن، ترور برخی شخصیّت‌های وابسته به بیگانه بود. برخی از اعضای آن عبارت بودند از: منشی‌زاده، ابوالفتح‌زاده، مشکوة‌الملک، کریم دواتگر و ... . در واقع هرج و مرج موجود و حضور قوای عثمانی در نزدیکی تهران، زمینه را برای تشکیل این کمیته‌ی تروریستی فراهم ساخت.

www.tabarestan.info تبرستان

شانزدهم: وثوق‌الدّوله رئیس‌الوزراء کوشید تا دولتین روس و انگلیس را از کنترل مالیه و قشون ایران منصرف سازد.

آبان

بیست و سوم: محمّدعلی‌خان مفاخرالملک (رئیس نظمیه گیلان و کفیل حکومت) که از عوامل قونسولگری روس در رشت بود، به دستور بلوم قونسول روس با ۳۰۰ نفر نیرو برای قلع و قمع جنگلی‌ها عازم فومن و کسما شد.

شانزدهم: نیروهای دولتی به فرماندهی مفاخرالملک در بازار کسما محاصره شدند و زد و خورد تا ظهر ادامه داشت؛ تا این که جنگلی‌ها بازار را آتش زدند و باقی‌مانده‌ی قوای دولتی و از جمله خود مفاخرالملک را به اسارت گرفتند. مفاخرالملک علی‌رغم دستور صریح میرزا کوچک‌خان مبنی بر مراقبت از وی، به ضرب گلوله‌ی یکی از جنگلی‌ها به نام محمّدحسن‌خان پاپیروسی که خواهرزاده‌ی حاج احمد کسمایی (مرد شماره دو نهضت جنگل) بود، به قتل رسید.

بیست و هشتم: آصف‌الدّوله حکمران گیلان گزارش واقعه‌ی کسما و قتل مفاخرالملک را برای دولت فرستاد.



محمّدعلی خان مفاخرالملک



از راست: شیخ علی شیشه‌بر، سیّدتقی مدنی و میراحمد مدنی



محمّدعلی خان علاءالسّلطنه

آذر

اوایل: آصف‌الدّوله به تهران احضار شد و به جای وی حاج مفاخرالدّوله نبوی به خواست سفارت روس به حکمرانی گیلان تعیین شد.

ششم: عدّه‌ای از کردها که در گیلان به کسب‌وکار مشغول بودند، به جنگلی‌ها ملحق شدند (۲۷ نوامبر ۱۹۱۶ م).

دوازدهم: سه نماینده از جانب جنگلی‌ها رهسپار قزوین شدند تا اهالی آن‌جا را تشویق کنند تا به نهضت جنگل بپیوندند.

چهاردهم: قسمتی از مناطق جنوبی ایران به دست سپاهیان آلمان افتاد. نخست وزیر لیبرال انگلستان «اسکوئیث»، پس از هشت سال زمامداری از کار کناره‌گیری کرد (۵ دسامبر ۱۹۱۶ م).

پانزدهم: جرج پنجم پادشاه انگلستان فرمان نخست‌وزیری «لوید جرج» یکی دیگر از اعضای حزب لیبرال را صادر کرد.

سی‌ام: انگلستان عملیات تهاجمیِ وسیعی را علیه ترک‌ها آغاز کرد.

تبرستان
www.tabarestan.info

دی

شانزدهم: سپاهیان انگلیس مجدّداً جنوب ایران را تصرّف کردند و نیروهای آلمان را به خارج از ایران راندند.

بیست و دوم: وزارت داخله طیّ تلگرافی به امیر مقتدر تالشی (نصرت‌اللّه‌خان ضرغام‌السلطنه) که در شفارود به سر می‌برد، با تقاضای وی مبنی بر اعزام اردویی از بریگاد مرکزی قزّاق تهران و عدّه‌ای دیگر از قزّاق‌ها برای یاری رساندن به او جهت مقابله با جنگلی‌ها موافقت کرد.

بیست و چهارم: در پتروگراد (پایتخت روسیه) اعتصابات و تظاهرات گسترده کارگران بر علیه حکومت تزاری آغاز شد.

اواخر: پس از زد و خوردی که بین قوای جنگل و نیروهای تحت امر امیر مقتدر تالشی واقع شد، جنگلی‌ها در نتیجه‌ی همکاری مردم پیروز شدند و امیر مقتدر از شفارود به رئیس‌الوزراء تلگراف زد که: «جنگلی‌ها با عدّه خود به شاندرمن حمله کرده، آن‌جا را تصرّف نمودند. هر قدر به ایالت و ریاست قشون تلگراف کردم کمکی نرسید...».

بهمن

دهم: ارتش انگلستان ارتش ششم عثمانی را شکست داد.

نوزدهم: اعتصاب عمومی و تشنج بزرگی پتروگراد (پترزبورگ) پایتخت روسیه تزاری را فرا گرفت. در همین روز در گیلان یک دسته قشون مختلط متشکّل از یکصد نفر سربازان فوج مسعود تهران، سی نفر قزّاق و نیروهای تحت امر امیر مقتدر تالشی به‌طرف مواضع جنگلی‌ها حرکت کردند که برخورد آن‌ها منجر به شکست قوای دولتی و تصرّف ماسال و شاندرمن توسّط جنگلی‌ها شد.



تزار نیکلای دوم امپراتور روس

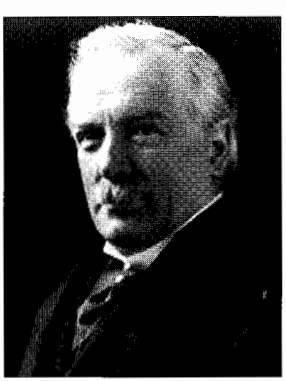

دیوید لوید جرج نخست‌وزیر انگلستان



جرج پنجم پادشاه انگلستان


ژنرال خابالف


پرنس جورج لووف


گراند دوک میشل

www.tabarestan.info تبرستان

بیست و یکم: در قشون روسیه اغتشاش به وجود آمد.

بیست و دوم: مجلس دومای روسیه فرمان انحلال مجلس را که از طرف امپراتور صادر شده بود، نپذیرفت.

بیست و چهارم: یک حکومت موقّتی در روسیه به ریاست پرنس ژرژ تشکیل شد.

بیست و هشتم: میرزا اسماعیل‌خان، مدیر انبار غلّه دولتی، در تهران توسّط کمیته مجازات به قتل رسید.

اسفند

دهم: بغداد به تصرّف نیروهای انگلیسی درآمد.

پانزدهم: نیروهای ترک از خاک ایران رانده شدند و همدان و کرمانشاه به تصرّف ژنرال باراتف، فرمانده قشون روس درآمد.

وزیر داخله ایران، فتح‌اللّه‌خان سپهدار اعظم رشتی، طیّ نامه‌ای به حاج مفاخرالدّوله نبوی حکمران گیلان دستور داد تا با هماهنگی موسیو بلوم، قونسول روس در رشت، عدّه‌ای از قوای روس را به همراه تالشی‌ها برای قلع و قمع جنگلی‌ها اعزام کند (۱۱ جمادی‌الاوّل ۱۳۳۵ هـ. ق).

بیستم: فرماندار نظامی پتروگراد (پترزبورگ) ژنرال خابالُف در اجرای فرمان تزار نیکلای دوّم، عدّه زیادی از مخالفان را دستگیر کرد که از جمله‌ی آنان اعضای کمیته‌ی پتروگراد حزب بلشویک بودند.

بیست و یکم: کشته و مجروح شدن عدّه‌ای از مردم پترزبورگ به دست لشکرگارد، بیش از پیش آنان را تحریک و تهییج کرد و عدّه‌ای از نظامیان هم به مردم ملحق شدند.

بیست و دوم: هرج و مرج و ناآرامی پتروگراد را فراگرفت.

بیست و سوم: شورشیان بر پتروگراد مسلّط شدند و عدّه زیادی از وزراء و مسئولان حکومت تزاری را در کاخ توربد (مقرّ دومای روسیه) محبوس کردند و در قسمتی دیگر از کاخ، شورای انقلابی تشکیل دادند که چخیدره، کرنسکی و اسکوبِلف به ترتیب به ریاست و نایب رئیسی آن برگزیده شدند. بلافاصله کمیته اجرایی موقّت هم تشکیل شد که اعضای آن عبارت بودند از: سه نماینده مجلس دوما از جمله کرنسکی، سه بلشویک از جمله شلیاپیکوف و مولوتف و سه سوسیالیست انقلابی.

بیست و پنجم: نیکلای دوّم امپراتور روسیه از سلطنت کناره‌گیری کرد و برادر خود گراندوک میشل (فرانتس فردیناند) را امپراتور اعلام کرد. پرنس میشل قبول سلطنت را موکول به تشکیل و تصویب مجلس مؤسّسان نمود. در نتیجه حکومتی موقّتی به رهبری پرنس لووف تشکیل شد (۱۵ مارس ۱۹۱۷ م).

بیست و هشتم: وثوق‌الدّوله رئیس‌الوزراء، هیأتی متشکّل از نمایندگان وزارتخانه‌ها را به ریاست سیّدضیاءالدین طباطبایی (مدیر روزنامه رعد) برای مذاکره و عقد قرارداد با دولت روسیه به پتروگراد فرستاد. نامبرده با مشاهده عمق انقلاب مردم روسیه دولت ایران را متوجّه تغییرات اساسی در روسیه کرد.



فروردین

یکم: وثوق‌الدّوله رئیس‌الوزراء تشکیل دسته‌ی تفنگداران جنوب را به رسمیّت شناخت.

پنجم: انقلابی تبعیدی و متنفّذ روس کامنف و همرزمش ژوزف جوگاشویلی (استالین بعدی) وارد پتروگراد شدند تا کنترل بلشویک‌ها را برعهده بگیرند.

یازدهم: ژنرال باراتف فرمانده قوای روسیه در مرزهای ایران و بین‌النهرین مستقّر شد و به ارتش انگلستان پیوست.

سیزدهم: عدّه زیادی از رجال ایران طیّ تلگرافی به مجلس دومای روسیه از اقدامات آن‌ها در جهت تغییرات تمجید کردند.

www.tabarestan.info تبرستان



کریم دواتگر

اردیبهشت

سیزدهم: کریم دواتگر، تروریست کمیته مجازات، به حکم اعضای کمیته مزبور به علّت اختلافات مالی به قتل رسید.

هجدهم: فرمان انتخابات مجلس چهارم توسّط احمدشاه قاجار صادر شد.

نوزدهم: فتح‌اللّه‌خان اکبر (سپهدار اعظم رشتی) وزیر داخله، به دستور وثوق‌الدّوله رئیس‌الوزراء اعتبار لازم برای برگزاری انتخابات مجلس چهارم را در اختیار شهرها قرار داد (علی‌رغم آغاز انتخابات در همین سال، مجلس چهارم تا سال ۱۳۰۰ امکان تشکیل نیافت).



محسن خان امین‌الدّوله در جوانی

خرداد

یکم: عبدالحمیدخان متین‌السلطنه نماینده سابق مجلس و مدیر روزنامه عصر جدید، توسّط اعضای کمیته مجازات به قتل رسید.

هشتم: وثوق‌الدّوله از ریاست‌الوزرایی کناره‌گیری کرد.

دهم: محمّدعلی‌خان علاءالسلطنه مأمور تشکیل دولت شد.

پانزدهم: علاءالسلطنه کابینه‌ی خود را به شاه معرّفی کرد. برخی از اعضای آن عبارت بودند از: علاءالسلطنه (رئیس‌الوزراء و وزیر خارجه)، مشیرالدّوله (وزیر جنگ)، مستشارالدّوله (وزیر داخله) و ... .

شانزدهم: سه نفر از اعضای حزب دموکرات گیلان در سبزه‌میدان رشت سخنرانی کردند و چهل و چهار پارچه دهات لشت‌نشا، ملکی محسن‌خان امین‌الدّوله را ملّی اعلام کردند (۱۵ شعبان ۱۳۳۵ هـ . ق).

هفدهم: میرزا محسن مجتهد، روحانی معروف و متنفّذ تهران، توسّط کمیته مجازات به قتل رسید.

بیستم: نخستین شماره روزنامه‌ی جنگل، ارگان کمیته اتّحاد اسلام در گیلان منتشر شد.

بیست و سوم: محسن‌خان امین‌الدّوله مالک قریه لشت‌نشا توسّط میرزا کوچک‌خان و عدّه‌ای از جنگلی‌ها پس از زد و خورد مختصری دستگیر شد و به مقرّ جنگلی‌ها در کسما منتقل گردید (جمعه ۲۲ شعبان ۱۳۳۵ هـ . ق).



از راست: محمّدحسن پاپیروسی، محمّد اسماعیل مدیر وجوهات و سیّد ابوالقاسم موسوی کسمایی


کامنف


ژوزف استالین


الکساندر کرنسکی

www.tabarestan.info

بیست و نهم: دولت موقّت روسیه اقدام به دستگیری گسترده بلشویک‌ها نمود. کامنف، تروتسکی، اوناچارسکی و راخیا دستگیر شدند و لنین و زینوویف به مرز فنلاند گریختند (۱۹ جون ۱۹۱۷ م).

سی و یکم: کارگزاری گیلان از وزارت خارجه درخواست کرد مراتب اعتراض خود را در خصوص مزاحمت نظامیان روس برای اهالی گیلان و مسافران به سفارت روس اعلام نماید (۱ رمضان ۱۳۳۵ هـ . ق).

تیر

یکم: کرنسکی به جای پرنس لِووف ریاست دولت موقّت روسیه را برعهده گرفت (۲۱ جون ۱۹۱۷ م). در تالش بین نیروهای تحت امر امیر مقتدر طالشی و جنگلی‌ها زد و خورد درگرفت.

پنجم: موسیو بلوم قونسول روس در رشت از کار کناره‌گیری کرد و به انزلی رفت (۶ رمضان ۱۳۳۵ هـ . ق).

دوازدهم: نایب علی‌اکبرخان معین همایون، امین مالیه گیلان، به دست ابراهیم زنجانی و با کمک غلام‌حسین پاسبان به قتل رسید (بنا به معروف این ترور به دستور حاج احمد کسمایی، مرد شماره دو نهضت صورت پذیرفت)، (چهارشنبه ۱۳ رمضان۱۳۳۵ هـ . ق).

سیزدهم: هیأت اتّحاد اسلام طیّ نامه‌ای به علاءالسلطنه رئیس‌الوزراء، خواستار عزل حاج مفاخرالدّوله نبوی از حکومت گیلان شد.

چهاردهم: حشمت‌الدّوله والاتبار مجدّداً به حکمرانی گیلان منصوب شد؛ ولی حاضر به قبول این مسئولیّت نشد.

پانزدهم: سربازان روس، ارومیّه را به آتش کشیدند. حاج مفاخرالدّوله نبوی حکمران گیلان از سمت خود معزول و به تهران احضار شد و داماد و برادرزاده‌اش مخاطب‌السلطان موقّتاً به کفالت حکومت گیلان تعیین گردید.

نوزدهم: حاج‌علی‌خان ظهیرالدّوله (صفاعلی شاه) نماینده‌ی ویژه‌ی دولت برای مذاکره با جنگلی‌ها در خصوص آزادی امین‌الدّوله (مالک لشت‌نشاء) وارد رشت شد. علّت اعزام ظهیرالدّوله به این مأموریّت، سابقه‌ی حکمرانی وی در گیلان و نفوذ کلام او در بین گیلانیان بود.

جنگ بین جنگلی‌ها و تالشی‌ها با وساطت رشیدالممالک خلخالی و امیر عشایر شاطرانلوی شاهسون خاتمه یافت.

بیستم: عدّه‌ای دزد و رهزن که به تعریض خود را «مَنگلی» می‌خواندند، در آستانه‌اشرفیّه اخّاذی و ایجاد اغتشاش کردند.

بیست و پنجم: پنجاه سوار امنیّه (ژاندارمری) گیلان، مَنگلی‌ها را دستگیر، متواری و متفرّق کردند.

بیست و هفتم: امیر مقتدر تالشی که دائماً با جنگلی‌ها در زد و خورد بود، با پادرمیانی رشیدالممالک و برادرش امیر عشایر خلخالی و چند تن

دیگر، برای آشتی با جنگلی‌ها وارد فومن شد و با قسم قرآن به میرزا کوچک‌خان دست اتّحاد داد (۲۸ رمضان ۱۳۳۵ هـ . ق).

بیست و هشتم: ظهیرالدّوله مأمور ویژه‌ی دولت در کسما با میرزا کوچک‌خان ملاقات کرد و در خصوص آزادی محسن‌خان امین‌الدّوله با وی مذاکره کرد.

اواخر: نمایندگان اتّحاد اسلام در رشت مستقر و با یک عدّه‌ی ۱۳۰ نفری مشغول حفاظتّ و حراست عمومی شدند.

سی‌ام: وزارت خارجه ایران طیّ نامه‌ای خواهان خروج قوای روس از ایران شد.

تبرستان
www.tabarestan.info

مرداد

دوم: وزارت خارجه ایران وحشت اهالی زنجان، انزلی و رشت را از حضور نظامیان روس و احتمال غارت این شهرها، به اطّلاع سفارت روس رساند و ضمن یادآوری وقایع ارومیّه، یگانه راه منع تکرار حوادث سابقه را رجعت قشون روس اعلام کرد (۹ شوّال ۱۳۳۵ هـ ق).

سوم: باقرخان نظم‌الملک عظیمی، کارگزار گیلان طیّ نامه‌ای به وزارت خارجه اعلام کرد که کمیته‌ی مجازاتی اخیراً در رشت تشکیل شده و به وسیله‌ی پست شهری، عموم ادارات و مردم را تهدید به قتل، تبعید و تعطیل می‌کنند. کفیل عدلیه فرار نموده، عدلیه منحل شده و امنیّت عمومی سلب گردیده است و جنگلی‌ها هم از وضعیّت موجود راضی نیستند (۱۰ شوّال ۱۳۳۵ هـ . ق).

چهارم ـ چهاردهم: فیودور نیکلاویچ براوین از اعضای کمیته‌ی انقلابی روس‌ها در انزلی با رهبران جنگلی‌ها ملاقات کرد.

هفدهم: شیخ علی‌نقی رئیس عدلیه‌ی گیلان به دست جنگلی‌ها دستگیر و به کسما منتقل شد.

اواخر: میرزا کوچک‌خان وارد خلخال شد و پس از ملاقات با مردم و مذاکره با رؤسای ایلات در هروآباد خلخال، آن‌ها را با خود متحّد کرد.

شهریور

هجدهم: کرنسکی رئیس سوسیالیت دولت ائتلافی که پس از استعفای پرنس لِووف عهده‌دار این سمت شده بود، با همکاری بلشویک‌ها، منشویک‌ها و سوسیالیست‌ها، توطئه‌ی ژنرال کورنیلوف را که قرار بود با همکاری ژنرال کالدین (فرمانده قوای قزّاق)، ژنرال ساونیکوف (معاون وزارت جنگ)، ژنرال کریموف و ژنرال دنیکن دست به کودتا بزند، خنثی کرد (۹ سپتامبر ۱۹۱۷ م).

بیست و پنجم: کرنسکی، رئیس دولت ائتلافی روسیه، اعلام جمهوری کرد و یک هیأت مدیره پنج نفره تشکیل داد (۱۶ سپتامبر ۱۹۱۷ م).



میرزا کوچک‌خان و سیّد حبیب‌الله مدنی



میرزا علی‌خان ظهیرالدّوله (صفاعلی‌شاه)

مهر

سیزدهم: امین‌الدّوله مالک لشت‌نشا پس از سه ماه و بیست روز با پرداخت هفتاد هزار تومان، از اسارت جنگلی‌ها آزاد شد و وارد رشت گردید و ظهیرالدّوله نیز که برای آزادی نامبرده به گیلان آمده بود، عازم محل مأموریّت خود در مازندران شد (۱۹ ذیحجه ۱۳۳۵ هـ . ق).

چهاردهم: امین‌الدّوله رهسپار تهران شد.

پانزدهم: دولت ایران مجدّداً طیّ نامه‌ی مبسوطی به سفارت روس، خواستار تخلیه‌ی خاک ایران از قشون این کشور شد (۲۳ ذیحجه ۱۳۳۵ هـ . ق).

شانزدهم: معتصم‌السلطنه فرّخ، کارگزار جدید گیلان به وزارت خارجه گزارش داد که چند روز است لاینقطع قشون روس وارد می‌شوند و کاروانسرا و خانه و باغ را تخلیه می‌کنند و اهالی متوحّش‌اند. هیأت اتّحاد اسلامی هم نمایندگان خود را از فومن احضار کرد (۲۴ ذیحجه ۱۳۳۵ هـ . ق).

اواسط: اختلاف بین مخاطب‌السلطان نبوی (کفیل حکومت گیلان) و هیأت اتّحاد اسلام بالا گرفت.

سی‌ام: کمیته حزب بلشویک روسیه در جلسه سرّی خود قیام مسلّحانه علیه دولت موقّت را تصویب کرد.

www.tabarestan.info تبرستان

آبان

اوایل: امین معتضد یا معتضدالاطبّاء که از تهران به حکومت لاهیجان منصوب شده بود، توسّط اهالی محل پذیرفته نشد و به رشت بازگشت و از آن‌جا به تهران مراجعت کرد (محرم ۱۳۳۷ هـ . ق).

دوم: یک کمیته نظامی انقلابی متشکّل از سران بلشویک روسیه که لنین و تروتسکی هم در آن عضویّت داشتند، تشکیل شد (۲۵ اکتبر ۱۹۱۷ م).

پانزدهم: در روسیه حکومت بلشویکی بر روی کار آمد و در دولت جدید، لنین رئیس حکومت و سرکمیسر و تروتسکی کمیسر امور خارجه شد.

هفدهم: وزارت خارجه ایران مراتب اعتراض خود را به توقیف قایق‌های حمل کالا توسّط نظامیان روس در انزلی، به سفارت روسیه ابلاغ کرد (۲۶ محرم ۱۳۳۶ هـ . ق).

هجدهم: علاءالسلطنه رئیس‌الوزراء در ترمیم کابینه، میرزاحسن‌خان مشیرالدّوله را به وزارت جنگ و میرزا احمدخان قوام‌السلطنه را به وزارت داخله منصوب کرد.



محسن‌خان امین‌الدّوله در میان جنگلی‌ها. از چپ: دکتر حشمت، میرزا کوچک خان، معین‌الرّعایا، ؟، حاجی شیخ محمّدتقی افتخارالعلماء، حاجی محمّدرضا حکیمی، ؟، امین‌الدوله، ؟، اسماعیل‌خان جنگلی، ؟، میرآقا کمایی، ؟، حاج احمد کسمایی.



ژنرال دنیکن



از راست: ۲. کربلایی حسین، دکتر ابراهیم حشمت و آقا سیّد تقی مدنی



معتصم‌السلطنه‌فرخ

تبرستان
www.tabarestan.info



لنین

بیست و دوم: دکتر ابراهیم‌خان حشمت‌الاطباء از طرف هیأت اتّحاد اسلام با لقب سالار حشمت به حکومت لاهیجان منصوب شد و پس از ورود، املاک وثوق‌الدّوله و چند تن دیگر را توقیف کرد و پس از احضار روحانیون، مالکین و تجّار شهر، از آنان مطالبه‌ی یکصد و هشتاد هزار تومان اعانه کرد (۹ ـ ۳ صفر ۱۳۳۶ هـ . ق).

بیست و پنجم: علاءالسلطنه از ریاست‌الوزرایی استعفا کرد.

بیست و ششم: عبدالمجیدمیرزا عین‌الدّوله به ریاست‌الوزرایی منصوب شد.

بیست و هشتم: مخاطب‌السلطان نبوی، کفیل حکومت گیلان، در نتیجه‌ی اختلاف با هیأت اتّحاد اسلام، از سمت خود کناره‌گیری کرد و رهسپار تهران شد و معتصم‌السلطنه فرّخ، کارگزار گیلان با حفظ سمت، اداره‌ی امور گیلان را برعهده گرفت.

سی‌ام: عین‌الدّوله رئیس‌الوزراء کابینه‌ی خود را به احمدشاه معرّفی کرد. برخی از اعضای آن عبارت بودند از: مشیرالدّوله (وزیر جنگ)، علاءالسلطنه (وزیر خارجه)، قوام‌السلطنه (وزیر داخله)، امین‌الملک مرزبان (وزیر پست و تلگراف) ... .

آذر

بیست و یکم: لنین، رئیس حکومت بلشویکی روسیه پس از متارکه‌ی جنگ بین روس و آلمان و عثمانی، کلیه‌ی عهدنامه‌های سرّی راجع به تقسیم ایران را لغو و اعلام کرد قشون روس به زودی از ایران خارج می‌شود (۱۲ دسامبر ۱۹۱۷ م).

دی

یکم: مصطفی‌قلی‌خان امیر عشایر شاطرانلوی خلخالی، رئیس ایل شاهسون از طرف هیأت اتّحاد اسلام به حکمرانی موقّت گیلان منصوب شد.

دوازدهم: امیر عشایر خلخالی حکمران منصوب اتّحاد اسلام به همراه ۳۰۰ تن از سواران شاهسون وارد رشت شد و مورد استقبال اهالی، علما و اعیان شهر قرار گرفت. معتصم‌السلطنه فرّخ هم‌چنان از طرف دولت مرکزی عهده‌دار کفالت حکومت گیلان بود.

سیزدهم: صدراعظم آلمان رسماً به سفارت ایران در برلن ابلاغ کرد که قشون روسی و عثمانی موظّف شدند که خاک ایران را ترک کنند.

پانزدهم: نیروهای تحت امر ژنرال باراتف، فرمانده قشون روسیه، خروج از خاک ایران را به مقصد روسیه آغاز کردند.

بیستم: عبدالحسین‌خان سردار محیی از سران انقلاب مشروطیّت ایران وارد رشت شد و مورد استقبال اعیان و محترمین و علما قرار گرفت. نیروهای انگلیسی پاطاق و قصرشیرین را در غرب ایران تصرّف کردند.

بیست و یکم: سردار اسعد تنکابنی فرزند سپهسالار اعظم وارد رشت شد و مورد استقبال اهالی قرار گرفت.

بیست و سوم: سردار محیی و سردار اسعد به اتّفاق جهت ملاقات با هیأت اتّحاد اسلام به کسما رفتند.

بیست و پنجم: عبدالمجید میرزا عین‌الدّوله از ریاست‌الوزرایی کناره‌گیری کرد.

بیست و ششم: میرزاحسن‌خان مستوفی‌الممالک رئیس‌الوزراء شد.

بیست و هفتم: مستوفی‌الممالک رئیس‌الوزراء و وزیر داخله، اعضای کابینه‌ی خود را به احمدشاه قاجار معرّفی کرد. برخی از اعضای آن عبارت بودند از: مشیرالدّوله (وزیر جنگ)، مخبرالسلطنه (وزیر عدلیه)، مخبرالملک (وزیر مالیه)، مشاورالممالک (وزیر امور خارجه) و ... .

در روسیه مجلس مؤسّسان در اقدامی نمایشی تشکیل حکومت جمهوری شورایی روسیه را تصویب کرد (۱۸ ژانویه ۱۹۱۸ م).

در گیلان خوانین محلی که به تازگی با جنگلی‌ها متّحد شده بودند، کمیسیون انتظامات اردوی متّحدین را برای جلوگیری از غارت و تجاوز افراد تحت امر خود تشکیل دادند. معزّالسلطنه خواجوی، سالار نصرت، نبی‌خان رئیس، مقبل‌السلطان و علی‌اکبرخان دکتر به عضویّت این کمیته برگزیده شدند.

بیست و نهم: موسیو براوین، قونسول حکومت سابق روسیه تزاری در خوی، به‌عنوان سفیر کبیر حکومت بلشویکی روسیه وارد تهران شد و حامل پیامی از سوی لنین، صدر شورای کمیسرهای ملّی برای ایران بود؛ اما سفیر روسیّه‌ی تزاری در تهران، سفارتخانه را به وی تحویل نداد و دولت ایران محل دیگری را به اقامت وی اختصاص داد.

بهمن

پنجم: شاهزاده سلیمان میرزا، لیدر حزب دموکرات، که از حامیان نهضت جنگل بود، به اتّهام همکاری با آلمان‌ها توسط نیروهای انگلیسی بازداشت شد.

هشتم: قوای قزّاق روسیّه‌ی تزاری همدان، سنندج و چند شهر دیگر آذربایجان را آتش زدند و مغازه‌ها را غارت کردند.

موسیو براوین، سفیر کبیر دولت بلشویکی روسیه در تهران، بیانیّه‌ای صادر کرد و اعلام نمود که حاضر است در خصوص الغای امتیازات أخذ شده‌ی حکومت تزاری از ایران، با دولت وارد مذاکره شود و در عوض، قرارداد شرافتمندانه‌ای با ایران منعقد کند.



میرزاحسین خان کسمایی از مدیران روزنامه جنگل



غلامحسین نویدی کسمایی از مدیران روزنامه جنگل

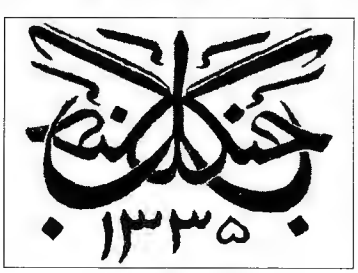

www.tabarestan.info تبرستان

پانزدهم: قحطی و کمبود مواد غذایی سراسر ایران را فرا گرفت.

هفدهم: میرزا کوچک‌خان با چاپ یک آگهی در روزنامه‌ی *جنگل*، از مردم تمنّا کرد که او را با القاب مورد خطاب قرار ندهند و فقط از همان نام میرزا کوچک‌خان استفاده کنند.

بیستم: شیخ احمد رشتی نماینده هیأت اتّحاد اسلام در تهران با میرزاحسن‌خان مستوفی‌الممالک رئیس‌الوزراء ملاقات کرد تا نظر مساعد او را برای حمایت پنهانی از جنگلی‌ها جلب کند و مستوفی‌الممالک هم به وی قول مساعد داد (۳ جمادی‌الاوّل ۱۳۳۶ هـ . ق).

در رشت در جلسه‌ای در محل قونسولگری روسیه، قرارداد سه‌جانبه‌ای میان نمایندگان کمیته‌ی انقلابی روسیه، جنگلی‌ها و دولت تهران برای تشکیل یک نیروی شبه‌نظامی مختلط امضا شد. وظیفه‌ی این نیرو پس از وقایع آذربایجان، نظارت بر فعّالیّت نیروهای روسی و حفظ آرامش منطقه بود (۸ فوریه ۱۹۱۸ م).

بیست و هشتم: سرهنگ فیلارتف روسی (فرمانده آتریاد قزّاق همدان) به اتفّاق سرهنگ رضاخان سوادکوهی (سردار سپه و رضاشاه بعدی) با نیروهای تحت امر خود قزّاقخانه‌ی تهران را محاصره و اشغال کردند که در نتیجه‌ی این اقدام، سرهنگ گلرژه روسی از سمت فرماندهی قزّاقخانه استعفا کرد و سرهنگ استاروسلسکی با فرمان احمدشاه قاجار به فرماندهی قوای قزّاق منصوب شد.

یکی از مأموران کشور عثمانی در تهران، طیّ نامه‌ای به میرزا کوچک‌خان، آمادگی ترکان عثمانی را برای همکاری با جنگلی‌ها به اطلّاع وی رساند.



سیّد محمّد تدیّن بیرجندی



ژنرال دنسترویل

اسفند

یکم: طبق حکم قاطع هیأت اتّحاد اسلام، کلیه‌ی دفاتر و موجودی صندوق دایره نواقل اداره‌ی مالیه‌ی گیلان به اداره‌ی بلدیّه تحویل داده شد.

نهم: به دستور مستوفی‌الممالک رئیس‌الوزراء، تمامی روزنامه‌های پایتخت و ولایات توقیف شدند.

دهم: سپاهیان انگلیسی به فرماندهی ژنرال دنسترویل وارد قزوین شدند.

یازدهم: سیّدمحمّد تدیّن بیرجندی از طرف وثوق‌الدّوله (رئیس‌الوزرای سابق) و حزب دموکرات، در کسماء با میرزا کوچک‌خان ملاقات کرد تا نظر او را برای ائتلاف جلب کند؛ ولی در این کار توفیقی نیافت.

سیزدهم: پیمان برست لیتوفسک بین روسیه‌ی بلشویک و آلمان و هم‌پیمانانش بسته شد که طبق آن تمامیت ارضی ایران به رسمیت شناخته شد و در خصوص

tabarestan.info تبرستان



نشسته: قنبر خان کرد از فرماندهان جنگل



کردهای جنگلی: قنبر خان و یار مراد خان و ...

تخلیه‌ی خاک ایران توسط قوای روس و عثمانی توافق شد (۳ مارس ۱۹۱۸ م).

شانزدهم: قوای جنگل اردبیل را تصرّف کردند (۲۹ جمادی‌الاوّل ۱۳۳۶ هـ . ق).

بیستم: مستر مکلارن، کنسول انگلیس و سرگرد ارتش آر. اس. آکشات، رئیس بانک شاهنشاهی در رشت توسّط جنگلی‌ها توقیف شدند.

بیست و یکم: وزیر مختار انگلیس طیّ اعلامیّه‌ای ابراز داشت که منافع دولت انگلیس در ایران توسّط نیروهای مسلّح این کشور تأمین خواهد شد.

بیست و دوم: لنین پایتخت را از پتروگراد به مسکو انتقال داد (۱۲ مارس ۱۹۱۸ م).

بیست و هشتم: سروان ای. نوئل، معاون کنسولگری انگلیس در اهواز و دو نفر دیگر که از تفلیس وارد بندرانزلی شده بودند، توسّط جنگلی‌ها بازداشت شدند. سروان نوئل وظیفه داشت اطلّاعات خود را در خصوص اوضاع باکو در اختیار ژنرال دنسترویل در قزوین بگذارد.


١٢٩٧



ویلهلم دوم قیصر آلمان



شائومیان



نجف‌قلی خان صمصام‌السّلطنه

فروردین

دوم: سفارت انگلیس رسماً به دستگیری چند تن انگلیسی توسّط جنگلی‌ها اعتراض کرد.

پنجم: امیرالسلطنه، حاکم منصوب دولت مرکزی در اردبیل، محل مأموریّت خود را از جنگلی‌ها بازپس گرفت.

هفتم: خبر انعقاد پیمان برست لیتوفسک رسما توسط ویلهلم دوم امپراطور آلمان به اطلاع احمدشاه قاجار رسید (۲۷ مارس ۱۹۱۸ م).

دهم: نیروهای بلشویک پس از تصرف باکو حکومت را به شائومیان سپردند.

دوازدهم: خبر کشتار چند هزار مسلمان، بر اثر نزاع ارامنه و بلشویک‌ها با مسلمانان، به ایران رسید.

پانزدهم: نیروهای انگلیسی به فرماندهی ژنرال مالسن به مناطق شمالی ایران وارد شدند و بندرانزلی را اشغال کردند و مهمّات زیادی را در آن‌جا مستقر کردند.

هفدهم: بر اثر منازعه‌ی بلشویک‌ها و مسلمانان در بادکوبه، ۱۷۰۰ نفر از اتباع ایران از طریق انزلی به وطن بازگشتند (۲۵ جمادی‌الثانی ۱۳۳۶ هـ. ق).

هجدهم: هفت هزار نفر دیگر از اتباع ایران از بادکوبه وارد انزلی شدند. سرهنگ گلرژه (رئیس سابق قزّاقخانه) که در اواخر بهمن گذشته براثر فشار آتریاد همدان ناچار به استعفا شده بود، به جنگلی‌ها پیوست و از طرف هیأت اتّحاد اسلام به فرماندهی کلّ ارکان حرب جنگل منصوب شد.

بیست و دوم: کنسول انگلیس و رئیس بانک شاهی رشت (مستر مکلارن و سرگرد آکشات) که توسّط جنگلی‌ها بازداشت شده بودند، پس از یک ماه آزاد شدند و بر سر کار خود رفتند. ولی کاپیتان نوئل و چند تن دیگر هم‌چنان در بند جنگلی‌ها باقی ماندند.

بیست و پنجم: به واسطه‌ی ورود مهاجران مسلمان و ارمنی از بادکوبه به انزلی، در این شهر اعلام حکومت نظامی شد و توسّط معتصم‌السلطنه فرّخ، کفیل حکومت گیلان، ۱۵۰ قزّاق برای حفظ نظم بدان‌جا فرستاده شدند (۳ رجب ۱۳۳۶ هـ. ق).

اردیبهشت

یکم: مستوفی‌الممالک رئیس‌الوزراء، در تغییر کابینه، مخبرالسلطنه هدایت را به وزارت داخله منصوب کرد.

هشتم: مستوفی‌الممالک از ریاست کناره‌گیری کرد و نجفقلی‌خان صمصام‌السلطنه بختیاری فرمان ریاست‌الوزرایی را از احمدشاه قاجار دریافت نمود (۱۶ رجب ۱۳۳۶ هـ. ق). عثمان یعقوب‌بیک و یوسف ضیاءبیگ با شصت نفر سرباز و چهل بسته مهمّات اهدایی دولت عثمانی، از منجیل مستقیماً به سمت گیلان حرکت کردند تا خود را به میرزا کوچک‌خان برسانند (۱ می۱۹۱۸ م).

پانزدهم: سرگرد انگلیسی استوکس از طرف ژنرال دنسترویل، فرمانده نیروهای انگلیس و دیپلمات تزاری نیکیتین، از طرف ژنرال پیچراخف، فرمانده قوای روس، به اتفّاق جهت مذاکره با جنگلی‌ها وارد گیلان شدند. میرزا طیّ ملاقاتی که در آتشگاه در نزدیکی رشت صورت گرفت، با درخواست عبور مشترک نیروهای انگلیسی

www.tabarestan.info تبرستان

و روسی از گیلان به مقصد قفقاز مخالفت کرد و گفت فقط روس‌ها می‌توانند در دسته‌های ۱۰۰ تا ۲۰۰ نفری از گیلان به روسیه مراجعت کنند؛ مشروط به آن‌که سلاح‌های خود را در قزوین تحویل دهند و در انزلی از جنگلی‌ها تحویل بگیرند.

بیست و هفتم: کمیته انقلابی بلشویک‌های انزلی خواستار آن شدند که نماینده‌ای در بانک استقراضی ایران و روس در انزلی داشته باشند؛ لیکن پس از مخالفت رئیس بانک، او و پنج تن از اتباع روس دستگیر شده و به غازیان برده شدند (۷ شعبان ۱۳۳۶ هـ . ق).

به گزارش مک لارن، کنسول انگلیس در رشت، روحانیون هوادار عثمانی به سوءقصدی نافرجام علیه میرزا کوچک‌خان دست زدند که به مرگ چندین تن انجامید.

بیست و هشتم: کارمندان بانک استقراضی ایران و روس که در غازیان انزلی محبوس بودند، با دخالت کارگزاری گیلان آزاد شدند.

اواخر: حسن‌خان سردار کل، از رجال خوشنام ایران از طرف صمصام‌السلطنه رئیس‌الوزراء به حکمرانی گیلان منصوب شد.

www.tabarestan.info تبرستان

خرداد

یازدهم: دولت قرارداد شیلات با لیانازوف را به علّت عدم اجرای آن، باطل کرد.

هجدهم: حسن‌خان سردار کل حکمران جدید گیلان عازم رشت شد.

بیست و یکم: قوای انگلیسی و روسی که قصد عزیمت به قفقاز را داشتند، پس از شکست مذاکراتشات با جنگلی‌ها، به سمت رشت و انزلی حرکت کردند تا با توسّل به قوّه‌ی قهریّه راه خود را باز کنند.

امیر عشایر خلخالی حکمران منصوب هیأت اتّحاد اسلام از سمت خود کناره‌گیری و رشت را ترک کرد.

بیست و چهارم: در منجیل جنگ سختی بین نیروهای مشترک (انگلیس و روس) و جنگلی‌ها درگرفت که منجر به شکست و عقب‌نشینی جنگلی‌ها شد.

جنگلی‌ها پس‌از اعلام ممنوعیت رفت‌وآمد در رشت، شروع به انتقال لوازم و اسلحه و مهمّات به کسماء کردند و عملاً رشت را تخلیه نمودند (۴ رمضان ۱۳۳۶ هـ . ق).

بیست و پنجم: جنگلی‌ها علی‌رغم ادامه دادن به جنگ‌های غیرمنظّم بر علیه نیروهای مشترک انگلیس و روس، کاری از پیش نبردند و نیروهای بیگانه رشت را اشغال کردند.



حسن خان سردارکل

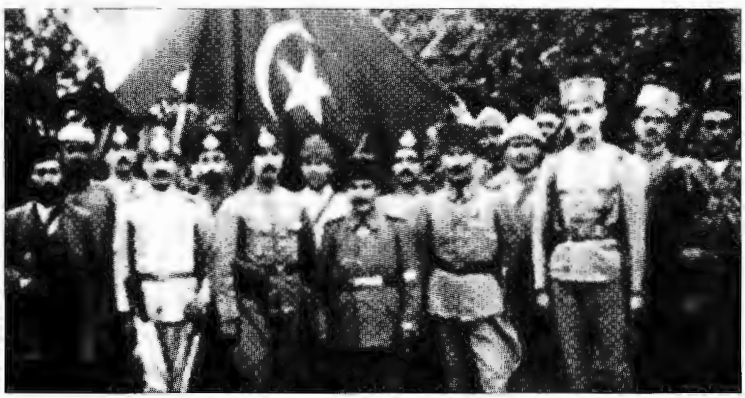

افسران عثمانی که با اسلحه و مهمّات اهدایی به گیلان آمده بودند. از چپ: اسماعیل نعلبند، جواد خان نزاکتی (مترجم السّلطان)، مین‌باشی یوسف بیک، یوزباشی یعقوب بیک، گروهبان عمر افندی، نایب مصطفی قزوینی.



ماژور استوکس


انورپاشا وزیر جنگ عثمانی


یوسف ضیا بیک


کاظم پاشا


خلیل پاشا


نوری پاشا فرمانده کل قوای ترک

تبرستان
www.tabarestan.info

بیست و نهم: بلشویک‌ها محلاّتی را در آستارای روس محاصره کردند و آتش‌زدند و جنگ و درگیری ساعت‌ها ادامه یافت. بر اثر این واقعه، بسیاری از اهالی روستاهای آن حدود به خاک ایران پناهنده شدند.

تیر

سوم: جنگلی‌ها یک سرباز انگلیسی و چند سرباز هندی را به قتل رساندند (۱۴ رمضان ۱۳۳۶ هـ . ق).

چهارم: دو هواپیمای انگلیسی نقاط مهّم و حسّاس جنگلی‌ها را در کسماء با پانزده بمب بمباران کردند و در این حمله به برخی اهالی نیز آسیب رسید (۱۵ رمضان ۱۳۳۶ هـ . ق).

ششم: در امامزاده هاشم و سیاه‌رود بین جنگلی‌ها و نیروهای متخاصم زد و خورد مختصری درگرفت.

هشتم: جنگ بین جنگلی‌ها و نیروهای متخاصم در سیاه‌رود و امامزاده هاشم برای چندمین‌بار ادامه پیدا کرد.

دهم: شورای بلشویکی باکو با ورود نیروهای روسی تحت امر پیچراخف و نیروهای انگلیسی به قفقاز سقوط کرد (۳۱ جون ۱۹۱۸ م).

جنگلی‌ها اتومبیل حامل یک صاحب‌منصب انگلیسی را مورد حمله قرار دادند که در نتیجه او و دو تن از همراهانش کشته شدند. پس از این واقعه چهل اتومبیل نظامی انگلیس‌ها که بعضی زره‌پوش بودند، به همراه عدّه‌ای سربازِ پیاده در محل حاضر شدند و به زد و خورد با جنگلی‌ها پرداختند.

شانزدهم: سردار کل حکمران گیلان قریب پنجاه تن از علما و اعیان رشت را به دارالحکومه احضار نمود و از آن میان دوازده نفر برای ترتیب و سامان دادن وضعیّت آذوقه و مایحتاج اهالی تعیین شدند.

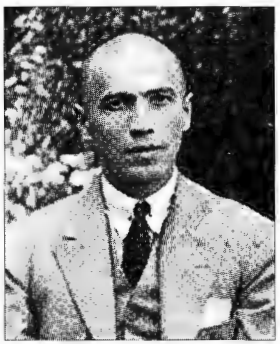
ژنرال پیچراخف


بازیل نیکیتین (در پیری)


شیخ محمّد خیابانی


میرزا کوچک‌خان و دکتر ابراهیم حشمت

هجدهم: تبریز توسّط سپاهیان ترک اشغال شد و ترک‌ها جمعیّت اتّحاد اسلام را در آن‌جا تشکیل دادند.

بیستم: علی احسان پاشا، فرمانده قوای ترک، از راه جلفا وارد تبریز شد و دستور داد شیخ‌محمّد خیابانی و دیگر سران حزب دموکرات دستگیر و تبعید شوند.

بیست و چهارم: در نزدیکی احمدگوراب بین جنگلی‌ها و انگلیسی‌ها زد و خورد صورت گرفت که عدّه‌ای هم کشته و زخمی شدند.

بیست و پنجم: میرزاکوچک‌خان مصمم به بازپس‌گیری رشت از انگلیسی‌ها شد. او برای این حمله دکتر حشمت و نیروهایش را از لاهیجان فراخواند.

بیست و ششم: صمصام‌السلطنه بختیاری رئیس‌الوزراء، تحت فشار روحانیون، اصناف و بازاریان از ریاست دولت برکنار شد و میرزا حسن‌خان وثوق‌الدّوله بار دیگر فرمان ریاست‌الوزرایی را دریافت کرد.

بیست و هشتم: جنگلی‌ها با ۲۵۰۰ نفر به رشت حمله کردند و پس از تصّرف شهر، کنسولگری انگلیس و یک کلیسا را آتش زدند. امیر اسعد از غیبت دکتر حشمت استفاده کرد و برای خوش‌خدمتی به روس‌ها به انگلیس تاخت.

سی‌ام: زد و خورد جنگلی‌ها و انگلیسی‌ها در رشت ادامه یافت و جنگلی‌ها بانک انگلیس را تصرّف و غارت کردند. در نتیجه‌ی ناآرامی اوضاع در شهر، جمع کثیری از مردم سواره و پیاده به روستاهای اطراف فرار کردند و ادارات و بازارها و کاروانسراها همگی تعطیل شدند. دکتر حشمت بازمانده‌ی نیروهای جنگل در لاهیجان را مأمور دفع امیراسعد کرد که منجر به کشته شدن ۵۲ نفر از نیروهای امیر اسعد و پیروزی جنگلی‌ها شد.

سی و یکم: مساعی سردار کل حکمران گیلان برای متقاعد کردن جنگلی‌ها و انگلیسی‌ها به انتقال صحنه‌ی جنگ به بیرون رشت، به جایی نرسید.

مرداد

یکم: حاج سیّد اسماعیل مجتهد و حاج‌آقا حسین لاکانی از روحانیون متنفّذ رشت و چند تن دیگر از معاریف گیلان از طرف حکمران مأموریّت یافتند تا با میرزا کوچک‌خان در خصوص پایان دادن به درگیری‌ها در داخل شهر رشت مذاکره کنند.

دوم: مخالفان شائومیان فرمانروای بلشویک‌ها با حمایت انگلیسی‌ها دست به کودتا زدند. متعاقب این واقعه شائومیان به آستاراخان و کراسنوودسک گریخت ولی دستگیر و اعدام شد و هیئت مدیره‌ی بحرخزر اداره امور را در دست گرفت.

متعاقب انتشار شایعه‌ی ورود عثمانی‌ها از بادکوبه به انزلی و رشت، دو فروند هواپیمای نظامی انگلیس بر فراز منطقه به پرواز درآمدند و سنگرهای جنگلی‌ها و جاهای دیگر را بمبارن کردند. همچنین نیروهای انگلیسی در رشت عمارت سینمای آلوش‌بیک (که مقرّ جنگلی‌ها بود) و خانه‌ی عزّت‌اللّه‌خان هدایت (نماینده هیأت اتّحاد اسلام در رشت) را آتش زدند که در نتیجه حریق به خانه‌های اطراف هم سرایت کرد. اهالی رشت برای جلوگیری از گسترش حریق در شهر، به انگلیسی‌ها که قصد آتش زدن خانه‌ی حاج احمد کسمایی و فتح‌اللّه‌خان جنگلی را داشتند، تعهّد سپردند که خودشان این دو خانه را تخریب می‌کنند.

سوم: انگلیسی‌ها از نیروهای نظمیّه رشت به خاطر همکاری با جنگلی‌ها، به سردار کل، حکمران گیلان شکایت کردند و خواستار انحلال نظمیّه شدند. در همان شب چند تن از نظامیان انگلیسی از طرف حکمران مأموریّت یافتند تا در نظمیّه مستقر شوند؛ امّا تمامی اجزاء و صاحب‌منصبان نظمیّه در اعتراض به این امر، لباس‌های خود را درآورده و دست از کار کشیدند.

چهارم: جمعی از ارامنه که تحت پوشش بلشویک از بادکوبه آمده بودند، به حمایت از قوای انگلیس وارد رشت شدند که این امر موجب وحشت و اضطراب اهالی شد.

پنجم: جمعی از علما و اعیان و تجّار رشت به اردوی نظامیان انگلیسی رفتند و تقاضا کردند خانه و اموالشان محفوظ باشد تا بتوانند تجارت و امرار معاش کنند.

ششم: وثوق‌الدّوله رئیس‌الوزراء با ورود به مقرّ دولت رسماً کار خود را آغاز کرد.

انگلیسی‌ها با چند زره‌پوش به رشت حمله کردند و پس از زد و خورد شدیدی جنگلی‌ها را از شهر بیرون کردند و آن‌ها را به سمت جنگل عقب راندند. ژنرال دنسترویل و نیروهای همراهش برای دستیابی به چاه‌های نفت قفقاز وارد باکو شدند.

هفتم: مستر مایر، صاحب‌منصب سیاسی نیروهای انگلیسی، از طرف رئیس کل قشون انگلیس به حکومت موقّت گیلان منصوب شد و معین‌السلطنه به معاونت وی تعیین گردید. سردار کل حکمران معزول ناچار رشت را ترک کرد. اکزان دوپلو (مستشار بلدیه رشت) به‌جای آقا محمّدباقر داوودزاده ریاست بلدیه را برعهده گرفت.

نهم: هواپیماهای انگلیسی، احمدگوراب و پسیخان را بمباران کردند (۲۲ شوّال ۱۳۳۶ هـ.ق).

سیزدهم: قوای میرزا کوچک‌خان بار دیگر به رشت حمله کردند، ولی پس از تحمّل شکست، عقب‌نشینی نمودند. انگلیسی‌ها نیروهای خود در گیلان را تقویت کردند و بار دیگر احمدگوراب و پسیخان را با هواپیما مورد حمله قرار دادند.

انتشار نخستین شماره از دوره‌ی دوم روزنامه‌ی جنگل.

پانزدهم: وثوق‌الدّوله، رئیس‌الوزراء و وزیر داخله، وزرای خود را به احمدشاه قاجار معرّفی نمود. برخی از اعضای دولت وی عبارت بودند از: مشاورالممالک انصاری (وزیر خارجه)، قاسم‌خان والی "سردار همایون" (سرپرست وزارت جنگ) و ... .

وثوق‌الدّوله در همین روز دستور دستگیری اعضای کمیته مجازات را صادر کرد.

شانزدهم: با وساطت مسیو ژول سمپ (سامپه) کنسول فرانسه در رشت، نمایندگان جنگلی ها و نیروهای انگلیسی در صفه‌سر با هم ملاقات کردند.

نوزدهم: بین جنگلی‌ها و نیروهای انگلیسی یک موافقتنامه امضا شد که به موجب آن نیروهای انگلیسی اجازه یافتند آزادانه از گیلان به قفقاز عزیمت کنند (۴ ذیقعده ۱۳۳۶/ ۱۲ آگوست ۱۹۱۸ م).



احسان‌الله‌خان دوستدار



حاج احمد کسمایی در پیری

jangalestan.info

بیستم: انگلیسی‌ها شهر رشت را تخلیه کردند.

ژنرال فن کرس فرمانده نیروهای آلمان در قفقاز با ارسال نامه‌ای به گراف فن هرتلینگ، صدر اعظم آلمان برای ارسال ۵۰۰۰ قبضه تفنگ و ۲/۵ میلیون قطار فشنگ برای جنگلی‌ها کسب اجازه کرد.

بیست و یکم: معین‌السلطنه معاون حکومت گیلان که توسّط انگلیسی‌ها به این سمت منصوب شده بود، پس از برکناری عازم تهران شد.

بیست و دوم: طبق توافق جنگلی‌ها و انگلیسی‌ها، محمّدحسن‌خان گیلانی (امین مالیه گیلان) در جلسه‌ای که با حضور علما، امرا، مالکین، تجّار و اصناف در خانه‌ی حاج سیّداسماعیل مجتهد تشکیل شد، از طرف حاضران به حکومت موقّت گیلان تعیین گردید. در همین جلسه میرزا تقی‌خان طایفه به معاونت حکومت، شهیدزاده به کفالت عدلیه و آقا سیّدمحمود ولتگاهی به ریاست بلدیه‌ی رشت منصوب شدند.

بیست و هفتم: معاهده‌ی هشت مادّه‌ای صلح بین جنگلی‌ها و نیروهای انگلیسی به امضاء رسید (۱۲ ذیقعده ۱۳۳۶ه. ق). طبق یکی از مواد این معاهده، کاپیتان نوئل (افسر انگلیسی)، صمصام‌الکتّاب (منشی کنسولگری انگلیس) و چند تن دیگر از وابستگان کنسولگری انگلیس که در بند جنگلی‌ها بودند، آزاد شدند.

اواخر: احسان‌اللّه‌خان دوستدار که با کمیته‌ی مجازات در ارتباط بود، به گیلان گریخت و توسّط محمود آقا رضا (از جنگلی‌های معروف) نزد میرزا کوچک‌خان رفت و رسماً در زمره‌ی جنگلی‌ها وارد شد.

سی‌ام: محاکمه‌ی اعضای کمیته‌ی مجازات پایان یافت. دو نفر از اعضای این کمیته محکوم به اعدام، دو نفر به پانزده سال حبس و تبعید و بقیّه به حبس‌های سنگین محکوم شدند.

شهریور

سوم: رشیدالسلطان و حسین‌خان لَـله از اعضای کمیته‌ی مجازات در میدان توپخانه تهران به دار مجازات آویخته شدند (۱۸ ذیقعده۱۳۳۶ه. ق).

هشتم: ابراهیم منشی‌زاده و اسداللّه ابوالفتح‌زاده از اعضای اصلی و مؤثر کمیته مجازات که به پانزده سال حبس و تبعید محکوم شده بودند، به هنگام فرار از زندان به قتل رسیدند.

بیست و یکم: قوای ترک به فرماندهی نوری پاشا با کمک کمالیون قفقاز، ژنرال دنسترویل و نیروهای انگلیسی را از باکو راندند و حکومت آذربایجان تشکیل شد و دنسترویل از طریق انزلی به تهران رفت.



گراف فن هرتلینگ



فن کرس

www.tabarestan.info تبرستان

مهر

یکم: افسران اتریشی و آلمانی که از خدمت جنگلی‌ها مرخّص شده بودند، وارد کنسولگری آلمان در تبریز شدند (۲۲ سپتامبر ۱۹۱۸ م).

چهارم: نوری پاشا، فرمانده کلّ قوای ترک، باکو را اشغال کرد و قتل و غارت در این شهر سه روز ادامه یافت (۱۸ سپتامبر ۱۹۱۸ م). خلیل پاشا از فرماندهان ترک، در نامه‌ای به میرزا کوچک‌خان، وی را از قصد نیروهای ترک ـ آلمانی جهت تصرّف قفقاز جنوبی و گیلان آگاه کرد.

بیست و یکم: مصطفی‌خان نماینده اعزامی جنگل به تبریز، به میرزا کوچک‌خان گزارش داد که سروان ودیگ مأمور اعزامی جنگل که به قفقاز رفته بود، با تجهیزات نظامی اهدایی ارتش آلمان به تبریز رسیده است؛ ولی ووستروف کنسول آلمان در تبریز اجازه‌ی ارسال آن‌ها به گیلان را نمی‌دهد؛ زیرا توافق جنگلی‌ها و انگلیسی‌ها را مخالف سیاست دولت آلمان می‌داند. سروان ودیگ همچنین حامل نامه‌هایی از امپراتور آلمان، ژنرال فون کرس (فرمانده قوای آلمان در قفقاز) و ژنرال خلیل پاشا (فرمانده قوای عثمانی) برای میرزا کوچک‌خان بود. با این حال مصطفی‌خان توانست ۱۹۶ محموله تجهیزات جنگی را به یاری کاظم پاشا و یوسف ضیاء بیک از نیروهای عثمانی خریداری کند.



از راست: لیوتنان اشتریخ، ماژور فن‌پاشن، سلطان داودخان، علی اکبرخان آب‌زرشکی.

آبان

هشتم: مصطفی‌خان و سروان ودیگ، مأموران اعزامی جنگل به تبریز و قفقاز، به همراه سلاح‌ها و تجهیزات خریداری شده از ارتش عثمانی به گیلان رسیدند. نوری پاشا و همراهانش باکو را ترک کردند و نیروهای انگلیسی به فرماندهی ژنرال تامپسون بار دیگر بر باکو مسلط شدند (۳۰ اکتبر ۱۹۱۸م).

سیزدهم: در تهران سربازان تیپ قزّاق به فرماندهی افسران روس سفید و ظاهراً با همراهی هیلده برانت (وزیر مختار روسیه تزاری در تهران) به مقرّ سفیر دولت بلشویکی حمله کردند و عدّه‌ای از دیپلمات‌ها را دستگیر کردند.

بیست و دوم: جنگ جهانی اوّل با شکست عثمانی و آلمان پایان یافت (۸ صفر ۱۳۳۷ هـ . ق).

آذر

هشتم: سپاهیان ترک آذربایجان را تخلیه کردند.

سیزدهم: وثوق‌الدّوله رئیس‌الوزراء در اعلامیّه‌ای متذکّر شد که مخالفان برنامه‌های اصلاحی دولت به شدیدترین وجهی مجازات خواهند شد.



افسران ایرانی و خارجی در خدمت نهضت جنگل

نوزدهم: دولت انگلیس پلیس جنوب را به دولت ایران واگذار کرد و کمک‌های خود را به این دولت از دویست هزار تومان به سیصد هزار تومان افزایش داد.


کورت ووستروف

بهمن

پانزدهم: سیّد محمّد تدیّن بیرجندی از طرف رئیس‌الوزراء وثوق‌الدّوله به گیلان رفت تا پیام صلح او را به میرزا کوچک‌خان ابلاغ کند؛ ولی میرزا کوچک‌خان حاضر به همکاری با وثوق‌الدّوله نشد.

هجدهم: سروان ویکهم (مأمور سیاسی نیروهای شمال)، سرگرد آکشات (مدیر بانک شاهی در رشت)، سرهنگ ماتیوس (فرمانده نیروهای انگلیسی) و فرمانده قوای دولتی در جلسه‌ای مهّم، پس از مذاکره به این نتیجه رسیدند که اقدام فوری بر علیه جنگلی‌ها صلاح نیست و بهتر است با وی مذاکره کرده و او را تشویق به پذیرش شرایط دولت کنند.

نوزدهم: سروان ویکهم، سرگرد آکشات، الدرید (معاون کنسول انگلیسی در رشت) و ژنرال شامپیون در پسیخان با میرزا کوچک‌خان ملاقات کردند تا او را تشویق به همکاری با وثوق‌الدّوله کنند؛ ولی این ملاقات بدون حصول نتیجه‌ای به پایان رسید و جنگلی‌ها اعلام کردند که به دولت وثوق‌الدّوله اعتماد ندارند.

www.tabarestan.info تبرستان

اسفند

ششم: وثوق‌الدّوله رئیس‌الوزراء پس از یک سری مذاکرات پنهانی با حاج احمد کسمایی (مرد شماره دو نهضت گیلان)، به وی تأمین نامه داد.

دهم: رژیم جدید بلشویکی روسیه تمامی سربازان خود را از ایران خارج کرد و فقط عدّه‌ی کمی که به نیروهای ضد انقلاب پیوسته بودند، در ایران باقی ماندند.

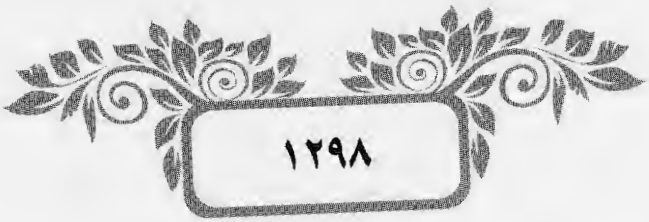
١٢٩٨



❁ فروردین

یکم: میرزا کوچک‌خان در سربازخانه گوراب‌زرمیخ از نظامیان تحت امر خود سان دید.

پنجم: عبدالحسین‌خان سردار معظّم خراسانی (تیمور تاش بعدی) به حکمرانی گیلان منصوب شد.

ششم: پالکونیک استاروسلسکی، فرمانده دیوزیون قزّاق، با اختیارات تام جهت خارج ساختن جنگلی‌ها به رشت اعزام شد.

معاون کنسول انگلیس در رشت، مستر الدرید، خواستار ملاقات نظامیان انگلیسی با میرزا کوچک‌خان در روز ۸ فروردین شد که این تاریخ مورد موافقت جنگلی‌ها قرار نگرفت.

مقرّ جنگلی‌ها در گوراب‌زرمیخ برچیده شد و ۹۴۳ نفر از جنگلی‌ها اعلام کردند که هر جا میرزا کوچک‌خان برود، با او همراه خواهند بود.

تبرستان
www.tabarestan.info



عبدالحسین تیمورتاش



استاروسلسکی

هشتم: ویکهم، رئیس اداره سیاسی ارتش انگلیس، که پس از مستر مایر به این سمت منصوب شده بود، موضوع ملاقات با میرزا کوچک‌خان را منتفی اعلام کرد و خواهان تسلیم جنگلی‌ها شد.

یازدهم: میرزا کوچک‌خان با عدّه زیادی از نظامیان سواره و پیاده و توپخانه در فومن مستقر شدند. جمع کثیری از معاریف و علمای رشت سوار بر شانزده درشکه برای ملاقات با میرزا کوچک‌خان و تشویق وی به تسلیم رهسپار فومن شدند؛ لیکن در سِند متوقّف گردیدند و خود میرزا به دیدن آن‌ها آمد ولی مذاکرات آنان بدون نتیجه به پایان رسید.

سیزدهم: ضرب‌الاجل اداره سیاسی انگلیس برای تسلیم جنگلی‌ها به پایان رسید (۲ رجب ۱۳۳۷ هـ. ق).

هجدهم: در پی حمله شدید قزّاق‌های دولتی، جنگلی‌ها به داخل جنگل‌های فومن عقب‌نشینی کردند و چند نفری هم تسلیم و اعدام شدند. حاج احمد کسمایی که طبق توافق قبلی و با أخذ تأمین‌نامه تسلیم قوای دولتی شده بود، مورد ضرب و شتم و حبس و شکنجه قرار گرفت.

بیستم - سی‌ام: میرزا کوچک‌خان به همراه حدود هزار تن از یارانش، بر اثر شدّت حملات نیروهای دولتی، از راه‌های جنگلی عازم لاهیجان شد تا به دکتر حشمت طالقانی یار و همرزم خود بپیوندد. در لاهیجان عدّه‌ای از جنگلی‌ها به کوه‌های مرتفع مجاور شهر رفتند و میرزا و دکتر حشمت و گروهی دیگر از کوه‌های لنگرود و رودسر و رانکوه و رحیم‌آباد خود را به تنکابن رساندند و در آن‌جا مستقر شدند.

❁ اردیبهشت

دوم: قزاق‌های دولتی در جواهردشت با نیروهای تحت امر خالو قربان درگیر شدند. میرزا کوچک‌خان هفتاد نفر از جنگلی ها را به کمک خالو قربان فرستاد و ایوب‌خان و رضاخان میرپنج نیز عده‌ای را به کمک قزاق‌ها فرستادند.

سوم: با افزایش فشار نیروهای دولتی و نیروهای تحت امر خوانین محلّی که تعدادشان به ۲۰۰۰۰ نفر بالغ می‌شد، جنگلی‌ها ناگزیر در دسته‌های کوچک‌تر و از مسیرهای مختلف رهسپار فومن شدند.

هشتم: دکتر ابراهیم حشمت که از ادامه‌ی مبارزه خسته و ناامید شده بود، به امید أخذ تأمین برای خود و ۲۵۰ نفر از اتباع خود، پس از وداعی تلخ با میرزا کوچک‌خان، از وی جدا شد و تسلیم قوای دولتی گردید.

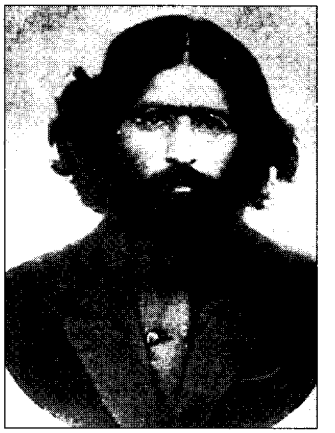
دکتر ابراهیم حشمت

چهاردهم: میرزا کوچک‌خان و معدود یاران همراهش در کاکوه در خانه‌ی امیرخان شکوهی از ایادی ساعدالدّوله اقامت کردند و یک هفته در همان‌جا ماندند.

بیست و دوم: دکتر ابراهیم حشمت (حشمت‌الاطباء، سردار حشمت) که از اعضای اوّلیّه و سران نهضت جنگل بود، به دستور سردار معظّم خراسانی حکمران گیلان، در قرق کارگزاری رشت به دار آویخته شد و در صحن مسجد چلّه‌خانه به‌خاک سپرده شد.

بیست و سوم: جنگلی‌ها که عازم فومن بودند، در مسیر خود در منطقه‌ی رحمت‌آباد با قزّاق‌ها مواجه شدند و مسیر خود را تغییر دادند.

اواخر: قوای دولتی و نیروهای تحت امر خالوقربان هرسینی (از فرماندهان جنگل)، با یکدیگر درگیر شدند، در نتیجه‌ی این درگیری خالوقربان زخمی شد و ناگزیر عقب‌نشینی کرد.

www.tabarestan.info تبرستان

خرداد

اوایل: میرزا کوچک‌خان و ۳۴ نفر از همراهانش پس از ۳۲ روز راهپیمایی وارد «زیدخ» فومن شدند.

بلشویک‌های آستارای روس یک کشتی را که از بادکوبه عازم آستارای ایران بود، مورد شلیک مترالیوز قرار دادند و کشتی یاد شده ناگزیر رهسپار بندرانزلی شد.

چهارم: دویست و پنجاه تن از جنگلی‌های اسیر و تسلیم شده که در رشت و شهرهای دیگر زندانی بودند، به تبعیدهای رنج‌آور در کاشان و کلات خراسان فرستاده شدند و برخی از آنان در اسارت مردند.

بیست و چهارم: شیلات بحر خزر به ضمانت تجارتخانه تومانیانس برای مدّت بیست سال به یک نفر تبعه‌ی روس به نام گریگور پتروویچ اجاره داده شد و پتروویچ هم متعهد شد که همه ساله نصف عایدات خالص شیلات را مطابق دفتر به موجر، یعنی دولت ایران بپردازد.

بیست و پنجم: سردار معظّم خراسانی (حکمران گیلان) با صدور بیانیّه‌ای، در گیلان حکومت نظامی اعلام کرد.


چیچرین

تیر

ششم: چیچرین کمیسر امور خارجه جدید دولت بلشویکی روسیه تمایل خود را جهت برقراری دوباره‌ی ارتباط با ایران اعلام کرد.

دهم: عدّه‌ای از جنگلی‌های مسلّح وارد ماسوله شده و حاکم آن‌جا را دستگیر و قزّاق‌ها را خلع سلاح کردند.

سیزدهم: کولومیتسف دومّین سفیر کبیر شوروی وارد تهران شد؛ ولی از طرف دولت وثوق‌الدّوله به رسمیّت شناخته نشد (۲۶ جون ۱۹۱۹).

بیست و یکم: سردار معظّم خراسانی، حکمران گیلان و طوالش، بیانیّه‌ای شدیداللحن خطاب به گیلانیان صادر کرد.

بیست و پنجم: حکمران گیلان سردار معظّم در حوزه‌ی فومنات، ماسوله، شفت، گسکر و تولم هم حکومت نظامی اعلام کرد.

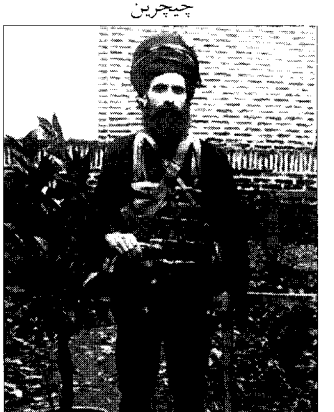
خالو قربان هرسینی



اسماعیل خان جنگلی



ردیف جلو از چپ: علی خان ظهیر همایون (معاون حکومت گیلان)، استاروسلسکی (رئیس دیوزیون قزّاق)، عبدالحسین خان تیمورتاش (حکمران گیلان) و ردیف پشت (فرد غیرنظامی): میرزا احمد خان آذری (رئیس مالیهٔ گیلان)

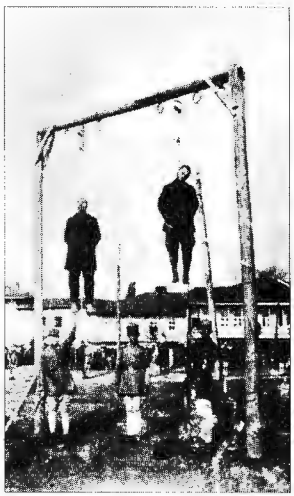

اعدام جنگلی‌ها به دستور تیمورتاش

بیست و نهم: حکمران گیلان اسنادی حاکی از اتّحاد و ارتباط خوانین محلّی مازندران با جنگلی‌ها را برای وثوق‌الدّوله رئیس‌الوزراء فرستاد (۲۲ شوّال ۱۳۳۷ هـ . ق).

مرداد

اواسط: اسماعیل‌خان جنگلی (خواهرزاده میرزا کوچک‌خان) به‌همراه امیر اردبیلی (عضو و نماینده کمیته کارگری بادکوبه) جهت مذاکره با بلشویک‌ها راهی روسیه شد (ذیقعده ۱۳۳۷ هـ . ق).

پانزدهم: وثوق‌الدّوله در ترمیم کابینه، نصرت‌الدّوله فیروز را به سمت وزیر خارجه و سپهدار اعظم رشتی را به سمت وزیر جنگ منصوب کرد.

هفدهم: قرارداد ننگین ۹ اوت ۱۹۱۹ بین وثوق‌الدّوله و دولت انگلستان به امضا رسید. طبق این قرارداد، مالیه و قشون ایران زیر نظر معلّمین و فرماندهان انگلیسی قرار می‌گرفت و قوای ژاندارم و قزّاق باید به صورت قشون واحد در می‌آمد و ضمناً دولت انگلیس دو میلیون لیره وام به دولت ایران اعطا می‌کرد (۱۲ ذیقعده ۱۳۳۷ هـ . ق).

هجدهم: از طرف دولت انگلیس، آرمیتاژ اسمیت برای اداره‌ی مالیه و ژنرال دیکسن برای اداره‌ی قشون ایران وارد تهران شدند.

موجی از مخالفت‌ها، موافقت‌ها و تظاهرات برعلیه قرارداد ۱۹۱۹ پایتخت را فرا گرفت.

بیستم: سلطان احمدشاه قاجار تهران را به قصد اروپا ترک کرد.

بیست و دوم: احمدشاه قاجار به هنگام غروب آفتاب وارد شهر رشت شد و بدون توقّف راهی انزلی گردید.

بیست و چهارم: کشتی کورنیک حامل احمدشاه قاجار و همراهانش که به وسیله‌ی یک رزمناو روسی مشایعت می‌شد، بندرانزلی را به قصد بادکوبه ترک کرد.

بیست و ششم: احمدشاه قاجار وارد استانبول شد و پس از ده سال با پدرش محمّدعلی میرزا قاجار (پادشاه مخلوع) و مادرش ملاقات کرد.

شهریور

دوم: سردار معظّم خراسانی حکمران گیلان اعلان جدیدی را در خصوص منع عبور و مرور و لزوم همکاری با قوای دولت و مجازات همکاری با جنگلی‌ها منتشر کرد.

سوم: کولو میتسف که برای دوّمین بار به‌عنوان نماینده‌ی اعزامی دولت بلشویکی عازم تهران بود، در مرز ایران توسّط نیروهای انگلیسی و قزّاق دستگیر، شکنجه و تیرباران شد.

ششم: دولت شوروی در اعلامّیه‌ای خطاب به رنجبران و دهقانان ایران، ضمن تأکید مجدّد بر ابطال قراردادهای ایران و روسیّه‌ی تزاری، قرارداد ۹ اوت ۱۹۱۹ ایران و انگلیس را هم باطل دانست.

هفتم: چیچرین (کمیسر خارجه شوروی) و نریمان نریمانف (کمیسر امور مسلمانان جنوب شرقی آسیا) اعلامّیه‌ی تندی در مخالفت با انعقاد قرارداد اوت ۱۹۱۹ ایران و انگلیس صادر کردند.

هفدهم: وثوق‌الدّوله رئیس‌الوزراء، جمع کثیری از رجال سیاسی مخالف قرارداد اوت ۱۹۱۹ نظیر ممتازالدّوله، معین‌التجّار بوشهری، مستشارالدّوله، ممتازالملک، محتشم‌السلطنه و حدود بیست نفر دیگر را به کاشان تبعید کرد.

هجدهم: دولت آمریکا نیز به وسیله‌ی جان کالدول وزیر مختار خود در ایران به انعقاد قرارداد اوت ۱۹۱۹ اعتراض کرد.

وثوق‌الدّوله رئیس‌الوزراء در تهران حکومت نظامی اعلام کرد و جمعی از مخالفان قرارداد، نظیر حاج‌امین‌الضرب، افراسیاب آزاد، فرّخی یزدی، میرزاده عشقی و ... را زندانی کرد.

بیست و ششم: کیکاچینکف، رئیس آتریاد قزّاق تهران، نامه‌ای توأم با تهدید و تطمیع برای میرزا کوچک‌خان نوشت و او را تشویق به تسلیم به قوای دولتی کرد.

بیست و هفتم: میرزا کوچک‌خان نامه‌ی جالبی در پاسخ نامه‌ی کیکاچینکف نوشت و در آن سیاست‌های دولت انگلستان را محکوم کرد و قداست اقدامات خود و همرزمانش را خاطر نشان ساخت و بر ادامه‌ی مقاومت تأکید ورزید.

بیست و نهم: مخالفان قرارداد اوت ۱۹۱۹ در مشهد اجتماع کردند و ناطقین از مردم خواستند با بلشویک‌ها متّحد شوند و با کمک آن‌ها انگلیسی‌ها را از ایران بیرون کنند.

سی‌ام: مخالفت با قرارداد ابعاد گسترده‌تری پیدا کرد و در غالب شهرها با تظاهرات تندی همراه بود.

مهر

یکم: اردوی دولتی بار دیگر جنگلی‌ها را شکست داد.

اوایل: مستر پترز، کنسول جدید انگلیس در گیلان، وارد رشت شد.

هفتم: قوای دولتی، خشته پل و قزّاق‌ها، ندامان و نیروهای تحت امر امیر مقتدر تالشی، ضیابر و طاهرگوراب را اشغال کردند و جنگلی‌ها پس از مدّتی مقاومت، ناگزیر به عقب‌نشینی شدند.

بیستم: سردار معظّم خراسانی حکمران گیلان به تهران احضار شد و میرزا احمدخان آذری (رئیس مالیه) موقّتاً کفالت

تبرستان
www.tabarestan.info


آرمیتاژ اسمیت


ژنرال هارولد ریچارد دیکسن


جان کالدول وزیرمختار آمریکا



محسن صدرالاشراف

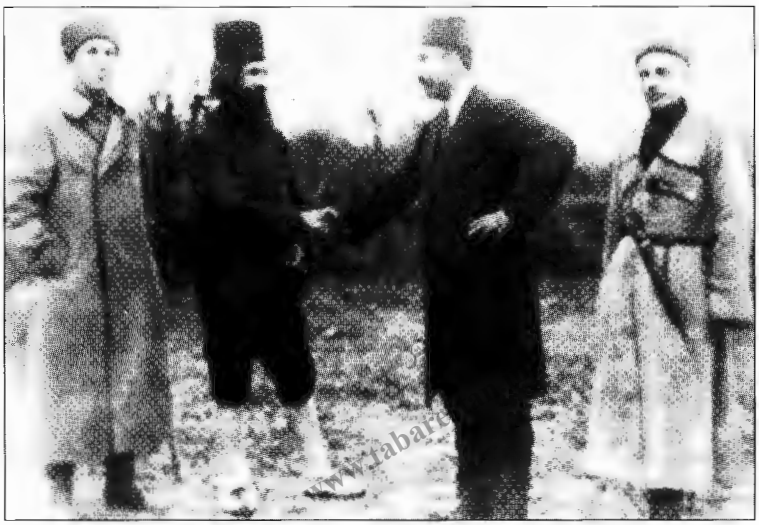

ملاقات میرزا احمد خان آذری و میرزا کوچک‌خان

www.tabarestan.info

حکومت گیلان را برعهده گرفت.

پنجاه نفر صاحب‌منصب و سرباز، اداره‌ی مالیه گیلان در رشت را محاصره کردند و خواستار حقوق معوقه‌ی خود شدند (۱۸ محرم ۱۳۳۸ هـ. ق).

بیست و چهارم: اسماعیل‌خان جنگلی، برادرزاده‌ی میرزا کوچک‌خان که در ماه مرداد به قفقاز رفته بود تا برای جنگلی‌ها سلاح و تجهیزات تهیّه کند، پس از دو ماه وارد انزلی شد. او تنها یک بارِ قاطر تفنگ با خود همراه آورد.

بیست و هشتم: طبق دستور وثوق‌الدّوله رئیس‌الوزراء، از املاک و خانه‌ی حاج احمد کسمایی رفع توقیف شد.

آبان

اواسط: جنگلی‌ها پس از تجدید قوا به مقابله با قزّاق‌های دولتی پرداختند و حدود ۲۰۰ نفر از آنان را به اسارت گرفتند و شمار نیروهای خود را به ۴۵۳ مسلّح و ۲۰۰ غیر مسلّح افزایش دادند.

آذر

ششم: هیئت نمایندگی ایران که عازم روسیه بود، وارد رشت شد. ریاست این هیئت با سیّدضیاءالدین طباطبایی بود.

پانزدهم: حاج معین‌الممالک مژدهی در رشت ترور شد، ولی جان سالم به در برد.

هفدهم: وثوق‌الدّوله رئیس‌الوزراء به استاروسلسکی، رئیس دیوزیون قزّاق دستور داد تا رئیس قزّاق‌های آستارا را مأمور توقیف مهمّاتی کند که قرار است به جنگل حمل شود.

بیست و یکم: میرزا احمدخان آذری، کفیل حکومت گیلان، که برای مذاکره با کوچک‌خان به فومن رفته بود، به علّت امتناع نامبرده از پذیرش رئیس قشون به محل ملاقات (ندامان) نرفت.

بیست و دوم: آذری کفیل حکومت گیلان و کاپیتان کالوکین فرمانده فرونت، در پیرسرا با میرزا کوچک‌خان ملاقات کردند و شرایط هشت‌گانه

وثوق‌الدّوله رئیس‌الوزراء را برای پایان مخاصمه به وی ابلاغ کردند که ظاهراً مورد موافقت میرزا کوچک‌خان قرار گرفت. از جمله‌ی این شرایط آن بود که قوای جنگل به‌عنوان ژاندارم گیلان به خدمت دولت درآیند.

بیست و هشتم: آذری کفیل حکومت به همراه جمع کثیری از علما و محترمین گیلان به پوردسر فومن رفت و برای بار دوّم با میرزا کوچک‌خان ملاقات کرد و به اتفّاق عکس گرفتند.

دی

بیست و چهارم: محسن‌خان صدرالاشرف، نماینده‌ی وثوق‌الدّوله رئیس‌الوزراء، پس از ملاقات با میرزا کوچک‌خان، رئیس دولت را از اطاعت جنگلی‌ها مطمئن ساخت.

بیست و پنجم: آذری کفیل حکومت گیلان طیّ تلگراف رمزی به وثوق‌الدّوله رئیس‌الوزراء، خاتمه‌ی کار جنگلی‌ها را به اطلاع وثوق‌الدّوله رساند.

تبرستان www.tabarestan.info

بهمن

سوم: ابلاغیه‌ی میرزا احمدخان آذری کفیل حکومت گیلان مبنی بر سازش با جنگلی‌ها صادر شد و یک دسته از جنگلی‌ها به سرکردگی غلام‌علی بابای ماسوله‌ای بدون تحویل دادن سلاح وارد رشت شدند و عدّه‌ای از ژاندارم و پلیس و سواران اداره‌ی مالیه تا پسیخان به استقبال آنان رفتند.

چهارم: قشون دولتی و نیروهای تالشی وارد شهر شدند و مورد استقبال قوای قزّاق و حکومت گیلان قرار گرفتند.

دهم: آذری کفیل حکومت گیلان وضعیّت خراب مالی حکومت و مطالبات ضروری قشون و دوایر دولتی را به اطلاع وثوق‌الدّوله رئیس‌الوزراء رساند و تأکید کرد که کوچک‌خان برای اطاعت اوامر دولت حاضر و منتظر لباس و تشکیلات است.

دوازدهم: فرمانده‌ی نیروی دریایی جمهوری شوروی، وظیفه‌ی راهبردی ناوگان «ولگا ـ خزر» به فرماندهی راسکولنیکف را کسب چیرگی بر دریای خزر اعلام کرد (۳۰ ژانویه ۱۹۲۰ / ۹ جمادی‌الاوّل ۱۳۳۸ هـ . ق).



علما و محترمین گیلان روز ملاقات آذری و میرزا. از راست: خالو قربان (نفر پنجم)، حاج علی خان طاهری (افسر قزّاق)، ثقة‌الاسلام رفیع، شیخ حسن حسام‌الاسلام دانش، حاج شیخ حسین لاکانی، سیّد محسن صدرالاشراف، حاجی بحرالعلوم، حاجی شیخ حسنی، حاجی ابوالحسن شریعتمدار، نشسته: حاجی ابوالحسن حاجی علیشاهی



عده‌ای دیگر از علما و محترمین گیلان در پردسر فومن در روز ملاقات آذری و میرزا. از راست: حاجی احمد معین‌الممالک مژدهی، احمد خان آذری، ؟، حسن خان معین‌الرعایا، ؟، امجدالسّلطنه محمودی، سیّد آقایی عطار.


سیّد حسن مدرّس

اسفند

هفتم: آذری، صدرالاشرف و کلنل فتحعلی‌خان در فومن با میرزا کوچک‌خان ملاقات کردند.

هشتم: محمداسماعیل‌خان کسمایی، مدیر اداره‌ی وجوهات جنگلی‌ها، به ضرب گلوله به قتل رسید.

نهم: کشتی دنکین وارد انزلی شد.

دهم: آذری بار دیگر در نامه‌ای به رئیس‌الوزراء وثوق‌الدّوله، آمادگی کوچک‌خان را برای اطاعت از اوامر دولت به اطلاع وی رساند.

پانزدهم: اکبر میرزا صارم‌الدّوله وزیر مالیه و فتح‌اللّه‌خان سپهدار اعظم رشتی وزیر جنگ از سمت‌های خود کناره‌گیری کردند.

نوزدهم: موسیو پترز (کنسول انگلیس در رشت) به جنگل رفت و با میرزا کوچک‌خان ملاقات کرد و پس از این ملاقات به کارگزاری گیلان اعلام کرد که اگر شخص درستکاری در این امر دخالت کند یا حاکم بی‌طمعی فرستاده شود، خاتمه‌ی کار جنگلی‌ها چندان اشکالی نخواهد داشت.

بیستم ـ بیست‌وسوم: به دستور میرزا کوچک‌خان، غلامعلی نامی که قبلاً قزّاق بوده، در گوراب‌زرمیخ تیرباران شد.

بیست و چهارم: اقدام میرزا کوچک‌خان در خصوص اعدام یک نفر قزّاق سابق در گوراب‌زرمیخ، تمرّد از قول و قرارهای قبلی تلقّی شد و در نتیجه کفیل حکومت گیلان، آذری و رئیس قشون تصمیم به قلع و قمع جنگلی‌ها گرفتند و قرار گذاشتند در روز اوّل فروردین سردار مقتدر با سه هزار چریک و عدّه‌ای قزّاق از سمت تالش و برهان‌السلطنه طارمی و نیروهای تحت امر وی از سمت ماسوله و قوای قزّاق از سمت رشت و فومن و شفت غفلتاً بر سر جنگلی‌ها بریزند و کار آنان را یکسره کنند؛ ولی قضیّه با عدم موافقت دولت منتفی شد.

[در همین ماه آیت‌اللّه سیّدحسن مدرّس در پاسخ استفتائی، از میرزا کوچک‌خان و همکاران او حمایت کرد و اقدامات آنان را تأئید نمود و فتوا داد که طرفیّت و ضدیّت و محاربه با چنین جمعیّتی، مساعدت با کفر و معاندت با اسلام است.]

www.tabarestan.info تبرستان

۱۲۹۹

...ستان
...estan.info



ردیف جلو از چپ: خالو قربان و خالو مراد، ردیف وسط: پلایف، ابوکف، میرزا کوچک‌خان، کاژانف، گائوک، ردیف عقب: بابایف، مظفّرزاده، اسماعیل خان جنگلی، سعدالله درویش، سیف‌الله‌زاده و کربلایی حسین

❁ فروردین

پنجم: میرزا احمدخان آذری به تهران احضار شد و میرزا یوسف‌خان کفالت حکومت گیلان و طوالش را تا آمدن حکمران جدید عهده‌دار شد.

یازدهم: چهل کشتی تحت امر ژنرال دنکین (فرمانده روس‌های سفید) در باکو تسلیم دولت آذربایجان شد (۱۳ رجب ۱۳۳۸ هـ . ق).

دوازدهم: ناوگان «ولگا ـ خزر» به فرماندهی دریاسالار راسکولنیکوف وارد پتروفسک شد (۳ آوریل ۱۹۲۰ م).

چهاردهم: میرزا احمدخان اشتری ملقب به «رئیس امور» مأمور اعزامی وثوق‌الدّوله رئیس‌الوزراء، برای بررسی اوضاع گیلان وارد رشت شد.

پانزدهم: میرزا احمدخان اشتری (نماینده دولت) با میرزا کوچک‌خان ملاقات کرد.

شانزدهم: شانزده کشتی از اتباع ژنرال دنکین وارد آب‌های ساحلی انزلی شدند و پس از دریافت اخطار دولت ایران، تنها یک کشتی پس از خلع سلاح اجازه یافت وارد دهانه‌ی بندر انزلی شود و بقیّه‌ی کشتی‌ها در دریا ماندند (۱۸ رجب ۱۳۳۸ هـ . ق).

نوزدهم: دموکرات‌های آذربایجان به زعامت شیخ محمّد خیابانی به‌طور کامل تبریز را در اختیار گرفتند و نام آذربایجان را به آزادیستان تغییر دادند.

بیست و دوم: نامه‌ی میرزا کوچک‌خان خطاب به وثوق‌الدّوله رئیس‌الوزراء توسّط میرزا احمدخان اشتری، نماینده‌ی اعزامی دولت، به تهران برده شد. میرزا کوچک‌خان در این نامه متذکر شد که آذری در خصوص شرایط تأمین به جنگلی‌ها گزارش خلاف واقع داده است.

بیست و نهم: در شوروی به پیشنهاد تروتسکی و با تأئید لنین مقرّر شد که نیروهای تحت امر راسکولنیکف (فرمانده ناوگان ولگا ـ خزر) با همه‌ی وسایل دریای خزر را از وجود ناوگان روس‌های سفید پاک کنند و در صورت لزوم در ساحل پیاده شوند.

سی‌ام: عین‌الدّوله والی آذربایجان پس از ورود به تبریز در عمارت عالی‌قاپو تحت محاصره‌ی استقلال‌طلبان قرار گرفت.

اواخر: میرزا احمدخان اشتری با فرمان حکمرانی گیلان عازم رشت شد.

❁ اردیبهشت

ششم: ارتش سرخ شوروی از راه خشکی و دریا باکو را به تصرّف خود درآورد و چکا (سازمان اطلاعاتی روسیه) بلافاصله کار خود را آغاز کرد.

بسیاری از اعضای دولت آذربایجان، میلیونرهای نفتی، ژنرال‌ها و رؤسای ادارات دستگیر شدند و برخی از آنان از جمله مهماندارف (وزیر



دریادار فیودور راسکولنیکف



ناوگان ولگا در دریای خزر



تروتسکی

www.tabarestan.info تبرستان

جنگ) اعدام شدند و اموال خصوصی بسیاری اعم از کارخانه، میدان نفتی، مغازه‌ها و بانک‌ها مصادره شد (۲۶ آوریل ۱۹۲۰) و طیّ یک انقلاب بلشویکی حکومت حزب مساوات به رهبری محمّدامین رسول‌زاده (رسول‌اف) در جمهوری آذربایجان قفقاز برچیده شد و بلشویک‌ها کمیته‌ی موقت انقلاب آذربایجان را به ریاست نریمان نریمانف تشکیل دادند..

هفتم: شش هزار نفر از سربازان ارتش سرخ وارد باکو شدند (۸ شعبان ۱۳۳۸ هـ . ق).

دهم: شهر گنجه در آذربایجان قفقاز به تصرّف بلشویک‌ها در آمد (۱ مه ۱۹۲۰ م). کمیته‌ی انقلابی لنکران طی نامه‌ای به میرزاکوچک‌خان او را به اتحاد علیه انگلیسی‌ها فراخواند و به همراه نامه یک نشان و یک قبضه ششلول (رولور) برای وی فرستاد.

یازدهم _ بیستم: میرزا کوچک‌خان جهت ملاقات با اعضای کمیته بلشویکی لنکران راهی آن‌جا شد؛ ولی پس از تحمّل بیماری و گرفتاری‌های بسیار، زمانی به لنکران رسید که به دلیل وضعیت فوق‌العاده و نابسامانی اوضاع منطقه، هیچیک از اعضای کمیته‌ی بلشویکی در محل نبودند و میرزا کوچک‌خان بدون حصول نتیجه‌ای به گیلان مراجعت کرد.

هجدهم: معاهده ترک مخاصمه بین دولت گرجستان و دولت ساویت روسیه منعقد شد (۱۹ شعبان ۱۳۳۸ هـ.ق).

بیست و ششم: نیروهای نظامی بلشویک‌ها که سوار بر ۱۳ کشتی جنگی تا آب‌های ساحلی انزلی پیش آمده بودند، انزلی و غازیان را زیر آتش توپخانه قرار دادند. از طرف مأموران ساحلی ایران یک قایق موتوری با پرچم سفید به نزد ژنرال راسکولنیکف (فرمانده ناوگان دریایی) رفت تا هدف وی را از آمدن به انزلی جویا شود. نامبرده حضور کشتی‌های ژنرال دنیکن و روس‌های سفید در انزلی را علّت آمدن نیروهای بلشویک اعلام کرد (۱۸ مه ۱۹۲۰ م / ۲۹ شعبان ۱۳۳۸ هـ . ق).

بیست و هشتم: نیروهای بلشویک در انزلی پیاده شدند و آن‌جا را از وجود روس‌های سفید پاک کردند و تمامی ناوگان دنیکن شامل ده رزمناو و هفت کشتی کمکی و مقادیر زیادی تدارکات نظامی به دست بلشویک‌ها افتاد. سپاهیان انگلیسی از انزلی عقب‌نشینی کردند.

ظهیر همایون (معاون حکومت گیلان)، ژنرال شامپانی (فرمانده کلّ قوای انگلیس) و ماژور ادموندس (رئیس اداره سیاسی ارتش انگلیس) از رشت به انزلی رفتند و با کاژانف (فرمانده قوای شوروی در ایران) و آبوکف (عضو حزب عدالت باکو) ملاقات کردند.

بیست و نهم: میرزا کوچک‌خان طیّ اعلانی خطاب به عموم ایرانیان تأکید کرد که هدف جمعیّت جنگل از بدو قیام، رفاهیّت حال عموم هم‌وطنان بوده و اهالی نباید از جریانات کنونی خائف و نگران باشند.

سی‌ام: سیّدجعفر پیشه‌وری (جوادزاده) و بهرام آقایف از اعضای کمیته مرکزی حزب عدالت باکو، با مأموریّت تشکیل حزب کمونیست ایران در انزلی پیاده شدند.

سی و یکم: کمیسر خارجه شوروی در پاسخ به نامه‌ی اعتراضی دولت ایران، اقدامات دریاسالار راسکولنیکف را بدون اجازه حکومت شوروی و ابتکار شخصی اعلام کرد؛ ولی از سوی دیگر، کاراخان معاون وی طیّ تلگرافی به راسکولنیکف نظر موافق خود را در خصوص تشکیل یک حکومت ساویتی در گیلان، به وی اعلام کرد (۲۳ مه ۱۹۲۰ م).


میرزا احمد خان اشتری


محمّدامین رسول‌اوف


نریمان نریمانف

www.tabarestan.info تبرستان

❁ خرداد

یکم: میرزا کوچک‌خان به قصد مذاکره با فرماندهان سرخ وارد انزلی شد. شهر توسّط اهالی چراغانی شد و مردم دسته‌دسته در خانه‌ی عبدالغنی سرخی کهن (شهردار انزلی) به ملاقات قائد نهضت جنگل رفتند. میرزا خطاب به اهالی گفت: «حضور قوای انگلیسی و هم‌چنین روسی مخالف منافع مملکت است». چند تن از بلشویک‌هایی که به همراه کشتی‌های ارتش سرخ به انزلی آمده بودند، به دیدار میرزا کوچک‌خان رفتند و عکسی هم به یادگار گرفته شد.

دوم: میرزا کوچک‌خان و همراهانش حسن‌خان معین‌الرعایای آلیانی، گائوک آلمانی، سعدالله درویش، میرصالح مظفّرزاده و اسماعیل جنگلی بر روی عرشه کشتی کورسک با دریاسالار راسکولنیکف (فرمانده نیروهای دریایی ولگا ـ خزر شوروی)، ارژنیکیدزه (هم‌رزم سابق میرزا در دوره مشروطه و کمیسر عالی قفقاز) و اعضای کمیته عدالت باکو ملاقات کردند. میرزا کوچک‌خان و جنگلی‌ها گمرک انزلی را که رئیس بلژیکی آن گریخته بود، تصرّف کردند و سپس به فومن بازگشتند (۲۵ مه ۱۹۲۰ م / ۴ شوال ۱۳۳۸ هـ.ق).

سوم: تاتارها به همراه بقایای ارتش ژنرال دنیکن و روس‌های سفید، شهر گنجه را از بلشویک‌ها پس گرفتند و بلافاصله قتل‌عام در منطقه ارمنی‌نشین گنجه که اهالی آن با بلشویک‌ها همکاری کرده بودند، آغاز شد. تروتسکی کمیسر جنگ شوروی در نامه‌ای به راسکولنیکف (فرمانده

www.tabarestan.info تبرستان



کمیتهٔ انقلاب سرخ گیلان. از راست:حسن‌خان آلیانی (معین‌الرّعایا)، میرزا کوچک‌خان، کارگاریتلی (شاپور)، کاژانف (اردشیر)، گائوک آلمانی (هوشنگ) و میرصالح مظفّرزاده.



سعدالله‌خان درویش



سرگئی ارژنیکیدزه

www.iran-archive.com

نیروهای دریایی ولگا ـ خزر شوروی)، به وی گوشزد کرد که کمک به انقلابیّون گیلان باید به نام آذربایجان شوروی صورت گیرد و نه روسیه و این کمک‌ها می‌تواند شامل کارشناس، پول و داوطلب و نظایر آن باشد (۲۶ مه ۱۹۲۰ م).

هفتم: شهر گنجه بار دیگر و پس از چهار روز به دست بلشویک‌ها افتاد و این بار کشتار تاتارها و ضدانقلابیّون آغاز شد (۳۰ مه ۱۹۲۰ م).

یازدهم: در ایروان پایتخت ارمنستان حکومت بلشویکی تشکیل شد (۱۳ رمضان ۱۳۳۸ هـ. ق).

دوازدهم: میرزا احمد اشتری حکمران گیلان و جمعی از محترمین رشت و رؤسای ادارات در پسیخان به ملاقات میرزا کوچک‌خان رفتند و از او خواستند که جهت جلوگیری از تجاوزات قوای تازه وارد شوروی، به رشت عزیمت نماید و اداره‌ی امور را در دست گیرد.

سیزدهم: احمدشاه قاجار که به اروپا سفر کرده بود و از راه نجف، کربلا و خرّمشهر به ایران بازگشته بود، وارد تهران شد (۱۵ رمضان ۱۳۳۸ هـ. ق).

چهاردهم: وثوق‌الدّوله رئیس‌الوزراء در ترمیم کابینه، حشمت‌الدّوله والاتبار را به وزارت خارجه و وثوق‌السلطنه دادور را به وزارت جنگ منصوب کرد.

قوای انگلیسی رشت را تخلیه و به سمت منجیل عقب‌نشینی کردند و بلافاصله میرزا کوچک‌خان و همراهانش با استقبال باشکوه اهالی وارد رشت شدند و شهر را در اختیار گرفتند. با فرمان میرزا کوچک‌خان جنگلی، سعدالله درویش به عنوان حاکم نظامی رشت تعیین شد (۶ ژوئن ۱۹۲۰ م / ۱۶ رمضان ۱۳۳۸ ق).

پانزدهم: شخصی به نام حسین‌زاده که در آغاز در خدمت آلمان‌ها بود و بعد در کرمانشاه به روس‌ها پیوست و سپس به خدمت انگلیسی‌ها وارد شد و در نهایت برای دولت ایران کار می‌کرد، در رشت به دار آویخته شد.

شانزدهم: میرزا کوچک‌خان و جمعی دیگر بر مزار دکتر ابراهیم حشمت طالقانی واقع در چلّه‌خانه رشت حاضر شدند و نسبت به او ادای احترام کردند.

هفدهم: میرزا کوچک‌خان و همراهانش حکومت سلطنتی در ایران را ملغی و حکومت جمهوری برقرار کردند و تشکیل جمعیّت انقلاب سرخ و کمیته مرکزی آن را به اطّلاع عموم رساندند. اعضای کمیته مرکزی جمعیّت انقلاب سرخ عبارت بودند از: میرزا کوچک‌خان، کاژانف (فرمانده قوای شوروی در ایران)، کامران آقایف (عضو حزب عدالت باکو)، احسان‌اللّه‌خان دوستدار، گائوک آلمانی (معروف به هوشنگ)، حسن‌خان آلیانی (معین‌الرعایا)، میرصالح مظفّرزاده و گارکالتسلی.

بسیاری از رؤسای ادارات دولتی از جمله صدرالاشرف (رئیس دادگستری)، میرزا احمدخان اشتری (حکمران گیلان)، صدیق اعلم (رئیس معارف)، یاور رکن‌الدین مختاری (رئیس نظمیه) و ... دستگیر شدند (۱۹ رمضان ۱۳۳۸ هـ. ق / ۹ ژوئن ۱۹۲۰ م).


کامران آقایف (نقاره‌ی)


سید معظم محسنی صومعه‌سرایی (کمیسر)


ابوالقاسم فخرایی (رضازاده)


حجت‌علی ببربازاری


میرشمس‌الدین وقاری

www.tabarestan.info

هجدهم: در گیلان حکومت موقتی انقلابی و شورای نظامی انقلاب تشکیل شد. میرزا کوچک‌خان و احسان‌الله‌خان طی بیانیه‌ای تشکیل هیأت دولت انقلابی را به اطلاع عموم رساندند. اعضای این دولت عبارت بودند از: میرزا کوچک‌خان (سرکمیسر و کمیسر جنگ)، میر شمس‌الدین وقاری "وقارالسلطنه" (کمیسر داخله)، سیّدجعفر محسنی صومعه‌سرایی (کمیسر خارجه)، ابوالقاسم فخرایی (کمیسر تجارت)، محمّدعلی ببربازاری (کمیسر مالیه)، آقا نصرالله رضا (کمیسر پست و تلگراف)، محمّدعلی خمامی گیلک (کمیسر فواید عامّه)، حاجی محمّدجعفر کنگاوری (کمیسر معارف و اوقاف)، آقا محمود رضا (کمیسر قضایی).

نوزدهم: نیروهای پیاده نظام دریایی شوروی وارد رشت شدند و تحت امر حکومت انقلابی ایران قرار گرفتند.

بیست و دوم: ژنرال آیرونساید فرمانده کلّ قشون انگلیس در قزوین و بین‌النهرین وارد تهران شد (سه‌شنبه ۲۲ رمضان ۱۳۳۸ هـ. ق / ۱۳ ژوئن ۱۹۲۰ م).

بیست و پنجم: بادگان رشت پس از سه ساعت درگیری و مقاومت قزّاق‌ها در برابر جنگلی‌ها، خلع سلاح شد. میرزا احمدخان اشتری حکمران سابق و چند تن دیگر از رؤسای ادارات که در حبس بودند، آزاد شدند و به تهران مراجعت کردند (۲۷ رمضان ۱۳۳۸ هـ. ق / ۱۵ ژوئن ۱۹۲۰ م).

بیست و ششم: حکومت جمهوری انقلابی گیلان به طور کامل کنترل رشت و انزلی را در دست گرفت.

بیست و نهم: دولت شوروی رسماً اعلام کرد که تمامی نیروهای نظامی روسیه از قلمرو آبی و خاکی ایران خارج شده‌اند و تنها نیروی باقی‌مانده در ایران متعلّق به جمهوری ساوینی آذربایجان است که دولت شوروی کنترلی بر آن‌ها ندارد؛ ولی حاضر است مداخله کرده و موجبات خروج آن‌ها را نیز فراهم کند؛ مشروط به این که نیروهای انگلیسی هم ایران را تخلیه کنند.


ایستاده از چپ: احسان‌الله‌خان، محمدعلی خمامی گیلک
نشسته سمت راست: محمود رضا طارع


سید جعفر پیشه‌وری


پلایف


سردار فاخر حکمت


سید عبدالرحیم خلخالی


ایوان کازانف

www.tabarestan.info

تیر

دوم: حزب کمونیست ایران به نام «عدالت» در انزلی تأسیس شد و مرامنامه و آیین‌نامه آن به تصویب رسید و اعضای کمیته مرکزی آن به شرح ذیل انتخاب شدند: آبوکف (فرمانده واحدهای زمینی ناوگان ولگا ـ خزر) و همسرش بولـله، اسدالله غفّارزاده، زاخاریان، علیزاده، آقایف، امیرزاده و موسوی. رسانه رسمی این حزب با نام «کامونیست» و به مدیریت سیّدجعفر جوادزاده خلخالی (پیشه‌وری) منتشر شد (۲۳ ژوئن ۱۹۲۰ م / ۶ شوّال ۱۳۳۸ هـ. ق).

سوم: شیخ‌محمّد خیابانی و یارانش عمارات دولتی تبریز را تصرّف کردند و خانواده سلطنتی و عین‌الدّوله حکمران آذربایجان را از شهر اخراج کردند.

چهارم: میرزا حسن‌خان وثوق‌الدّوله رئیس‌الوزراء از سمت خود کناره‌گیری کرد.

هفتم: میرزا حسن‌خان مشیرالدّوله با فرمان احمدشاه قاجار به ریاست‌الوزرایی منصوب شد.

نهم: جمعی از بلشویک‌های باکو وارد رشت شدند.

دهم: انتشار نخستین شماره از دوره‌ی سوم روزنامه‌ی جنگل.

یازدهم: نیرویی به استعداد دو هزار نفر از جانب جمهوری گیلان و به فرماندهی سعدالله درویش با دو فروند کشتی (یکی جنگی و دیگری تجاری) عازم مشهدسر (بابلسر بعدی) شد. سپاه جمهوری گیلان شامل ۱۲۰۰ نفر بلشویک روسی و آذری به فرماندهی پلایف و ۶۰۰ نفر جنگلی به فرماندهی مشهدی امام جنگلی و جمعی دیگر بود (۱۵ شوّال ۱۳۳۸ هـ. ق).

دوازدهم: مشیرالدّوله رئیس‌الوزرای جدید، وزرای کابینه خود را به احمدشاه معرّفی کرد. برخی از آنان عبارت بودند از: حشمت‌الدّوله والاتبار (وزیر داخله)، مشارالسلطنه (وزیر خارجه)، وثوق‌السلطنه دادور (کفیل وزارت جنگ)، دکتر محمّد مصدّق‌السلطنه (وزیر عدلیه) و ...

مشهدسر (بابلسر) پس از زد و خورد و مقاومت مختصر قوای دولتی به تصرّف جمهوری گیلان درآمد.

سیزدهم: مشیرالدّوله رئیس‌الوزراء با صدور اعلامیه‌ای تعویق اجرای قرارداد اوت ۱۹۱۹ و تشکیل فوری دوره چهارم مجلس شورای ملّی را به اطّلاع عموم رساند.

پانزدهم: بارفروش (بابل) پس از زد و خورد مختصری بین جنگلی‌ها و ژاندارم‌های دولتی، به تصرّف سپاه جمهوری گیلان درآمد.

شانزدهم: هیأت نمایندگان اعزامی مشیرالدّوله رئیس‌الوزراء در رشت در خانه امجدالسلطنه محمودی با میرزا کوچک‌خان ملاقات و به او توصیه کردند از همکاری با ارتش سرخ شوروی خودداری کند. ریاست هیأت اعزامی دولت مرکزی برعهده سردار فاخر حکمت بود و دیگر اعضای این هیأت عبارت بودند از: سیّدعبدالرحیم خلخالی (استاد سابق میرزا کوچک‌خان) و آقا سیّدجلیل اردبیلی (از رجال مورد اعتماد میرزا). این هیأت به دلیل ناامنی راه‌ها، به راهنمایی شیخ احمد سیگاری از راه زنجان و ماسوله و فومنات خود را به رشت رسانده بودند.



حبیب‌الله خان شیبانی



میرصالح مظفرزاده و گانوک آلمانی در مسکو

www.iran-archive.com

بلشویک‌های سپاه جمهوری گیلان به سمت بندر گز حرکت کردند؛ ولی در درگیری با نیروهای دولتی شکست خورده و عقب‌نشینی کردند (۲۰ شوّال ۱۳۳۸ هـ . ق).

هفدهم: نیروهای جنگلی سپاه جمهوری گیلان به سمت ساری پیشروی و شهر را تصرّف کردند و نیروهای ژاندارم دولتی به فرماندهی حبیب‌اللّه‌خان شیبانی تا هفت فرسخی ساری عقب‌نشینی کردند و در دامنه‌ی کوهی پناه گرفتند. در رشت ۳۵۰ نفر از ملاحان روسی که مأمور نبرد در جبهه‌ی منجیل شده بودند، طغیان کرده و با توپخانه و مسلسل همراه خود به انزلی رفتند و از آن‌جا سوار یک کشتی جنگی شده و به بادکوبه بازگشتند (۲۱ شوال ۱۳۳۸ ق / ۸ جولای ۱۹۲۰ م).

هجدهم: میرزا کوچک‌خان در اعتراض به فعالیّت‌های مرامی بلشویک‌ها و اقدامات تند آن‌ها در زمینه‌ی مصادره اموال و محصولات که برخلاف قرارهای قبلی صورت می‌گرفت، به حال قهر رشت را ترک کرد و عازم فومن شد. او بیش از ترک رشت، نامه‌ای در این زمینه برای لنین (صدر هیأت رئیسه اتّحاد جماهیر شوروی) نوشت و آن را توسّط دو نماینده خود میرصالح مظفّرزاده و گانوک آلمانی به مسکو فرستاد. میرزا هم‌چنین پنج میلیون فشنگ اهدایی روس‌ها و دو میلیون تومان وجوه اعانه را با خود به فومن برد (۲۲ شوّال ۱۳۳۸ هـ . ق / ۹ جولای ۱۹۲۰ م).

نوزدهم: هیأت دولت مصوّبه هجده مادّه‌ای مهمی را برای پاکسازی خطّه شمال از وجود متجاسرین صادر کرد. متجاسرین نامی بود که دولت ایران بر بلشویک‌های تحت امر جمهوری گیلان نهاده بود (۲۳ شوّال ۱۳۳۸ هـ . ق).

بیست و سوم: احمدشاه قاجار به استاروسلسکی رئیس کل قزّاقخانه (رئیس دیوزیون قزّاق) درجه سرداری اعطا و او را مأمور قلع و قمع متجاسرین در گیلان و مازندران کرد.

بلشویک‌ها به چند دستگاه تانک زره‌پوش انگلیسی در جاده رشت ـ منجیل حمله کردند؛ ولی پس از تحمّل شکست، عقب‌نشینی کردند.

بیست و چهارم: متعاقب مذاکره سعداللّه درویش (فرمانده سپاه جمهوری گیلان) و کلنل حبیب‌اللّه‌خان شیبانی (فرمانده ژاندارم‌های دولتی)، جنگلی‌ها از ساری خارج شدند و قوای دولتی ساری را از نیروهای بلشویک بازپس گرفتند.

بیست و هفتم: اردویی مختلط متشکّل از قزّاق‌های ایرانی و ایلات تحت فرماندهی لوءالدوله بندر گز را از وجود متجاسرین (بلشویک‌ها) پاک کردند. عدّه‌ای از بلشویک‌ها کشته شدند و بقیّه به کشتی‌های خود پناه بردند.

بیست و هشتم: اردوی دولتی، مشهدسر (بابلسر) را از بلشویک‌ها بازپس گرفت.

سی و یکم: میرزا کوچک‌خان تلگراف مفصّلی برای لنین (صدر هیأت رئیسه اتّحاد جماهیر شوروی) فرستاد و در آن تفاوت تاکتیک‌های خود و کمونیست‌های گیلان را توضیح داد و به وی اطّلاع داد که مردم ایران آماده پذیرش ایده‌های کمونیستی نیستند.



عبدالحسین خان سردار محیی



یاکف بلومکین





کاراخان

www.tabarestan

مرداد

یکم: قوای دولت بارفروش (بابل) را از بلشویک‌ها پس گرفتند. در این عملیات، ۱۷ نفر که دو نفر آن‌ها روس بودند، به اسارت دولتی‌ها درآمدند و مقادیری سلاح نیز توسّط آنان به غنیمت گرفته شد.

رؤسای گیلان و مازندران که در رشت محبوس بودند و در آستانه‌ی اعدام قرار داشتند، به تهران بازگشتند (۶ ذیقعده ۱۳۳۸ هـ. ق).

سوم: علی‌نقی‌خان مشاورالممالک انصاری به سمت سفیر ایران در مسکو منصوب شد.

ششم: آناستاز میکویان و بودو مدیوانی، اعضای کمیته مرکزی دفتر قفقاز حزب کمونیست روسیه (کاوبورو) به همراه یک جوخه‌ی ضربت ویژه نظامی متشکّل از ۹۰۰ نفر از باکو به رشت آمدند.

هفتم: در غازیان انزلی بین بلشویک‌ها و جنگلی‌ها جنگ درگرفت که در نتیجه جنگلی‌ها شکست خورده و به سمت گوراب‌زرمیخ عقب‌نشینی کردند و بلشویک‌ها انزلی و رشت را تصرّف و غارت کردند (۱۲ ذیقعده ۱۳۳۸ هـ. ق / ۲۹ جون ۱۹۲۰ م).

نهم: اجلاسیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران با حضور گروه‌های چپ به رهبری احسان‌اللّه‌خان در رشت تشکیل شد. و طی اعلامیه‌ای برکناری میرزا کوچک‌خان از همه مناصب را اعلام کرد.

دهم: در گیلان طیّ یک کودتای بدون خونریزی توسّط بلشویک‌ها، رشت و انزلی به دست کمونیست‌ها افتاد و همه‌ی مقامات دولتی و حزبی هوادار میرزا کوچک‌خان دستگیر شدند. سران کودتای کمونیستی عبارت بودند از: بودو مدیوانی، ، ژنرال کارگالتسلی (کارگاریتلی)، احسان‌اللّه‌خان دوستدار، رضا خواجوی (معزّالسلطنه)، عبدالحسین‌خان سردار محیی و یاکف بلومکین (ضارب بدنام میرباخ سفیر آلمان در روسیه) (۱۵ ذیقعده ۱۳۳۸ هـ. ق / ۳۰ جولای ۱۹۲۰ م).

دوازدهم: دولت انقلابی جدیدی در رشت تشکیل شد که اعضای آن عبارت بودند از: احسان‌اللّه‌خان (سرکمیسر و کمیسر خارجه)، سیّدجعفر جوادزاده پیشه‌وری (کمیسر داخله)، خالوقربان هرسینی (کمیسر جنگ)، محمّدجعفر کنگاوری (کمیسر معارف)، بهرام آقایف (کمیسر فلاحت و فواید عامّه)، سیّدجعفر محسنی صومعه‌سرایی (کمیسر قضایی)، رضا آقازاده (کمیسر مالیه)، علی خانزاده (کمیسر بازرگانی و ارتباطات) (۳ اوت ۱۹۲۰ م / ذیقعده ۱۳۳۸ هـ. ق).

نرمان وزیر مختار انگلیس در ابلاغیه‌ای اعلام کرد که عقب‌نشینی نیروهای انگلیسی از منجیل به قزوین مسئله‌ای نظامی بوده است.

سیزدهم: سردار فاخر حکمت که از طرف رئیس‌الوزراء مشیرالدّوله مأمور مذاکره با میرزا کوچک‌خان شده بود، بدون حصول نتیجه‌ای به تهران بازگشت.

چهاردهم: میرصالح مظفّرزاده و گئوک آلمانی، نمایندگان اعزامی میرزا کوچک‌خان، در مسکو با کاراخان کمیسر خارجه شوروی دیدار و مذاکره کردند.

پانزدهم: متعاقب مذاکرات نمایندگان میرزا کوچک‌خان و سران شوروی، شالوا ایلیاوای گرجی سفیر جدید شوروی در ترکیه، وظیفه یافت پیش از عزیمت به محل مأموریّت خود، برای بررّسی اوضاع گیلان به رشت سفر کند.

بازار رشت دچار حریق گردید و بر اثر این واقعه ۸ کاروانسرا، ۴۰۰ مغازه، ۳ مسجد و یک کلیسا و چندین خانه در حریق نابود شد و اموال بسیاری از بازرگانان سوخت و به غارت رفت و صدها هزار تومان زیان وارد شد (۲۰ ذیقعده ۱۳۳۸ هـ . ق).

بیستم: میرزا کوچک‌خان در نامه‌ای به مدیوانی (نماینده بازرگانی خوشتاریا و نماینده اعزامی حزب کمونیست شوروی جهت اداره‌ی انقلاب) گله‌گزاری کرد و از او خواست با مردم به مهربانی رفتار کند (۲۵ ذیقعده ۱۳۳۸ هـ . ق).

بیست و یکم: نمایندگان اعزامی میرزا کوچک‌خان به مسکو، با مشاهده‌ی دفع‌الوقت مقامات روسی، آمادگی خود را برای مذاکره به اطّلاع کاراخان (کمیسر خارجه شوروی) رساندند.

بیست و دوم: مدیوانی در پاسخ به نامه میرزا کوچک‌خان، او را متّهم به مسامحه با دشمن و خودکامگی کرد.

بیست و سوم: بین جنگلی‌ها و بلشویک‌ها در جمعه‌بازار جنگ درگرفت. قوای دولتی با بلشویک‌ها در اسماعیل‌آباد (بین راه قزوین و منجیل) درگیر شدند و پس از هشت ساعت زد و خورد عاقبت بلشویک‌ها با دادن چهل اسیر مجبور به عقب‌نشینی شدند. قوای دولت که سه مسلسل از بلشویک‌ها به غنیمت گرفته بودند، به تعقیب آنان پرداختند.

بیست و پنجم: جنگلی‌ها در سومین روز نبرد با بلشویک‌ها در جمعه‌بازار، ناگزیر به صومعه‌سرا عقب‌نشینی کردند.

میرزا کوچک‌خان در دومین نامه خود به مدیوانی، به اتّهامات او پاسخ گفت (۳۰ ذیقعده ۱۳۳۸ هـ . ق).

بیست و ششم: بار دیگر بین جنگلی‌ها و بلشویک‌ها در صومعه‌سرا جنگ درگرفت؛ ولی این بار بلشویک‌ها شکست خوردند و به سمت پسیخان عقب‌نشینی کردند.

بیست و هفتم: قوای دولتی قزّاق منجیل را فتح کردند و بلشویک‌ها را به عقب راندند. سردار استاروسلسکی فرمانده دیوزیون قزّاق به مناسبت این فتح یک قبضه شمشیر مرصّع از احمدشاه قاجار دریافت کرد.



آناستاز میکویان



ردیف پشت از چپ: سردار محیی، حاج قربان، احسان‌الله خان، رضا خراجوی، الکساندر کوتف (کرالو)، ردیف جلو: حاجی مراد موگوتف (نفر دوم)، مشیر دیوان، فریم خان بزرگ



مدیوانی

www.tabarestan.info

بیست و هشتم: ارتش سرخ پس از تحمل شکست سنگین از قوای قزاق، از منجیل عقب‌نشینی کردند و قوای قزّاق تا محلّی به نام «ملاعلی» پیش رفتند و سه عراده توپ و هشت مسلسل به غنیمت گرفتند (۴ ذیحجه ۱۳۳۸ هـ . ق).

سی‌ام: بلشویک‌ها از رشت به سمت انزلی فرار کردند.

سی و یکم: قوای دولتی متعاقب نبرد با بلشویک‌ها، به‌طور کامل بر شهر رشت مسلط شدند و مورد استقبال اهالی قرار گرفتند. پانصد نفر از نیروهای بلشویک اسیر شدند و بقیّه به سمت انزلی عقب‌نشینی کردند و در حین فرار بازار رشت را به آتش کشیدند و آنچه توانستند غارت کردند و با خود بردند. قوای دولتی در این عملیات دوازده خمپاره‌انداز، شصت مسلسل، چند گاری فشنگ و تفنگ و یک هواپیما به غنیمت گرفتند. نیروهای انگلیسی تا منجیل پیش آمدند (۷ ذیحجه۱۳۳۸ ق / ۲۲ اوت ۱۹۲۰ م).

شهریور

تبرستان
www.tabarestan.info

دوم: قوای دولتی که تا ۱۳ کیلومتری انزلی پیش رفته بودند، مورد حمله‌ی توپخانه زمینی و دریایی بلشویک‌ها قرار گرفتند. در این درگیری یک کشتی بلشویک‌ها هم آسیب دید و خالوقربان هرسینی هم زخمی شد (۹ ذیحجه ۱۳۳۸ هـ . ق).

چهارم: قوای دولتی باز هم مورد آتش شدید توپخانه بلشویک‌ها قرار گرفتند.

پنجم: قوای دولتی بر اثر شدّت حملات بلشویک‌ها ناگزیر به ترک رشت و عقب‌نشینی به سمت رودبار و منجیل شدند و رشت بار دیگر به تصرّف بلشویک‌ها درآمد.

ششم: بسیاری از اهالی شهر از بیم انتقام‌جویی بلشویک‌ها مسکن و مأوای خود را ترک کردند و رهسپار تهران و شهرها و روستاهای اطراف شدند. عدّه‌ی کسانی که از رشت گریختند ۲۵۰۰۰ نفر، یعنی حدود نیمی از جمعیّت شهر تخمین زده شد.

هفتم: رشت بار دیگر به تصرف بلشویک‌ها درآمد. آنان بلافاصله پس از ورود به رشت کمیته‌ی آزادکننده‌ی ایران را تشکیل دادند (۱۴ ذیحجه ۱۳۳۸ هـ . ق / ۳۰ اوت ۱۹۲۰ م).

هشتم: دولت مرکزی کمیسیونی را برای حمایت از مهاجرین رشت و قزوین تشکیل داد.

نهم: کنگره ملل شرق توسّط بلشویک‌ها در بادکوبه تشکیل شد و از گیلان هم عده‌ای در این کنگره شرکت کردند (۱۶ ذیحجه ۱۳۳۸ هـ . ق). چیچرین کمیسر خارجه شوروی در تلگرافی به رئیس دولت ایران (مشیرالدّوله) اعلام کرد که منتظر آمدن مشاورالممالک انصاری، سفیر ایران به مسکو است.

سیزدهم: گائوک و مظفّرزاده نمایندگان اعزامی میرزا کوچک‌خان به مسکو، به هنگام مراجعت به ایران، به دستور احسان‌اللّه‌خان و مدیوانی در انزلی دستگیر شدند (۴ سپتامبر ۱۹۲۰ م).

چهاردهم: حاج مخبرالسلطنه هدایت والی آذربایجان مأمور سرکوب قیام شیخ محمّد خیابانی شد.

در گیلان بار دیگر دولت بلشویکی قدرت را در دست گرفت. در این دولت احسان‌اللّه‌خان سرکمیسر و حسن‌خان عمیدالسلطان کمیسر داخله بود.

شانزدهم: میرزا کوچک‌خان طیّ نامه‌ای به یوسف ضیاءبیگ نماینده اعزامی کنگره ملل شرق به گیلان، نارضایتی خود را از اقدامات بلشویک‌ها اعلام کرد (۲۳ ذیحجه ۱۳۳۸ هـ . ق).

هجدهم: نیروهای نظامی دولت وارد تبریز شدند.

نوزدهم: در نتیجه گزارش «شالوا الیاوا» فرستاده ویژه دفتر سیاسی حزب کمونیست شوروی (پولیت بورو) به رشت، دفتر ایران حزب کمونیست منحل شد و میکویان و مدیوانی از دخالت در امور ایران منع شدند. کابینه جدید بلشویک‌ها با حذف جوادزاده، علی‌خانزاده، آقازاده (آقایف) تشکیل شد. اعضای این کابینه عبارت بودند از: احسان‌اللّه‌خان (سرکمیسر و کمیسر خارجه)، عبدالحسین‌خان سردار محیی (کمیسر پست و تلگراف)،


ژنرال ادموند آیرونساید


حسن‌خان عمیدالسلطان


ولادیمیر لنین


حسن جودت

حسن‌خان عمیدالسلطان (کمیسر داخله)، محمّدجعفر کنگاوری (کمیسر مالیه)، امینی (کمیسر تجارت)، رضا خواجوی (کمیسر فواید عامّه)، خالوقربان هرسینی (کمیسر جنگ)، حسین جودت (کمیسر معارف) و ... .

بیست و دوم: در تبریز شیخ‌محمّد خیابانی پس از چند روز زد و خورد با قوای دولتی، توسّط قزّاق‌ها به قتل رسید (۲۹ ذیحجه ۱۳۳۸ هـ . ق).

اواخر: هیأتی هشت نفره که به سرکردگی گادونیک از شوروی به گیلان آمده بود، فرمان دستگیری گوسف (مسئول بخش ضد جاسوسی) و ابوکف و همسرش بوئله را صادر کرد. تروتین (رئیس اداره سیاسی ارتش سرخ ایران) از مسئولیتش برکنار شد و به روسیه بازگشت.

سی‌ام: قوای دولتی بار دیگر منجیل را تصرّف کردند و به سمت امامزاده هاشم پیشروی کردند.

● مهر

یکم: رشت بار دیگر به تصرّف قوای دولتی درآمد و بلشویک‌ها به سمت خمام و پیربازار عقب‌نشینی کردند. احمدخان معتمدالممالک (احمد راد) به سمت کفیل حکومت گیلان منصوب شد (۶ محرم ۱۳۳۹ هـ . ق).

دوم: یک هواپیمای متعلّق به کمونیست‌ها در آسمان رشت ظاهر شد و پس از انداختن پنج بمب و ریختن مقداری اعلامیّه، در حال بازگشت بود که بر اثر نقص فنی در خمام سقوط کرد و سه سرنشین آن سالم به اسارت قزّاق‌ها درآمدند.

نوزدهم: وثوق‌السلطنه دادور وزیر جنگ شد و از جبهه‌ی قوای دولت دیدن کرد.

بیست و دوم: یک هواپیمای بلشویک‌ها که مشغول بمباران سنگرهای قوای دولتی بود، مجبور به فرود شد و سرنشینانش دستگیر شدند.

بیست و سوم: وثوق‌السلطنه دادور وزیر جنگ پس از بازدید از جبهه گیلان راهی تهران شد.

بیست و هشتم: کمونیست‌ها به فرماندهی خالوقربان هرسینی و احسان‌الله‌خان دوسندار و با حمایت توپخانه بلشویک‌ها از انزلی عازم رشت شدند.

سی‌ام: بار دیگر قوای دولتی به سمت منجیل عقب‌نشینی نمودند و دوباره مهاجرت عمومی اهالی رشت از بیم بلشویک‌ها آغاز شد؛ اما تعداد مهاجرین از دفعه قبل کمتر بود (۹ صفر ۱۳۳۹ هـ . ق / ۲۲ اکتبر ۱۹۲۰ م).

● آبان

یکم: هرمان نرمان (وزیر مختار انگلیس) و ژنرال آیرونساید (فرمانده قوای انگلیس) با مشیرالدّوله رئیس‌الوزراء ملاقات کردند و خواستار برکناری استاروسلسکی فرمانده دیویزیون قزّاق شدند و تهدید کردند که در صورت عدم اجرای این خواسته، کمک‌های ماهانه دولت انگلیس به دولت ایران قطع خواهد شد.


فتح‌الله خان اکبر سپهداراعظم رشتی

سوم: نرمان وزیر مختار انگلیس در قصر فرح‌آباد به حضور احمدشاه قاجار رسید و مسئولیت شکست و عقب‌نشینی قزّاق‌ها را به گردن استاروسلسکی فرمانده کلّ قزّاقخانه انداخت و خواستار عزل وی شد. احمدشاه در پاسخ درخواست نرمان اذعان داشت که با عزل استاروسلسکی ممکن است قزّاق‌ها شورش کنند و به بلشویک‌ها بپیوندند.

میرزا حسن‌خان مشیرالدوله در برابر مشکلات و فشارها تاب نیاورد و از ریاست‌الوزرایی کناره‌گیری کرد.

در همین روز مشارالممالک انصاری سفیر ایران در شوروی، پس از مدّتی اقامت در باکو، عازم مسکو شد.

چهارم: فتح‌اللّه‌خان سپهدار اعظم (سپهدار رشتی) با فرمان احمدشاه قاجار رئیس‌الوزرای ایران شد.

هشتم: سپهدار اعظم رئیس‌الوزرای جدید با انتشار بیانیه‌ای مشکلات موجود را با مردم در میان نهاد و از آن‌ها تقاضای معاونت و مساعدت کرد.

www.tabarestan.info تبرستان

عاقبت ژنرال استاروسلسکی از ریاست کلّ دیوزیون قزّاق برکنار شد.

نهم: عدّه‌ی زیادی از صاحب‌منصبان روس قزّاقخانه نیز در پی برکناری استاروسلسکی از کار برکنار شدند و به ایشان ابلاغ شد که ایران را ترک کنند.


قاسم خان والی سردار همایون

مشاورالممالک انصاری نخستین سفیر ایران در اتّحاد جماهیر شوروی در مسکو آغاز به کار کرد.

دهم: ژنرال آیرونساید، فرمانده کلّ نیروهای انگلیس در ایران، از پادگان و اردوی قزّاق‌های مستقر در «آقابابا» بازدید کرد و رضاخان میرپنج از صاحب‌منصبان قزّاق، مورد توجّه او قرار گرفت.

چهاردهم: احسان‌اللّه‌خان و خالوقربان طیّ نامه‌ای به میرزا کوچک‌خان، از وی دلجویی کردند و خواستار آشتی با او شدند.

شانزدهم: میرزا کوچک‌خان در نامه‌ای مفصّل که در پاسخ احسان‌اللّه‌خان و خالوقربان نگاشت، اشتباهات آنان را برشمرد.

هفدهم: جمعی دیگر از افسران روسی قزّاقخانه از خدمت اخراج شدند.

هجدهم: قاسم‌خان والی (سردار همایون) به فرماندهی دیوزیون قزّاق منصوب شد.

بیست و دوم: سپهدار اعظم رشتی، رئیس‌الوزراء و وزیر داخله، کابینه‌ی خود را به احمدشاه معرّفی کرد. برخی از اعضای کابینه عبارت بودند از: دکتر اسماعیل‌خان مرزبان رشتی (وزیر مالیه)، امیر نظام همدانی (وزیر جنگ)، صادق‌خان سردار معتمد رشتی (وزیر پست و تلگراف)، مصطفی‌قلی‌خان فهیم‌الدوله (کفیل وزارت امور خارجه)، میرزا حسین‌خان ادیب‌السلطنه رشتی (معاون رئیس‌الوزراء) و ... .


میرزا حسین‌خان ادیب السّلطنه رشتی

ژنرال آیرونساید (فرمانده نیروهای انگلیسی در ایران) به ملاقات سپهدار اعظم رشتی رئیس‌الوزراء رفت.

بیست و پنجم: سپهدار اعظم رشتی رئیس‌الوزراء اعلامیه‌ی ناامیدکننده‌ای در خصوص اوضاع کشور صادر کرد.

بیست و هفتم: یک هواپیمای انگلیسی در یک حمله هوایی به انزلی، چند انبار مهمات بلشویک‌ها را نابود کرد.

بیست و نهم: در حوالی سیاه‌رود و تاریک‌رود در گیلان، بین نیروهای انگلیسی و قوای بلشویک نبرد درگرفت.



از راست، میکویان، استالین و ارژونیکیدزه



تئودور روتشتاین

آذر

هفتم: تئودور روتشتاین به سمت سفیر اتحاد جماهیر شوروی در ایران منصوب شد.

نهم: دولت انگلیس طیّ یادداشتی به دولت ایران، خواستار نظارت و فرماندهی افسران انگلیسی بر قزاقخانه ایران شد و تهدید کرد که در غیر این صورت، نیروهای نظامی انگلیس خاک ایران را ترک خواهند کرد.

بیست و یکم: به دعوت احمدشاه قاجار، جلسه مشاوره‌ای با حضور عدّه‌ای از شاهزادگان، درباریان و نمایندگان منتخب مجلس چهارم در قصر فرح‌آباد تشکیل شد تا ضمن بررسی مشکلات موجود، پاسخ مناسبی به یادداشت دولت انگلیس داده شود؛ لیکن این جلسه بدون نتیجه خاتمه یافت.

بیست و پنجم: دولت انقلابی احسان‌اللّه‌خان هیأتی از بلندپایگان نظیر سردار محیی، خالوقربان و محمّدجعفر کنگاوری را به امید أخذ کمک‌های مالی و نظامی و جلب حمایت سیاسی به باکو فرستاد.

دی

پنجم: هیأت اعزامی دولت انقلابی احسان‌اللّه‌خان دوستدار در باکو با رهبران آذربایجان شوروی نریمان نریمانف (صدر هیأت رئیسه)، حسین‌اف (کمیسر خارجه) و ارژونیکیدزه از اعضای حزب کمونیست ملاقات کرد و مواضع و نیازهای خود را به اطّلاع آنان رساند.

شانزدهم: سفارت انگلیس در آستانه‌ی تصویب قراردادی فی‌مابین دولتین ایران و شوروی، به اتباع خود دستور داد ایران را ترک کنند.

هفدهم: فهیم‌الدّوله، وزیر خارجه از سمت خود کناره‌گیری کرد.

هجدهم: دولت ایران بار دیگر یک مجلس مشاوره‌ی عالی تشکیل داد و قرارداد پیشنهادی دولت شوروی را در آن مطرح کرد که مورد تصویب قرار گرفت.

نوزدهم: عبدالحسین‌خان سردار محیی که موفّق به جلب حمایت و کمک رهبران آذربایجان نشد، راهی مسکو شد تا از مسئولان شوروی کمک بخواهد.

دولت ساویتی روسیه به دولت ایران اطّلاع داد که خروج قوای شوروی از گیلان، منوط به انعقاد قرارداد فی‌مابین نیست و تا وقتی تهدید نظامی نیروهای انگلیسی باقی است، آن‌ها هم در ایران خواهند ماند. در مقابل دولت ایران به حکومت روسیه اطمینان داد که قوای انگلیس به محض اخطار و اظهار تمایل دولت ایران، مواضع خود را ترک خواهند کرد و به هیچ‌وجه جای نگرانی و بهانه‌جویی نیست.

بیست و چهارم: دولت شوروی طیّ یک چرخش کامل سیاسی، یکی از افسران ارشد خود در باکو را مأمور بازگرداندن تمامی قشون روسی مقیم ایران نمود و به دولت ایران اعلام کرد که مأموران دولت ایران می‌توانند وارد گیلان شوند و اداره‌ی امور را در دست بگیرند.

بیست و پنجم: سپهدار اعظم رشتی رئیس‌الوزراء بر اثر غلبه مشکلات، استعفای خود را تقدیم احمدشاه کرد.

بیست و ششم: احمدشاه قاجار تا روی کار آمدن رئیس‌الوزرای جدید، اداره‌ی امور وزارتخانه‌ها را به معاونین وزارتخانه‌ها سپرد.

میرزا حسن‌خان مستوفی‌الممالک از پذیرش رئیس‌الوزرایی خودداری کرد.

بیست و هفتم: کوچک‌خان در نامه‌ای به سردار جنگل خان عمواوغلی به وی گوشزد کرد که انگلیسی‌ها با ایجاد اختلاف بین کمونیست‌ها و جنگلی‌ها درصدد نابودی آنان هستند.

بیست و نهم: میرزا حسن‌خان مشیرالدّوله هم از قبول ریاست‌الوزرایی سر باز زد.

پس از خلع سلاح و جمع‌آوری قوای روس مستقر در غازیان انزلی و تسلیم آن ناحیه به مأموران دولت ایران، عدّه‌ای از جنگلی‌ها و بلشویک‌ها از شهر خارج شدند و به سمت جنگل و نواحی اطراف گریختند. کمیته بلشویک‌های گیلان با توجّه به وضعیّت پیش آمده، از دولت روسیه درخواست کرد با دولت ایران جهت صدور فرمان عفو عمومی مذاکره کند.

سی‌ام: عبدالمجید میرزا عین‌الدّوله هم ریاست‌الوزرایی را نپذیرفت.

www.tabarestan.info تبرستان



احمد شاه قاجار

بهمن

یکم: پس از امتناع مستوفی‌الممالک، مشیرالدّوله و عین‌الدّوله از پذیرش ریاست‌الوزرایی، احمدشاه قاجار آن دسته از نمایندگان دوره چهارم مجلس شورای ملّی را که در تهران حاضر بودند و جمعاً ۶۷ نفر می‌شدند، به کاخ فرح‌آباد احضار کرد تا در مورد تعیین رئیس‌الوزراء گفت‌وگو کنند.

پس از مذاکرات طولانی، تصمیم گرفته شد که مجدّداً سپهدار اعظم رشتی به این سمت منصوب شود.

دوم: بار دیگر فرمان ریاست‌الوزرایی به نام فتح‌اللّه‌خان اکبر سپهدار اعظم صادر شد.

چهارم ـ هفتم: در یکی از این روزها، سه هواپیمای انگلیسی به رشت حمله کردند تا سینماهای تازه تأسیس بلشویک‌ها را نابود کنند؛ ولی ساختمان‌های مجاور ویران شد و هشتاد نفر از اهالی شهر کشته و مجروح شدند. در همان روز نیروهای بلشویک که قصد پیاده شدن در ساحل شفارود را داشتند، توسّط نیروهای تحت امر سردار مقتدر تالشی (ضرغام‌السلطنه و امیر مقتدر قبلی) مجبور به عقب‌نشینی شدند.

دهم: ژنرال آیرونساید با رضاخان میرپنج (سردار سپه و رضاشاه بعدی) که از افسران ارشد قزّاق‌خانه



حیدر خان عمواوغلی

بود، ملاقات کرد و به وی گفت که اگر شما قدرت را در دست بگیرید، ما مخالفتی نداریم.

بیست و پنجم: سیّد ضیاءالدین طباطبایی، مدیر روزنامه رعد و از بازیگران صحنه سیاست روز، پنهانی و برای مرتبه دوّم عازم قزوین شد تا مقدمات کودتا و ورود نیروهای قزّاق به پایتخت را فراهم کند.

بیست و ششم: ژنرال آیرونساید در آخرین ملاقات خود با احمدشاه که پیش از ترک ایران صورت گرفت، به وی پیشنهاد کرد قدرت را به رضاخان میرپنج بسپارد، ولی شاه مخالفت کرد.

بیست و هشتم: سپهدار رشتی پس از ۲۶ روز مطالعه و مذاکره، دوّمین کابینه خود را به احمدشاه معرّفی کرد. برخی از اعضای این کابینه عبارت بودند از: محتشم‌السلطنه (وزیر خارجه)، امین‌الملک مرزبان (وزیر معارف)، امیرنظام همدانی (وزیر جنگ)، سردار معتمد (وزیر پست و تلگراف)، ادیب‌السلطنه سمیعی (معاون رئیس‌الوزراء)، میرزا عیسی‌خان فیض (کفیل وزارت مالیه) و ... .

بیست و نهم: قوای قزّاق به فرماندهی رضاخان میرپنج از قزوین به سمت تهران حرکت کرده و وارد «ینگی امام» شدند.

تبرستان tabarestan.info



سیّد ضیاءالدّین طباطبایی



رضا خان میرپنج

اسفند

یکم: سپهدار اعظم رئیس‌الوزراء طیّ بیانیّه‌ای، در پایتخت حکومت نظامی اعلام کرد. در همین روز قوای قزّاق از ینگی امام به سمت تهران حرکت کردند و سردار همایون رئیس دیوزیون قزّاق که برای بازگرداندن قزّاق‌ها رفته بود، در بین راه توقیف شد و مورد تحقیر و توهین قزّاق‌ها قرار گرفت و سپس مرخّص شد.

دوم: قوای قزّاق در شاه‌آباد تهران اردو زدند و نمایندگان اعزامی شاه و دولت، معین‌الملک (رئیس دفتر شاه) و ادیب‌السلطنه (معاون رئیس‌الوزراء) را که برای مذاکره با آنان آمده بودند، چند ساعتی توقیف کردند.

در این روز سیّدضیاءالدین طباطبایی مدیر روزنامه رعد و عامل کودتا، در شاه‌آباد به نیروهای قزّاق پیوست و زعامت سیاسی آنان را برعهده گرفت و به همراه آنان عازم پایتخت شد.

هم‌چنین در این روز سردار همایون رئیس دیوزیون قزّاق از سمت خود معزول شد.

سوم: قزّاق‌ها به فرماندهی رضاخان میرپنج (فرمانده تیپ همدان) و زعامت سیّدضیاءالدین طباطبایی وارد تهران شدند و بلافاصله کلانتری‌ها، وزارتخانه‌ها، پستخانه، تلگراف‌خانه‌ها، ادارات دولتی و مراکز حسّاس شهر را تصرّف کردند و به دستگیری گسترده رجال سیاسی و نظامی و وزرای کابینه پرداختند.

سپهدار اعظم رشتی (رئیس‌الوزراء) در سفارت انگلیس متحصّن شد (۱۲ جمادی‌الثانی ۱۳۳۹ هـ . ق).

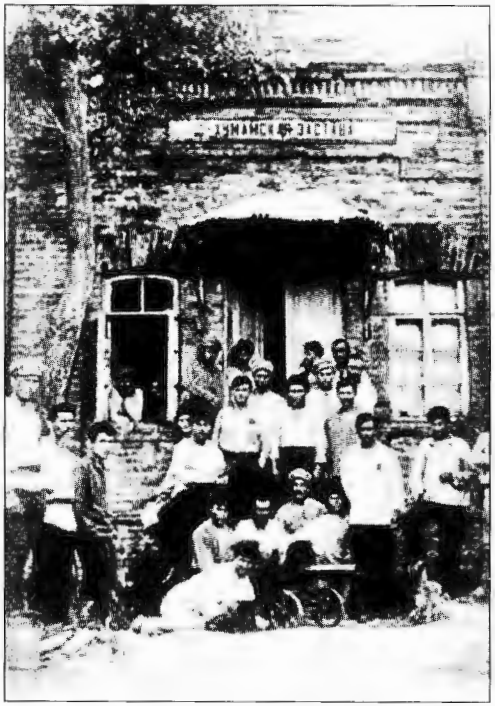

قرارگاه بلشویک‌ها در خمام

چهارم: میرپنج رضاخان از طرف احمدشاه به دریافت درجه‌ی سرداری و لقب «سردار سپه» نایل شد و به فرماندهی دیویزیون قزّاق (ریاست کلّ قزّاقخانه) منصوب گردید.

فرمان ریاست‌الوزرایی سیّد ضیاءالدین طباطبایی صادر شد.

پنجم: اعلامّیه‌ی ۹ مادّه‌ای معروف رضاخان سردار سپه با عنوان «حکم می‌کنم» منتشر شد.

هفتم: سیّدضیاءالدین طباطبایی الغای قرارداد ۱۹۱۹ م. ایران و انگلیس را اعلام کرد و برنامه‌های دولت خود را به اطّلاع مردم رساند.

در همین روز در مسکو پیمان برقراری روابط دوستانه بین ایران و شوروی به امضاء رسید (۲۶ فوریه ۱۹۲۱ م / ۱۷ جمادی‌الاخر ۱۳۳۹ هـ . ق).

دهم: سیّدضیاءالدین طباطبایی رئیس‌الوزراء کابینه خود را به شاه معرّفی کرد. برخی از اعضای کابینه‌ی سیاه کودتا عبارت بودند از: سیّدضیاءالدین طباطبایی (رئیس‌الوزراء و وزیر داخله)، ماژور مسعودخان (وزیر جنگ)، محمودخان مدیرالملک جم (وزیر خارجه)، میرزا عیسی‌خان فیض گیلانی (وزیر مالیه)، عدل‌الملک دادگر (کفیل وزارت داخله) و ... .

دوازدهم: روسیه به دنبال امضای پیمان مودّت بین ایران و روسیه، قوای خود را از رشت و بندر انزلی خارج کرد و ولایات فیروزه در مرز خراسان و جزیره آشوراده در استراباد را به ایرانیان تحویل داد.

پانزدهم: ماژور مسعودخان کیهان (وزیر جنگ) وزارتخانه تحت امر خود را منحل کرد و وعده داد به زودی وزارت جنگ با تشکیلات جدید دائر خواهد شد.

بیست‌وسوم - بیست‌وهشتم: در یکی از این روزها حاج احمد کسمایی که مدّت‌ها در حبس دولت مرکزی قرار داشت، در تهران به ملاقات سیّدضیاءالدین طباطبایی رفت که این ملاقات به منزله‌ی توافق و همکاری بین وی و رئیس‌الوزراء تلقی شد.

بیست و ششم: وزیر مختار جدید دولت شوروی، موسیو روتشتاین، وارد عشق‌آباد شد و طیّ تلگرافی از وزات خارجه ایران پرسید که با وجود تخلیه‌ی رشت توسّط قوای روسیه و ادامه‌ی حضور نیروهای انگلیسی، چگونه می‌توان به خاک ایران قدم گذاشت؟ (۴ رجب ۱۳۳۹ هـ . ق).

www.tabarestan.info تبرستان


۱۳۰۰

❁ فروردین

یکم: پیمان دوستی ایران و شوروی به تصویب پارلمان شوروی رسید (۱۰ رجب ۱۳۳۹ هـ. ق / ۲۰ مارس ۱۹۲۰ م).

پنجم: ضرغام‌السلطنه تالش با کمیته بلشویکی گیلان اعلام همکاری کرد.

هشتم: سیّدضیاءالدین طباطبایی رئیس‌الوزراء طیّ اعلامیه‌ای ادیبانه و پراحساس که با قلمی شیوا و شیرین نوشته شده بود، از تخلیه‌ی ایران توسّط قوای روس و انگلیس اظهار مسرّت کرد (۱۷ رجب ۱۳۳۹ هـ. ق).

اواسط: دکتر آقاخان طوب و حسین‌خان افسر نمایندگان اعزامی سیّدضیاءالدین طباطبایی رئیس‌الوزراء در کسماء با میرزا کوچک‌خان جنگلی ملاقات کردند؛ ولی میرزا حاضر به همکاری با دولت کودتا نشد.

بیستم: بین اکراد تحت امر اسماعیل آقا سمیتقو (یاغی معروف) و قوای ژاندارمری، جنگ سختی درگرفت و در نهایت اکراد وادار به عقب‌نشینی و فرار شدند.

قوای انگلیسی نواحی زنجان و قزوین را تخلیه کردند.

بیست و یکم: سردار سپه در بیرون دروازه تهران با حضور احمدشاه قاجار و هیأت وزراء مانور نظامی مفصّلی برگزار کرد.

بیست و هشتم: اسماعیل آقا سمیتقو یاغی معروف به آذربایجان حمله کرد.

www.tabarestan.info تبرستان

❁ اردیبهشت

یکم: قوای روسیه سرحدّات مغان و اراضی ایران را ترک کردند. سردار سپه رئیس دیوزیون قزّاق یک قبضه شمشیر مرصّع از احمدشاه قاجار دریافت کرد.

چهارم: رضاخان سردار سپه رئیس دیوزیون قزّاق با حفظ سمت به وزارت جنگ منصوب شد (۱۵ شعبان ۱۳۳۹ هـ. ق).

ششم: موسیو روتشتاین نماینده سیاسی اتّحاد جماهیری شوروی با تشریفات و احترامات نظامی وارد تهران شد.

هشتم: روتشتاین در فرح‌آباد رسماً به حضور احمدشاه قاجار رسید و اعتبارنامه خود را به وی تقدیم کرد. احمدشاه به روتشتاین گفت: «یقین داریم که قضیّه‌ی تأسّف‌آور گیلان در نتیجه‌ی مساعی و اهتمامات شما هر چه زودتر خاتمه یافته و طوری نخواهد شد که سکته‌ای به روابط ودادیّه بین دو ملّت وارد آورد...». وزیرمختار شوروی پس از آن برای دیدار محمّدحسن میرزای ولیعهد به کاخ گلستان رفت و سپس در عمارت بادگیر در جلسه هیأت وزیران شرکت کرد و با سیّدضیاءالدین طباطبایی (رئیس‌الوزراء) پیرامون روابط دو کشور به مذاکره و تبادل نظر پرداختند.

دهم: ژنرال آیرونساید (فرمانده نیروهای انگلیسی در ایران) به همراه تمامی نیروهای انگلیسی و هندی تحت امر خود قزوین را تخلیه و به سمت همدان حرکت کرد. این نیروها مشتمل بر ۲۳۰۰ انگلیسی و ۹۳۰۰ هندی بودند.

شانزدهم: روتشتاین در جشن تاجگذاری احمدشاه قاجار طیّ نطقی اعلام کرد که دولت متبوعه‌اش ذات اقدس همایونی را مظهر تمامیّت استقلال ایران می‌داند و قول داد که دولت شوروی با نهایت صمیمیّت اقدامات لازم را در تسریع تصفیه‌ی مسئله گیلان اتخّاذ خواهد کرد. احمدشاه قاجار هم در پاسخ سخنان او گفت که حلّ و تصفیه‌ی فوری قضیّه گیلان موجب استحکام رابطه دو کشور شوروی و ایران خواهد شد (۲۷ شعبان ۱۳۳۹ هـ. ق).

هجدهم: جلسه‌ای بین سران کمونیست‌ها و جنگلی‌ها در ده «کما» در فومن تشکیل شد.


کلنل محمّدتقی خان پسیان


از راست: احسان الله‌خان، میرزا کوچک‌خان؛ خالو قربان؛ معین‌الرّعایا


میرزا احمد خان قوام‌السّلطنه

بیست و دوم: احسان‌اللّه‌خان و خالوقربان رسماً آشتی خود با میرزا کوچک‌خان را به اطّلاع عموم رساندند.

بیست و سوم: میرزا عیسی‌خان فیض گیلانی، وزیر مالیه، به‌علّت کسالت مزاج از سمت خود کناره‌گیری کرد و میرزا محمودخان مدیرالملک جم به وزارت مالیه منصوب شد. سمت قبلی مدیرالملک، یعنی وزارت خارجه به میرزا محمّدتقی‌خان معزّالدّوله سپرده شد (۴ رمضان ۱۳۳۹ ق).

بیست و ششم: اعلامّیه‌ای با امضای احسان‌اللّه‌خان دوستدار و خالوقربان هرسینی در رشت انتشار یافت که حاکی از آشتی و اتفّاق بین انقلابیّون سرخ و جنگلی‌ها بود (۷ رمضان ۱۳۳۹ ق).

❁ خرداد

دوم: بین احمدشاه قاجار و سیّدضیاءالدین طباطبایی (رئیس‌الوزراء) مشاجره لفظی شدیدی درگرفت و شاه به او تکلیف استعفا کرد؛ ولی سیّد نپذیرفت و گفت مرا عزل کنید.

چهارم: سیّدضیاءالدین طباطبایی از ریاست‌الوزرایی برکنار شد و بلافاصله تهران را به قصد خروج از کشور ترک کرد (۱۷ رمضان ۱۳۳۹ ق).

نهم: میرزا احمدخان قوام‌السلطنه که در محبس سیّدضیاءالدین طباطبایی گرفتار بود، با فرمان احمدشاه قاجار به ریاست‌الوزرایی منصوب شد.

دهم: کلنل محمّدتقی‌خان پسیان برخلاف خواست دولت مرکزی اداره‌ی امور خراسان را در دست گرفت.

در همین روز کلیّه‌ی محبوسین کودتای ۳ اسفند ۱۲۹۹ هـ . ش از زندان آزاد شدند.

یازدهم: از طرف میرزا کوچک‌خان جنگلی اعلامّیه‌ای در رشت منتشر شد که ضمن اعلام مجدّد جمهوری گیلان، خود را به زمامداری و ریاست معرّفی کرد (۲۴ رمضان ۱۳۳۹ هـ . ق).

چهاردهم: میرزا احمدخان قوام‌السلطنه کابینه خود را به حضور شاه معرّفی کرد. اعضای این کابینه عبارت بودند از: رضاخان سردار سپه (وزیر جنگ)، حسن‌خان محتشم‌السلطنه (وزیر خارجه)، حسین‌خان ادیب‌السلطنه سمیعی (وزیر فوائد عامّه و تجارت و فلاحت)، دکتر محمّد مصدّق-السلطنه (وزیر مالیه) و ... . روتشتاین، سفیر شوروی در ایران، این شایعه را که قوای روس به هنگام تخلیه‌ی ایران اسلحه و مهمّات و مستشار برای میرزا کوچک‌خان باقی می‌گذارند، تکذیب کرد.



میرزا احمد خان نصیرالسلطنه بدر



اسماعیل آقا سمیتقو



امیر مؤیّد سوادکوهی

نیمه دوّم: قوام‌السلطنه پس از تشکیل کابینه فوراً هیأتی مرکب از برادرزن خود میرزا احمدخان نصیرالسلطنه بدر و سیّدجلیل اردبیلی و میرزا هاشم‌خان را به رشت فرستاد تا قضیّه‌ی گیلان را به‌صورت دوستانه خاتمه دهند. سعدالله درویش نماینده جنگلی‌ها و کلانتراف که از طرف روتشتاین وزیر مختار شوروی حامل پیام‌هایی بودند، با این هیأت همراه شدند.

بیست و سوم: حیدرخان عمواوغلی و فوموف، نمایندگان اتّحاد جماهیر شوروی، با کشتی تجاری «گرچاکف» به فرماندهی ژنرال گارکالتسلی (کارگاریتلی) به همراه مقادیر قابل‌توجّهی سلاح و مهمّات از باکو عازم ایران شدند.

بیست و چهارم: حیدرخان و فوموف و سایر بلشویک‌هایی که عازم ایران بودند، توسّط گارکالتسلی (کارگاریتلی) فرمانده کشتی گرچاکف دستگیر شدند و تمامی سلاح‌ها و مهمّات آن‌ها در انزلی به میرزا کوچک‌خان تحویل داده شد.

www.tabarestan.info تبرستان

بیست و پنجم: زندانیان کشتی گرچاکف همگی آزاد شدند. حیدرخان عمواوغلی به رشت رفت و فوموف در جنگل نزد میرزا کوچک‌خان ماند تا زمینه‌ی آشتی را بین کمونیست‌های رشت و جنگلی‌ها فراهم کند. بلشویک‌های همراه آن‌ها نیز به باکو بازگشتند.

ساعدالدّوله فرزند محمّدولی‌خان تنکابنی (سپهسالار اعظم) با حمایت چند تن دیگر بنای نافرمانی از دولت مرکزی را گذاشتند. او و نیروهای تحت امرش تنکابن را تصرّف کرده و آماده حمله به تهران شدند. احسان‌الله‌خان دوستدار هم اردویی تشکیل داد و به جنگ با نیروهای دولتی پرداخت.

بیست و هفتم: رشت از نیروهای بلشویک تخلیه شد.

سی‌ام: نیروهای تحت امر احسان‌الله‌خان دوستدار، کلاردشت و چالوس را به تصرّف خود درآوردند. احسان‌الله‌خان در این ایّام با قوای سه هزار نفری خود بر شرق گیلان تا لنگرود و رودسر حکومت می‌کرد.

تیر

یکم: دوره چهارم مجلس شورای ملّی رسماً در تهران افتتاح شد. به علت آشفتگی اوضاع، گیلان تنها سه نماینده داشت که عبارت بودند از: صادق‌خان اکبر سردار معتمد (از رشت)، فتح‌الله‌خان اکبر سپهدار اعظم (از رشت) و حاج شیخ محمدحسین (از طوالش و کرگانرود). لیکن اعتبارنامه‌ی حاج شیخ محمدحسین توسط مجلس رد شد.

در گیلان اعلامیّه‌ی معرفّی اعضای کمیته انقلاب پس از آشتی سران منتشر شد. اعضای این کمیته عبارت بودند از: میرزا کوچک‌خان (سرکمیسر و کمیسر مالیه و فواید عامّه)، حیدرخان عمواوغلی (کمیسر خارجه، تجارت و پست و تلگراف)، خالوقربان هرسینی (کمیسر جنگ)، میرزا محمّدی انشایی (کمیسر داخله)، احسان‌الله‌خان دوستدار (کمیسر قضایی و معارف).

دوم: وزارت خارجه ایران مراتب اعتراض خود را به‌خاطر نقل و انتقال بلشویک‌های گیلان توسّط ارتش سرخ شوروی به اطّلاع سفیر آن کشور در تهران رساند.



نیکلای کیگالو

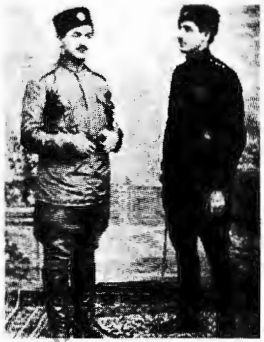

ساعدالدّوله تنکابنی (سمت راست)



میرزا محمّدی انشائی

هشتم: بین نیروهای تحت امر احسان‌اللّه‌خان و خالوقربان درگیری نظامی پیش آمد و هشت نفر از افراد احسان‌اللّه‌خان کشته شدند.

نهم: چند افسر سوئدی و عدّه‌ای قزّاق مأمور سرکوب شورش اسماعیل آقا سمیتقو شدند.

دوازدهم: قشون روسیه رشت و اطراف آن را به‌طور کامل تخلیه کرده و به سمت انزلی حرکت کردند و در آن‌جا متوقّف شدند (۲۶ شوّال ۱۳۳۹ ه. ق).

شانزدهم: اردویی به ریاست احمد آقا میرپنج (فرمانده بریگاد سوار) از طرف دولت مرکزی مأمور سرکوب امیر مؤید سوادکوهی شد که از مدّتی پیش در فیروزکوه و مازندران علم طغیان علیه دولت را برافراشته بود.

هجدهم: وزارت خارجه ایران بار دیگر نسبت به همکاری ارتش سرخ با متجاسرین در شهسوار و مقابله با قوای محلّی و دولتی اعتراض کرد.

نوزدهم: امیر مؤید سوادکوهی و فرزندانش از قوای دولتی شکست خورده و متواری شدند.

بیست و دوم: روتشتاین وزیر مختار شوروی در تهران، همکاری ارتش سرخ با متجاسرین گیلان را تکذیب و اعلام کرد که در حال تخلیه‌ی سریع فرونت (جبهه‌ی جنگ خارجی) گیلان هستند.

بیست و سوم: نیروهای اسماعیل آقا سمیتقو از قوای دولتی شکست خورده و عقب‌نشینی کردند.

بیست و پنجم: میرزا در جلسه‌ای با کمونیست‌های گیلان، اعلام کرد که حاضر به همکاری با نیروهای روس باقی‌مانده در گیلان نیست؛ ولی به تعهّد خود نسبت به استقرار جمهوری در ایران پایبند است.

بیست و هفتم: نیکلای کیگالو فرمانده نیروهای شوروی و اعضای ستاد وی، انزلی را به قصد روسیه ترک کردند.

بیست و هشتم: به جز یک گروه، همه‌ی نیروهای نظامی شوروی، انزلی را به قصد کشورشان ترک کردند.

مرداد

پنجم: کلنل محمّدتقی‌خان پسیان پس از شکست مذاکراتش با دولت مرکزی، تمامی امور خراسان را زیر سلطه‌ی خود گرفت.

بین قوای دولتی و نیروهای تحت امر ساعدالدّوله تنکابنی مصالحه صورت گرفت.

هشتم: صمصام‌السلطنه بختیاری، والی جدید خراسان، به دلیل قدرت یافتن کلنل پسیان، نتوانست در محل مأموریّت خود حاضر شود.

دهم: ساعدالدّوله پس از یک ماه زد و خورد و جنگ و گریز، سرانجام در تنکابن تسلیم قوای دولتی شد. او توسّط جمشیدخان سردار کبیر، عموی خود، تأمین‌نامه دریافت کرد و یک عراده توپ، دویست اسب و قاطر و کلیه ابواب جمعی خود را به دولت واگذار کرد.

اواسط: رضاخان سردار سپه وزیر جنگ با پیشنهاد حکمرانی گیلان و یک قبضه شمشیر اهدایی احمدشاه قاجار با میرزا کوچک‌خان ملاقات کرد؛ ولی میرزا پس از مشورت با همکارانش پیشنهاد وی را رد کرد و پس از شکستن شمشیر اهدایی، آن را به رضاخان سردار سپه پس داد.


فضل‌الله خان بصیردیوان همدانی

بیست و سوم: کمیته انقلاب ایران اعلامیه جدیدی را منتشر کرد و اعضای کمیته و سمت‌های آن‌ها را با حذف نام احسان‌اللّه‌خان دوستدار به شرح ذیل اعلام کرد: میرزا کوچک‌خان (سرکمیسر و کمیسر مالیه)، حیدرخان عمواوغلی (کمیسر خارجه)، خالوقربان هرسینی (کمیسر جنگ)، میرزا محمّدی انشایی (کمیسر داخله)، ابراهیم سرخوش (کمیسر قضایی).

بیست و هفتم: روتشتاین سفیر شوروی در ایران طیّ نامه‌ای به میرزا کوچک‌خان، طرح صلحی را به وی پیشنهاد کرد.

سی و یکم: احسان‌اللّه‌خان دوستدار با قوای تحت امر خود به لنگرود حمله کرد و این شهر را از قوای دولتی بازپس گرفت.

tabarestan.info تبرستان

شهریور

دوم: نیروهای قزّاق به فرماندهی فضل‌اللّه‌خان بصیر دیوان (سپهبد زاهدی بعدی) لنگرود را فتح کردند و بر اثر این نبرد ۱۵۰ تن از نیروهای تحت امر احسان‌اللّه‌خان اسیر شدند و ۲۰۰ نفر به هلاکت رسیدند. خود احسان‌اللّه‌خان به رشت فرار کرد.

سوم - هشتم: میرزا کوچک‌خان در اعتراض به فعالیّت‌های فرقه عدالت مجدّداً رشت را به قصد فومن ترک کرد؛ اما پس از آگاهی از پیشروی نیروهای قزّاق از جانب تنکابن، افراد را به کمک نیروهای کُردِ مستقر در لاهیجان فرستاد. حیدرخان عمواوغلی هم نیروهای تحت امر خود را از راه دریا به رودسر فرستاد که در نتیجه، قوای قزّاق عقب‌نشینی کردند. روتشتاین، سفیر شوروی، برای انعقاد صلح بین جنگلی‌ها و دولت ایران پادرمیانی کرد.

نهم: اردویی از تهران برای خلع ید کلنل محمّدتقی‌خان پسیان به خراسان اعزام شد.

یازدهم: میرزا کوچک‌خان در پاسخ به نامه‌ی روتشتاین، سفیر شوروی در تهران، آمادگی خود را برای عقد قرارداد صلح با دولت اعلام کرد؛ مشروط بر این که نوعی خودمختاری به گیلان داده شود.

دوازدهم: کوچک‌خان نماینده‌ای نزد ساعدالدّوله فرستاد تا او را از تسلیم به دولت منصرف کند.

مهر

ششم: آخرین جلسه‌ی کمیته‌ی انقلاب گیلان در «ملاسرا» به زد و خورد بین نیروهای انقلاب انجامید. در نتیجه‌ی حمله‌ی نیروهای وفادار به میرزا کوچک‌خان، محل جلسه آتش گرفت و خالوقربان و حیدرخان موفّق به فرار شدند ولی ابراهیم سرخوش در میان شعله‌های آتش جان باخت. حیدرخان که از محل حادثه گریخته بود، لحظاتی پس از فرار توسّط جنگلی‌ها دستگیر شد و ابتدا در کسماء و سپس در قریه‌ی «مسجد پیش» در میان ایل آلیانی محبوس گردید (۲۶ محرم ۱۳۴۰ هـ. ق / ۲۱ سپتامبر ۱۹۲۱ م).

هشتم: به دستور سردار سپه وزیر جنگ، تمامی راه‌های ورودی به گیلان بسته شد. قوام‌السلطنه در ترمیم کابینه‌ی خود، دکتر محمّد مصدّق‌السلطنه را به وزارت خارجه منصوب کرد.

نهم: نیروهای تحت امر میرزا کوچک‌خان به رشت حمله کردند و در حمله‌ی آنان به مقرّ حزب کمونیست، میرباقر، شیخ‌اف تبریزی و ارباب‌زاده کشته شدند.



رضاخان سردار سپه در گیلان، پشت سر: حسن‌خان ساعدالملک (حکمران گیلان) و امیرلشکر محمود آقاخان آیرم

دهم: کلنل پسیان در خراسان به هنگام جنگ با قوای دولتی زخمی شد و بلافاصله با اسلحه به حیات خود خاتمه داد. اَکراد سرِ او را از بدن جدا کرده و به خراسان فرستادند و بدین ترتیب قیام خراسان خاتمه یافت.

یازدهم: خالوقربان و احسان‌اللّه‌خان به رشت حمله کردند و این شهر را از جنگلی‌ها پس گرفتند.

شانزدهم: قوام‌السلطنه، دکتر مصدّق‌السلطنه را مجدّداً به وزارت مالیه منصوب کرد و وزارت خارجه را به مشارالسلطنه سپرد.

محمّدی انشایی، نماینده‌ی اعزامی میرزا کوچک‌خان، توسّط سعداللّه درویش در تهران به ملاقات روتشتاین سفیر شوروی رفت؛ ولی موفّق به ملاقات با قوام‌السلطنه (رئیس‌الوزراء) و سردار سپه (وزیر جنگ) نشد.

هفدهم: رضاخان سردار سپه (وزیر جنگ) از تهران عازم گیلان شد.

نوزدهم: قشون دولت به فرماندهی سردار سپه به امامزاده هاشم رسیدند و در همین روز خالوقربان هرسینی که تاب نبرد در دو جبهه (جنگلی‌ها و قوای دولتی) را نداشت، در امامزاده هاشم تسلیم سردار سپه شد و قشون دولتی را به رشت دعوت کرد (۱۲ صفر ۱۳۴۰ هـ . ق).

بیست و یکم: رضاخان سردار سپه با قوای تحت امر خود وارد رشت شد و احسان‌اللّه‌خان دوستدار و هم‌رزمانش به قصد عزیمت به باکو، راهیِ انزلی شدند. میرزا کوچک‌خان هم با یارانش به سمت تالش و خلخال عقب‌نشینی کرد و عدّه‌ای از جنگلی‌ها که از جنگ و نبرد خسته شده بودند، به‌تدریج تسلیم نیروهای دولتی شدند (۱۳ صفر ۱۳۴۰ هـ . ق).

بیست و چهارم: سردار سپه با نمایندگان جنگلی‌ها (عبدالحسین شفاهی و محمّدعلی گیلک) توافق کردند که جنگ به مدّت ۴۸ ساعت متارکه شود تا نامه‌ی سردار سپه مبنی بر دعوت میرزا کوچک‌خان به همکاری به وی تسلیم شود.

بیست و ششم: پیش از پایان مدّت متارکه‌ی جنگ، در نیمه‌های شب بین دسته‌ای از جنگلی‌ها و دولتی‌ها که از متارکه‌ی جنگ بی‌خبر بودند، نبرد واقع شد و عدّه‌ای کشته و مجروح شدند. در نتیجه نمایندگان جنگل توسّط قوای دولت دستگیر شدند. در همین روز حسن‌خان ساعدالملک به حکمرانی گیلان منصوب شد.



سر بریده‌ی میرزاکوچک در رشت



رضا اسکستانی جداکنندهٔ سر میرزا کوچک‌خان

بیست و هشتم: احسان‌اللّه‌خان دوستدار و هم‌رزمانش پس از دریافت پنج هزار تومان از دولت مرکزی، سوار بر کشتی رهسپار باکو شدند و هم‌زمان قوای دولتی با شلیک توپ وارد انزلی شدند. پایگاه جنگلی‌ها در کسماء و فومن به تصرّف قوای دولتی درآمد و میرزا کوچک‌خان به سمت تالش عقب‌نشینی کرد.

سی‌ام: میرزا کوچک‌خان در نامه‌ای اعتراض‌آمیز خطاب به سردار سپه، نسبت به عدم رعایت متارکه جنگ، حمله‌ی قزّاق‌ها به ماسوله و توقیف نمایندگان جنگل اعتراض کرد.

❁ آبان

یکم: سردار سپه در پاسخ به نامه‌ی میرزا کوچک‌خان، با او در خصوص تسلیم به قوای دولتی اتمام حجّت کرد و او را به دروغ‌گویی و عهدشکنی متّهم کرد.

پنجم: میرزا کوچک‌خان آخرین نامه‌ی خود را که حاکی از نارضایتی و اندوه وی از وضعیت پیش آمده بود، خطاب به یکی از دوستانش، میرآقا عربانی نوشت و سپس همراه گائوک آلمانی (هوشنگ) و حسن‌خان آلیانی و ۳۹۰ نفر از یاران بازمانده‌اش رهسپار خلخال شد؛ به آن امید که از حمایت عظمت‌خانم فولادلو و برادرانش امیر عشایر شاطرانلو و رشیدالممالک برخوردار شود.

هفتم: حیدرخان عمواوغلی که در «مسجدپیش» واقع در جنگل‌های انبوه «توسه‌کله»، تحت مراقبت ایل آلیانی قرار داشت، توسّط افراد ایل و از بیم آن که به جنگلی‌ها منتسب شوند، خفه شد و در همان‌جا به خاک سپرده شد.

یازدهم: رضاخان سردار سپه که کار میرزا کوچک‌خان را تمام شده می‌دانست، رشت را به مقصد تهران ترک کرد و محمدقلی‌خان امیرپنجه، رئیس کلّ قوای فرونت را به جای خود باقی گذاشت تا کشته یا زنده‌ی میرزا کوچک‌خان را به دست آورد. میرزایوسف‌خان شبان شفتی با جنگاوران همراهش بر راه‌های کوهستانی رشت مسلط شد و راه جنگلی ها را بست. قزاق‌های دولتی هم زیده و ماکلوان و کلرم را تصرف کردند.

بیست و ششم: اسماعیل‌خان جنگلی خواهرزاده میرزاکوچک‌خان دستگیر و در ماکلوان محبوس شد.

❁ آذر

یازدهم: میرزا کوچک‌خان جنگلی و تنها یار بازمانده و وفادار او، گائوک آلمانی، در گردنه‌ی گیلوان خلخال براثر سرما جان سپردند. سرِ میرزا کوچک‌خان را از پیکرش جدا کردند و به رشت فرستادند؛ ولی جسد او را در روستای خانقاه در حوالی گیلوان به‌خاک سپردند (۲ ربیع‌الثانی ۱۳۴۰ هـ . ق).

پانزدهم: سرِ بریده‌ی میرزا کوچک‌خان را به رشت آوردند و در سبزه‌میدان به نمایش عموم

تبرستان www.tabarestan.info

گذاشتند و خالوقربان هرسینی که به خاطر تسلیم شدن به سردار سپه به دریافت درجه سرهنگی و لقب «سالار ظفر» نایل شده بود، مأمور حمل سرِ بریده‌ی هم‌رزم سابق خود به تهران شد.

نوزدهم: خالوقربان در حالی که سرِ بریده‌ی میرزا کوچک‌خان را به همراه داشت، وارد قزوین شد (۱۰ دسامبر ۱۹۲۰ م).

بیستم: خالوقربان سرِ بریده‌ی میرزا کوچک‌خان را در تهران به رضاخان سردار سپه تقدیم کرد؛ ولی این کارِ وی به مذاق سردار سپه خوش نیامد (۱۱ دسامبر ۱۹۲۰ م).

بیست و سوم: قرارداد ۲۶ مادّه‌ای جامعی بین دولتین ایران و شوروی منعقد شده بود، به تصویب مجلس شورای ملّی رسید. طبق این قرارداد بانک استقراضی روس با تمام نقود و اشیاء و محاسبات و اموال منقول و غیرمنقول و نیز راه شوسه انزلی ـ قزوین ـ تهران و کلّیه‌ی متعلّقات آن به ایران واگذار شد. هم‌چنین کلّیه‌ی امتیازات و مطالبات دولت روسیه تزاری و اتباع آنها و حق کاپیتولاسیون لغو شد.

www.tabarestan.info تبرستان

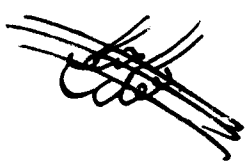

فهرست منابع

۱. آسیب‌شناسی نهضت جنگل. بهنام کریمی. تهران: قصیده‌سرا، ۱۳۸۲.
۲. آلمان‌ها در ایران. اولیور باست. ترجمه حسین بنی‌احمد. تهران: پردیس دانش. ۱۳۹۲.
۳. انقلاب روسیه. جان ام. دان. ترجمه سهیل سمّی. تهران: ققنوس. ۱۳۸۴.
۴. برگ‌های جنگل. به کوشش ایرج افشار. تهران: پژوهش فرزان. ۱۳۸۰.
۵. بلشویک‌ها و نهضت جنگل. مویسی پرستیس. ترجمه حمید احمدی. تهران: شیرازه. ۱۳۷۹.
۶. تاریخ انقلاب جنگل. محمّدعلی گیلک. رشت: گیلکان. ۱۳۷۱.
۷. تاریخ بیست ساله ایران. حسین مکیّ. ۸ جلد. تهران: علمی و ایران. چاپ چهارم. ۶۴ و ۱۳۶۳.
۸. تاریخ جنگل. صادق مهرنوش. رشت: کتابفروشی مژده. ۱۳۳۴.
۹. تاریخ گیلان. بهاءالدین املشی (میزان). ۱۳۵۴.
۱۰. تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران. ملک‌الشعرای بهار. ۲ جلد. تهران: امیرکبیر. چاپ چهارم. ۱۳۷۱.
۱۱. تاریخ مکمّل جنگل. سیّدصفا موسوی‌نیا. رشت: [بی‌نا]. [بی‌تا].
۱۲. جنبش جنگل. میراحمد مدنی. به‌کوشش سیّدمحمّدتقی میرابوالقاسمی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی. ۱۳۷۷.
۱۳. جنبش میرزا کوچک‌خان به‌روایت اسناد سفارت انگلیس. غلامحسین میرزا صالح. تهران: نشر تاریخ ایران. ۱۳۶۹.
۱۴. حکمرانان گیلان در عهد زندیه و قاجاریه. هومن یوسفدهی. رشت: گیلکان. ۱۳۶۲.
۱۵. حیدرخان عمواوغلی. اسماعیل رائین. (۳ جلد). تهران:مؤسسه تحقیق رائین. ۱۳۵۴ و ۱۳۵۸.
۱۶. حیدرخان عمواوغلی؛ چکیده انقلاب. رحیم رضازاده ملک. تهران: روزبه. ۱۳۵۳.
۱۷. خاطرات آقاخان درامی (با نگاهی به رویدادهای نهضت جنگل). به‌کوشش افشین پرتو. رشت: حرف نو. ۱۳۸۱.
۱۸. خاطرات ژنرال دنسترویل، سرکوبگر ایران. س. دنسترویل. ترجمه حسین انصاری. تهران: کتاب فرزان. ۱۳۶۱.
۱۹. خاطرات سیاسی فرّخ. سیّدمهدی فرّخ (معتصم‌السلطنه). تهران: امیرکبیر. ۱۳۴۷.
۲۰. خاطرات صدرالاشراف. محسن صدر (صدرالاشراف). تهران: وحید. ۱۳۶۴.
۲۱. خاطرات علی امینی. به‌کوشش یعقوب توکلّی. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی. ۱۳۷۷.
۲۲. خاطرات و اسناد ناصر روایی (مربوط به مشروطیت و گیلان). به‌کوشش ایرج افشار و بهزاد رزاقی. تهران: فردوسی. ۱۳۶۳.
۲۳. خاطرات و خطرات. مهدی‌قلی هدایت (مخبرالسلطنه). تهران: زوّار. ۱۳۴۴.
۲۴. خاطراتی از ماجرای جنگل و بر دار شدن دکتر حشمت (مقاله). تراب کُمایی. گیلان‌نامه (ج۳). گردآوری م. پ. جکتاجی. رشت: طاعتی. ۳۷۱. صص. ۲۹۲ ـ ۲۷۳.
۲۵. خاندان‌های حکومتگر ایران. دکتر باقر عاقلی. تهران: نامک. ۱۳۸۴.
۲۶. دخالت شوروی در جریان نهضت جنگل در سال‌های ۱۹۲۱ ـ ۱۹۲۰. مویسی پرستیس. ترجمه ابوالفضل کیانی بختیاری. تهران: شاهد. ۱۳۸۴.
۲۷. دکتر حشمت و اندیشه اتّحاد اسلام. سیّدمحمّدتقی میرابوالقاسمی. تهران: ندا. ۱۳۸۷.
۸۲. روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب. باقر عاقلی. ۲ جلد. تهران: نشر گفتار. چاپ دوّم. ۱۳۷۲.
۲۹. روزنامه ایران. دوره چهارم. سال ۱۳۳۸ هـ. ق.
۳۰. روزنامه ایران کنونی. دوره نهم. شماره‌های ۴۶ تا ۳۰. سال ۱۳۲۲.
۳۱. روزنامه جنگل. دوره اوّل. تهران: مولی. ۱۳۵۹.
۳۲. روزنامه جنگل در ادوار سه‌گانه سبز و سفید و سرخ (مقاله)، روبرت واهانیان. گیلان ما. سال نهم، ش۱، پیاپی ۳۳. بهار۱۳۸۸. صص۱۳۲-۱۴۷.
۳۳. روزنامه سایبان. دوره ۱ تا ۳. شماره‌های ۸ تا ۳۰. سال‌های ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۳.
۳۴. روسیه تزاری. جیمز ای. استریلکر. ترجمه مهدی حقیقت‌خواه. تهران: ققنوس. ۱۳۸۴.
۳۵. ره‌آورد گیل (مجموعه مقالات پژوهش و علوم انسانی). همه شماره‌ها. گردآورنده دکتر محمّدعلی فائق.
۳۶. زندگانی سیاسی سلطان احمدشاه. حسین مکّی. امیرکبیر. ۱۳۵۷.
۳۷. زندگی سیاسی و اجتماعی حاج‌آقا رضا رفیع. مسعود رفیع. تهران: نشر آبی. ۱۳۸۸.
۳۸. سردار جنگل. ابراهیم فخرایی. تهران: جاویدان. چاپ دوازدهم. ۱۳۶۸.

تبرستان
www.tabarestan.info

۳۹. شرح حال رجال ایران. مهدی بامداد. ۶ جلد. تهران: زوّار. ۱۳۷۱.
۴۰. شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران. باقر عاقلی. ۳ جلد. تهران: گفتار و علمی. ۱۳۸۰.
۴۱. شرح زندگانی من. عبدالله مستوفی. ۳ جلد. تهران: زوّار. ۱۳۴۳.
۴۲. شوروی و جنبش جنگل. گریگور یقیکیان. به‌کوشش برزویه دهقان. تهران: نشر نوین. ۱۳۶۳.
۴۳. قیام جنگل. میرزا اسماعیل‌خان جنگلی. تهران: جاویدان. ۱۳۵۷.
۴۴. کتاب گیلان. زیر نظر ابراهیم اصلاح عربانی. گروه پژوهشگران ایران. جلد ۱ تا ۳. ۱۳۷۴.
۴۵. گنجینه اسناد (فصلنامه تحقیقات تاریخی). ویژه نهضت جنگل. ش ۴۳. سال ۱۱. دفتر سوم. تهران: سازمان اسناد ملّی ایران ـ پاییز ۱۳۸۰.
۴۶. گیلان و خیزش جنگل. افشین پرتو. رشت: فرهنگ ایلیا. ۱۳۹۱.
۴۷. مجموعه اسناد نهضت جنگل. دبیرخانه همایش بازشناسی نهضت جنگل. رشت: شهر باران. ۱۳۸۲.
۴۸. مجموعه مقاله‌های همایش بازشناسی نهضت جنگل. دبیرخانه همایش. رشت: شهر باران. ۱۳۸۲.
۴۹. مردی از جنگل. احمد احرار. تهران: نوین. ۱۳۶۱.
۵۰. مدخلی بر بازشناسی نهضت جنگل. جعفر مهرداد. تهران: بنیاد اندیشه اسلامی. ۱۳۸۲.
۵۱. میرزا حسین‌خان کسمایی (مقاله). محمود نیکویه. گیلان‌نامه. گردآورنده م. پ. جکتاجی (ج ۳). رشت: طاعتی. ۱۳۷۱. صص ۳۶۶ ـ ۳۵۵.
۵۲. میلاد زخم. خسرو شاکری. تهران: اختران. ۱۳۸۶.
۵۳. ناصرالدین‌شاه عکاس. محمد طهماسب‌پور. تهران: نشر تاریخ ایران. ۱۳۸۱.
۵۴. نام‌ها و نامدارهای گیلان. جهانگیر سرتیپ‌پور. رشت: گیلکان. ۱۳۷۱.
۵۵. نحوه گسترش نهضت جنگل از رشت تا بارفروش و استراباد. جواد نیستانی. گیلان‌نامه. گردآورنده م. پ. جکتاجی. ج ۵. رشت: طاعتی. ۱۳۸۰. صص ۲۸۴ ـ ۲۵۵.
۵۶. نقش احسان‌الله‌خان در نهضت جنگل. فریدون نوزاد. رشت: کتیبه گیل. ۱۳۸۵.
۵۷. نگاهی از درون به انقلاب مسلّحانه جنگل. محمّدحسن صبوری دیلمی. ۱۳۵۸.
۵۸. نگاهی به جنبش جنگل در بستر تحولات ملی ـ منطقه‌ای (مقاله). روبرت واهانیان. گنجینه‌ی اسناد. شماره ۵۵. ۱۳۸۳.
۵۹. نهضت جنگل (اسناد محرمانه و گزارش‌ها). به‌کوشش فتح‌الله کشاورز. تهران: سازمان اسناد ملّی ایران. ۱۳۷۱.
۶۰. نهضت جنگل از آغاز تا فرجام. فریدون شایسته. رشت: فرهنگ ایلیا. ۱۳۸۵.
۶۱. نهضت جنگل به‌روایت تصاویر. محمد اصغرنیا. تهران: شاهد. ۱۳۸۴.
۶۲. نهضت جنگل و اوضاع فرهنگی ـ اجتماعی گیلان و قزوین. صادق کوچک‌پور. به‌کوشش سیّدمحمّدتقی میرابولقاسمی. رشت: گیلکان. ۱۳۶۹.
۶۳. نهضت میرزا کوچک‌خان جنگلی و اولین جمهوری شورایی در ایران. دکتر شاپور رواسانی. تهران: چاپخش. ۱۳۶۳.
۶۴. یادداشت‌های احمد کسمایی از نهضت جنگل. گردآورنده پوراندخت کسمایی. آمریکا ۱۹۹۳ م.
۶۵. یادگار عمر. دکتر عیسی صدّیق. تهران: دهخدا. ۱۳۵۲.
۶۶. یادگار نامه فخرایی. گردآورنده رضا رضازاده لنگرودی. تهران: نشر نو. ۱۳۶۳.

آرشیوها و سایت‌ها

۶۷. آرشیو تصاویر مجلس شورای اسلامی
۶۸. آرشیو تصاویر روزنامه اطلاعات
۶۹. آرشیو تصاویر مرکز مطالعات تاریخ معاصر ایران
۷۰. بانک اطلاعات رجال(rijaldb.com)
۷۱. پایگاه مجلّات تخصّصی (noormags.com)
۷۲. سایت سازمان اسناد و کتابخانه ملّی جمهوری اسلامی ایران(dl.nlai.ir)
۷۳. سایت کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی(ical.ir)
۷۴. سایت کتابخانه دیجیتالی نسخه‌های خطی و اسناد شرقی (کدنا)(zakhair.net)
۷۵. سایت مؤسّسهٔ مطالعات تاریخ معاصر ایران(iichs.org)
۷۶. سایت ویکی پدیا(wikipedia.org)

تبرستان
www.tabarestan.info

نمایه

آ

آبوکف ۵۷، ۶۱، ۶۶
آتاشه ۲۱
آتریاد همدان ۳۶، ۳۹
آتش‌سوزی ۴۲، ۶۴، ۶۵، ۷۷
آتشگاه ۳۹
آذربایجان ۱۵، ۳۵، ۳۶، ۴۴، ۴۵، ۵۶، ۵۷، ۶۱، ۶۵، ۶۸، ۷۳
آذربایجانِ شوروی ۵۹
آذری، میرزااحمدخان ۴۸، ۵۲ – ۵۶
آزاد، افراسیاب ۵۱
آزادیستان ۵۶
آستارا ۲۲، ۴۹، ۵۲
آستاراخان ۴۲
آستارای روسیه ۴۱، ۴۹
آستانه‌ی اشرفیه ۳۱
آصف‌الدوله، میرزاصالح‌خان ۲۴، ۲۶، ۲۷
آقابابا ۶۷
آقازاده، رضا ۶۳
آقایف (آقازاده)، بهرام ۵۷، ۶۱، ۶۳، ۶۵
آقایف، کامران ۵۹
آکشات ۳۷، ۳۹، ۴۶
آلمان ۱۳، ۱۶، ۲۲–۲۰، ۳۴ – ۳۶، ۳۹، ۴۵، ۵۹، ۶۲
آلیانی، حسن‌خان (معین‌الرعایا) ۵۸، ۵۹، ۷۹
آمریکا ۵۱
آیرونساید ۶۰، ۶۶، ۶۷، ۶۹، ۷۰، ۷۳

الف

ابوالفتح‌زاده، اسدالله ۲۶، ۴۴
اتر، فن ۱۵
اتریش ۲۰، ۲۲، ۴۵
اتومبیل ۴۱
احسان‌پاشا، علی ۲۶، ۴۲
احمدشاه قاجار ۱۵، ۱۶، ۲۰، ۲۱، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۳۰، ۳۴ – ۳۶، ۳۹، ۴۳، ۵۰، ۵۹، ۶۱، ۶۲، ۶۷ – ۷۱، ۷۵، ۷۶
احمدگوراب ۴۲، ۴۳
اداره‌ی راه شوسه ۲۵
اداره‌ی مالیه ۱۶، ۵۲، ۵۳
اداره‌ی وجوهات ۵۴
ادموندس، ماژور ۵۷
ادیب‌السلطنه (سمیعی رشتی، میرزاحسین‌خان) ۲۰، ۶۷، ۷۰، ۷۴
ارامنه ۲۵، ۳۹، ۴۳، ۵۹
ارباب‌زاده ۷۷
ارتش سرخ ایران ۶۶
ارتش سرخ روسیه (شوروی) ۵۶ – ۵۸، ۶۱، ۶۵، ۷۴ – ۷۶
اردبیل ۳۹
اردبیلی، سیدجلیل ۶۱، ۷۵
اردکان (کشتی) ۱۸
ارژنیکیدزه ۵۸، ۶۸
ارمنستان ۵۹
ارومیه ۳۲
اسارت ۱۸، ۲۶، ۳۳، ۶۴، ۶۶، ۷۷
اسب ۱۸، ۷۶
استادسرا ۱۱، ۱۲
استاروسلسکی، پالکونیک ۳۶، ۴۸، ۵۲، ۶۲، ۶۴، ۶۷
استالین (جوگاشویلی، ژوزف) ۳۰
استانبول ۵۰
استراباد ۷۱
استعفا ۲۲، ۳۲، ۳۶، ۳۹، ۶۹، ۷۴
استوکس ۳۹
اسفندیاری، محتشم‌السلطنه ۱۹
اسکندری، سلیمان‌میرزا ۲۰
اسکوبلف ۲۸
اسماعیل آباد ۶۴
اسمیت، آرمیتاژ ۵۰
اشتری، میرزااحمدخان (رئیس امور) ۵۶، ۶۰
اصانلو ۱۲
اصفهان ۲۰، ۲۱
اعتبارنامه ۷۳، ۷۵
اعتصاب ۲۷
اعدام ۴۲، ۴۴، ۴۸، ۴۹، ۵۴، ۵۹، ۶۳
اعلامیه ۳۷، ۴۵، ۶۱، ۶۶، ۶۷، ۷۳، ۷۴، ۷۷
اعلان ۲۰، ۵۷
افسینکو ۱۶، ۱۷
اکبر، صادق‌خان (سردارمعتمد رشتی، صادق‌خان–سردارمعتمد) ۲۴، ۶۷، ۷۰
اکبر، فتح‌الله‌خان ۱۵، ۲۲، ۲۶، ۲۸، ۳۰، ۵۰، ۶۷، ۶۹، ۷۰
امام‌زاده هاشم ۴۱، ۶۶، ۷۸
امنیه ۳۱
امیر اردبیلی ۵۰
امیراسعد ۴۲
امیرافخم ۲۵
امیرالسلطنه ۳۹
امیرپنجه، محمدقلی‌خان ۷۹
امیرزاده ۶۱
امیرعشایر شاطرانلوی خلخالی، مصطفی‌قلی‌خان ۳۱، ۳۴، ۴۰، ۴۵، ۷۹
امین معتضد (معتضدالاطبا) ۳۳
امین‌الدوله، محسن‌خان ۲۴، ۳۰ – ۳۳
امین‌الضرب ۵۱
امین‌الملک← مرزبان رشتی، اسماعیل‌خان
امینی ۶۶
انبار غله دولتی ۲۸
انتخابات دوره چهارم مجلس شورای ملی ۳۰
انجمن روحانیون (انجمن طلاب) ۱۱
انجمن روحانیون گیلان ۱۱
انجمن وفا ۱۲
انشایی، میرزا محمدی ۷۵، ۷۷، ۷۸
انقلاب بلشویکی ۵۷
انقلاب روسیه ۲۸
انقلاب مشروطیت ۳۵
انگلیس← در بیشتر صفحه‌ها
اوناچارسکی ۳۱
ای. نونل ۳۷
ایروان ۵۹
ایل آلیانی ۷۷، ۷۹
ایل رشوند ۱۱
ایل شاهسون ۱۲، ۳۴
ایلیاوای، شالوا ۶۴
ایوب‌خان ۴۸

ب

بابای ماسوله‌ای، غلام‌علی ۵۳
بابل (بارفروش) ۶۱، ۶۳
بابلسر (مشهدسر) ۶۱، ۶۲
بادکوبه ۱۶، ۳۹، ۴۲، ۴۳، ۴۹، ۶۲
باراتف (براتاوف)، لیتنانت ۱۹، ۲۰، ۲۸، ۳۰، ۳۴

تبرستان www.tabarestan.info

بارفروش ← بابل
بازار ۲۵، ۴۲
بازار رشت ۶۴، ۶۵
بازار کسما ۲۶
باغ ۳۳
باغدانف ۱۷
باکو ۳۷، ۴۳، ۴۵، ۵۶، ۵۷، ۶۱، ۶۳، ۶۹، ۷۵، ۷۸، ۷۹
بانک ۵۷
بانک استقراضی ۴۰، ۸۰
بانک انگلیس ۴۲
بانک شاهنشاهی ۳۷، ۳۹، ۴۶
بحر خزر ۴۲
بختیاری، سردار بهادر ۱۲
بختیاری، صمصام‌السلطنه ۷۶
برانت، هیلده ۴۵
براوین، فیودور نیکلاویچ ۳۲، ۳۵
برف ۱۳
برلن ۳۴
بروجرد ۲۱
بصیردیوان، فضل‌الله‌خان ۷۷
بغداد ۲۴، ۲۸
بلدیه ۳۶، ۴۳، ۴۴
بلژیک ۲۴، ۵۸
بلشویک ۲۸ – ۷۵
بلوم ۲۸
بلومکین، یاکف ۶۳
بمباران ۴۲، ۴۳، ۶۶
بندر انزلی ۱۷ – ۱۹، ۲۴، ۳۱، ۳۲، ۳۷ – ۴۰، ۴۲، ۴۴، ۴۹، ۵۰، ۵۲، ۵۴ – ۵۸، ۶۰، ۶۱، ۶۵، ۷۱، ۷۵، ۷۶، ۷۹
بندر گز ۱۲، ۶۲
بیانیه ۲۶، ۴۹، ۶۰، ۶۷، ۷۰
بیمارستان ۱۹
بین‌النهرین ۳۰، ۶۰

پ

پاپیروسی، محمدحسن‌خان ۲۶
پادگان ۱۷
پارلمان شوروی ۷۳
پاطاق ۳۵
پترز ۵۱، ۵۴
پترزبورگ ← پتروگراد
پتروگراد (پترگراد – پترزبورگ) ۲۷ – ۳۰، ۳۷
پتروسک ۵۶
پرچم ۱۸
پرنس ژرژ ۲۸
پست ۳۲، ۷۰
پسیان، کلنل محمدتقی ۲۰، ۷۴، ۷۶ – ۷۸
پسیخان ۱۹، ۴۳، ۴۶، ۵۳، ۵۹، ۶۴
پلیس ۵۳
پلیس جنوب ۲۵، ۴۶
پوردسر فومن ۵۳
پولیت بورو ← دفتر سیاسی حزب کمونیست شوروی
پیچراخف ۳۹، ۴۱
پیربازاری، محمدعلی ۶۰
پیرسرا ۵۲
پیشه‌وری، سیدجعفر (جوادزاده خلخالی، سیدجعفر) ۵۷، ۶۱، ۶۳
پیمان برست لیتوفسک ۳۶، ۳۹
پیمان دوستی ایران و شوروی ۷۳

ت

تاتار ۵۹
تاریف، زولو ۱۹
تاریک‌رود ۶۷
تالش ۱۹، ۲۸، ۳۱، ۴۹، ۵۳، ۵۶، ۷۵، ۷۸
تالشی، امیرمقتدر (ضرغام‌السلطنه، نصرت‌الله‌خان ← ضرغام‌السلطنه تالش) ۱۹، ۲۲، ۲۷، ۳۱، ۵۱، ۷۳
تأمین‌نامه ۲۴، ۴۶، ۴۸، ۵۶، ۷۶
تبریز ۲۶، ۴۲، ۵۶، ۶۱، ۶۶
تبریزی، شیخ‌اف ۷۷
تبعید ۱۱ – ۱۳، ۴۴، ۴۹، ۵۱
تجار ۱۸، ۴۳
تجارتخانه‌ی تومانیانس ۴۹
تحصن ۱۲
تدین بیرجندی، سیدمحمد ۳۶، ۴۶
ترکمن ۱۲
ترکیه ۶۴
تروتسکی ۳۱، ۳۳، ۵۶، ۵۹
ترور ۲۶، ۳۱، ۵۲
ترونین ۶۶
تظاهرات ۵۱
تفلیس ۳۷
تفنگچی ۲۱
تفنگداران جنوب (SPR) ۲۲، ۳۰
تلگراف ۲۷، ۳۰، ۵۳، ۵۷، ۶۲، ۶۵، ۷۱
تلگرافخانه ۱۸، ۷۰
تنکابن (شهسوار) ۲۵، ۴۸، ۷۶
تنکابنی، ساعدالدوله ۷۶
تنکابنی، سردار اسعد ۳۵
تنکابنی، محمدولی‌خان (سپهداراعظم تنکابنی، محمدولی‌خان ← سپهسالار اعظم) ۱۲، ۱۷، ۲۱ – ۲۴، ۲۵، ۳۵، ۷۵
توپ ۱۷، ۶۵، ۷۶، ۷۹
توپ بستن مجلس ۱۱
توپخانه ۴۸، ۵۷، ۶۲، ۶۵، ۶۶
تولم ۱۷، ۴۹
تهران ۱۱، ۱۳، ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۶، ۲۷، ۳۰، ۳۳، ۳۵، ۳۶، ۴۴، ۵۰، ۵۱، ۵۶، ۵۹، ۶۰، ۶۳، ۶۹، ۷۳، ۷۴، ۷۹، ۸۰
تیرباران ۵۱، ۵۴
تیمور تاش (سردارمعظم خراسانی، عبدالحسین‌خان) ۲۴، ۴۸، ۴۹، ۵۱

ج

جرج پنجم ۲۷
جزیره آشوراده ۷۱
جشن تاجگذاری ۷۳
جلفا ۴۲
جمعه‌بازار ۶۴
جمعیت اتحاد اسلام ← هیأت اتحاد اسلام
جمعیت انقلاب سرخ ۵۹
جمهوری ۳۲، ۵۹
جمهوری ساویتی آذربایجان ۶۰
جمهوری شورایی روسیه ۳۵
جمهوری گیلان ۶۱، ۶۲، ۷۴، ۷۶
جنگ جهانی اول ۴۵
جنگل (روزنامه) ۳۰، ۳۵
جنگلی، اسماعیل‌خان ۵۰، ۵۲، ۵۸، ۷۹
جنگلی، فتح‌الله‌خان ۴۲
جنگلی‌ها ← در بیشتر صفحه‌ها
جوادزاده خلخالی، سیدجعفر ← پیشه‌وری، سیدجعفر
جواهردشت ۴۸
جودت، حسین ۶۶
جوگاشویلی، ژوزف ← استالین

چ

چالوس ۷۵

www.tabarestan.info تبرستان

چاه نفت ۴۳
چخیدره ۲۸
چرچ، لوید ۲۷
چریک ۱۹
چکا (سازمان اطلاعات روسیه) ۵۶
چله‌خانه ۵۹
چیچرین ۴۹، ۵۱، ۶۵

ح
حزب دموکرات ۳۵، ۳۶، ۴۲
حزب دموکرات گیلان ۳۰
حزب عدالت باکو ۵۷، ۵۹
حزب کمونیست ۵۷، ۶۵، ۶۸، ۷۷
حزب کمونیست ایران ۶۳
حزب کمونیست روسیه (شوروی) ۶۳، ۶۴
حزب لیبرال ۲۷
حزب مساوات ۵۷
حسن‌آباد (گورستان) ۱۳
حسین‌اف ۶۸
حسین‌آقا افسر ۷۳
حشمت طالقانی، ابراهیم‌خان ← دکتر حشمت
حشمت‌الاطبا ← دکتر حشمت
حشمت‌الدوله والاتبار، ابوالفتح‌خان ۱۵ – ۱۷، ۲۴، ۲۶، ۳۱، ۵۹، ۶۱
حق کاپیتالاسیون ۸۰
حکمت، سردارفاخر ۶۱
حکومت بلشویکی روسیه ۳۴، ۳۵
حکومت نظامی ۳۹، ۴۹، ۵۱، ۷۰

خ
خابالف ۲۸
خانزاده، علی ۶۳، ۶۵
خانقاه (روستا) ۱۳، ۷۹
خراسان ۷۱، ۷۶ – ۷۸
خشته پل ۵۱
خلخال ۱۳، ۳۲، ۷۸، ۷۹
خلخالی، رشیدالممالک ۳۱
خلخالی، سیدعبدالرحیم ۶۱
خلیل پاشا ۴۵
خمام ۱۷
خمامی گیلک، محمدعلی ← گیلک، محمدعلی
خمامی، حاجی ملامحمد ۱۱
خواجوی، رضا ← معزالسلطنه
خوزستان ۲۱
خوی ۳۵
خیابانی، شیخ محمد ۴۲، ۵۶، ۶۱، ۶۵، ۶۶

د
دادگر، عدل‌الملک ۷۱
دادگستری ۵۹
دادور، وثوق‌السلطنه ۵۹، ۶۱، ۶۶
دارالحکومه ۴۱
دافر، شارژ ۲۵
داوسار ۱۹
داوودزاده، محمدباقر ۴۳
درویش، سعدالله ۵۸، ۵۹، ۶۱، ۶۲، ۷۵، ۷۸
دریای خزر ۵۳، ۵۶
الدرید ۴۶، ۴۸
دفتر سیاسی حزب کمونیست شوروی (پولیت بورو) ۶۵
دکتر اشتمپ ۲۲
دکتر حشمت (حشمت طالقانی، ابراهیم‌خان- حشمت‌الاطبا ← سالار حشمت) ۱۶، ۳۴، ۴۲، ۴۸، ۴۹، ۵۹
دنستروبل ۳۶ – ۳۹، ۴۳، ۴۴
دنیکن ۳۲، ۵۴ – ۵۷
دواتگر، کریم ۲۶
دوپلو، اکزان ۴۳
دورویس، هانری ۱۵
دوره‌ی چهارم مجلس شورای ملی ۶۱، ۶۸، ۶۹، ۷۵
دوستدار، احسان‌الله‌خان ۴۴، ۵۹، ۶۰، ۶۳، ۶۶ – ۶۸، ۷۴ – ۷۹
دولت ائتلافی روسیه ۳۲
دولت ساویتی روسیه ۶۸
دیکسن ۵۰

ر
راخیا ۳۱
راد، احمد ← معتمدالممالک، احمدخان
راسکولنیکف ۵۳، ۵۶ – ۵۹
راه دریا ۵۶
راه شوسه ۸۰
راه عراق ۱۷
رباط کریم ۲۱
رحمت‌آباد ۴۹
رزمناو ۵۰
رسول‌اف ← رسول‌زاده، محمدامین
رسول‌زاده، محمدامین (رسول‌اف) ۵۷
رشت ← در بیشتر صفحه‌ها
رشتی، سردار منصور ← اکبر، فتح‌الله‌خان
رشتی، شیخ احمد ۳۶
رشتی، شیخ اسماعیل ۱۹
رشتی، میرزاکریم‌خان ۱۳
رشیدالسلطان ۴۴
رشیدالممالک ۷۹
رضا، محمود آقا ۴۴، ۶۰
رضا، نصرالله ۶۰
رضاخان (میرپنج، رضاخان – رضاشاه ← سردارسپه) ۱۳، ۳۶، ۴۸، ۶۷، ۶۹ – ۷۴، ۷۶ – ۸۰
رضاشاه ← رضاخان
رعد (روزنامه) ۲۸، ۷۰
رفیع، حاج رضا ← شریعت‌زاده گیلانی، میرزارضا
روتشتاین، تئودور ۶۸، ۷۱، ۷۳، ۷۵ – ۷۸
روحانی، سیدمحمود ۲۴
رودبار ۶۵
رودسر ۷۵، ۷۷
روزنامه ۳۶
روسیه (شوروی) ← در بیشتر صفحه‌ها
رویس ۲۰
رئیس امور ← اشتری، میرزااحمدخان
رئیس، نبی‌خان ۳۵

ز
زاخاریان ۶۱
زدیخ فومن ۴۹
زره‌پوش ۲۶، ۴۳، ۶۲
زنجان ۳۲، ۷۳
زنجانی، ابراهیم ۳۱
زیده ۷۹
زینوویف ۳۱

س
ساری ۶۲
ساعدالدوله ۴۹
ساعدالملک، حسن‌خان ۷۸

تبرستان www.tabarestan.info

سالار ظفر ۸۰
سالار فاتح کجوری، علی‌خان ۱۳، ۱۶
سالار نصرت ۳۵
سالارشجاع، محمدخان ۱۹
سالدات روس ۱۷
ساونیکوف ۳۲
ساوه ۲۰
سایکس، پرسی ۲۱، ۲۲
سبزه‌میدان ۳۰، ۷۹
سپهدار اعظم رشتی، فتح‌الله‌خان ← اکبر، فتح‌الله‌خان
سپهداراعظم تنکابنی، محمدولی‌خان ← تنکابنی، محمدولی‌خان
سپهداراعظم رشتی، فتح‌الله‌خان ← اکبر، فتح‌الله‌خان
سپهسالاراعظم ← تنکابنی، محمدولی‌خان
ستارخان سردار ملی ۱۲
سربازخانه ۴۸
سرخوش، ابراهیم ۷۷
سرخی کهن، عبدالغنی ۵۸
سردار همایون ← والی، قاسم‌خان
سردارافخم، آقابالاخان ۱۱
سرداراقتدار، مرتضی‌قلی‌خان ۲۵
سردارسپه ← رضاخان
سردارفاخر ۶۳
سردارکبیر، جمشیدخان ۷۶
سردارکل، حسن‌خان ۴۰ – ۴۳
سردارمحیی، عبدالحسین‌خان ۱۲، ۱۳، ۳۵، ۶۳، ۶۵، ۶۸
سردارمعتمد ← اکبر، صادق‌خان
سردارمعظم خراسانی، عبدالحسین‌خان ← تیمورتاش
سردارمنصور ← اکبر، فتح‌الله‌خان
سعدالدوله، میرزاجوادخان ۱۵
سفارت انگلیس ← کنسولگری انگلیس
سفارت ایران در برلن ۳۴
سفارت آلمان ۲۰
سفارت روسیه ← کنسولگری روسیه
سفیر ایران ۶۳
سفیر شوروی ← کنسول روسیه
سفیرکبیر شوروری ← کنسول روسیه
سفیرکبیر عثمانی ← کنسول عثمانی
سلطان محمد عثمانی ۱۳
سلیمان‌داراب (گورستان) ۱۳
سلیمان‌میرزا ۳۵
سمپ (سامپه)، ژول ۴۳
سمیتقو، اسماعیل آقا ۷۳، ۷۶
سمیعی رشتی، میرزاحسین‌خان ← ادیب‌السلطنه
سنگر ۱۷
سنندج ۳۵
سوادکوهی، امیرمؤید ۷۶
سوسیالیست ۳۲
سوئد ۷۶
سیاه‌رود ۴۱، ۶۷
سیدعبدالوهاب ۲۴
سیدمحمدخان ۱۶
سیگاری، احمد ۶۱
سینما ۶۹
سینما آلوش‌بیک ۴۲

ش

شامپانی ۵۷
شامپیون ۴۶
شاندرمن ۲۶
شاه‌آباد ۷۰
شائومیان ۳۹، ۴۲
شبان شفتی، میرزایوسف‌خان ۷۹
شریعت‌زاده گیلانی، میرزارضا(رفیع، حاج رضا← قائم‌المقام‌الملک) ۲۱
شفایه، عبدالحسین ۷۸
شفت ۲۲، ۴۹، ۵۴
شفتی، عبدالرزاق ۱۸
شکوهی، امیرخان ۴۹
شلیاپیکوف ۲۸
شورای بلشویکی باکو ۴۱
شهبندری عثمانی ← کنسولگری عثمانی
شهسوار ← تنکابن
شهیدزاده ۴۴
شیبانی، حبیب‌الله ۶۲
شیخ عبدالسلام ۱۶
شیخ علی‌نقی ۳۲
شیلات بحر خزر ۴۹

ص

صارم‌الدوله، اکبرمیرزا ۵۴
صالح، میرزاعبدالوهاب ۱۱
صحنه‌ی کرمانشاه ۲۱
صدراعظم آلمان ۳۴، ۴۴
صدرالاشرف ۵۳، ۶۰
صدیق اعلم ۶۰
صفاعلی‌شاه ← ظهیرالدوله، حاج‌علی‌خان
صفه‌سر ۴۳
صمصام‌السلطنه بختیاری، نجف‌قلی‌خان ۳۹، ۴۰، ۴۲
صمصام‌الکتاب ۴۴
صومعه‌سرا ۱۸، ۲۲، ۶۴

ض

ضرغام‌السلطنه تالش ← امیرمقتدر تالشی
ضرغام‌السلطنه، نصرت‌الله‌خان ← امیر مقتدر تالشی
ضیاءبیگ، یوسف ۳۹، ۴۵، ۶۵
ضیابر ۵۱

ط

طارمی، برهان‌السلطنه ۲۲، ۵۴
طالع طالقانی، میرزاعلی‌خان ۲۰
طاهرگوراب ۵۱
طایفه، میرزاتقی ۴۴
طباطبایی، سیدضیاءالدین ۲۸، ۵۲، ۷۰ – ۷۴
طوب، آقاخان ۷۳

ظ

ظهیرالدوله، حاج‌علی‌خان (صفاعلی شاه) ۳۱ – ۳۳
ظهیرهمایون ۵۷

ع

عاصم‌بیگ ۱۵، ۲۰، ۲۲
عثمانی ۱۳، ۲۵، ۲۷، ۳۴، ۳۶، ۳۹، ۴۰، ۴۵
عدالت (حزب کمونیست ایران) ۶۱
عدلیه ۱۶، ۳۲، ۴۴
عربانی، میرآقا ۷۹
عشایر شاطرانلوی شاهسون ۳۱
عشق‌آباد ۷۱
عصرجدید (روزنامه) ۳۰
عکس ۵۳، ۵۸
علاءالسلطنه، میرزامحمدعلی‌خان ۱۷، ۲۶، ۳۰، ۳۱، ۳۳، ۳۴
علوم دینی ۱۱
علی‌اکبرخان دکتر ۳۵

تبرستان www.tabarestan.info

علیزاده ۶۱
عمارت بادگیر ۷۳
عمواوغلی، حیدرخان ۶۹، ۷۵، ۷۷، ۷۹
عمیدالسلطان، حسن‌خان ۶۵، ۶۶
عین‌الدوله، عبدالمجیدمیرزا ۱۱، ۱۵، ۱۶، ۳۴، ۳۵، ۵۶، ۶۱

غ
غازیان ۱۸، ۴۰، ۵۷، ۶۳، ۶۹
غذا ۳۵
غفارزاده، اسدالله ۶۱
غلامحسین پاسبان ۳۱

ف
فتوا ۵۴
فخرایی، ابوالقاسم ۶۰
فراکسیون مجلس شورای ملی ۱۶
فرانتس فردیناند (گراندوک میشل) ۲۸
فرّخ، معتصم‌السلطنه ۳۳، ۳۴، ۳۹
فرخی یزدی ۵۱
فرمان مشروطیت ۱۱
فرمانفرما، عبدالحسین‌میرزا ۱۵، ۲۱، ۲۲
فروغی، ذکاءالملک ۱۵
فقط باید الفبایی شود ۲۲،۶،۹۳
فن کرس ۴۴
فولادلو، عظمت‌خانم ۷۹
فومن (فومنات) ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۲، ۲۵، ۲۶، ۳۲، ۳۳، ۴۸، ۴۹، ۵۲، ۵۴، ۵۸، ۷۳، ۷۹
فومنات ← فومن
فوموف ۷۵
فون کرس ۴۵
فهیم‌الدوله، مصطفی‌قلی‌خان ۶۷،۶۸
فیروز، نصرت‌الدوله ۵۰
فیروزکوه ۱۲، ۷۶
فیروزه ۷۱
فیض گیلانی، میرزاعیسی‌خان ۷۰، ۷۱، ۷۴
فیلارتف ۳۶

ق
قارص (کشتی) ۱۲، ۱۸
قایق ۳۳، ۵۷
قائم‌المقام‌الملک ← شریعت‌زاده گیلانی، میرزارضا
قحطی ۳۶
قرارداد ۳۵، ۳۶، ۵۱، ۸۰
قرارداد اوت ۱۹۱۹ ۵۰، ۵۱، ۶۱، ۷۱
قرارداد شیلات ۴۰
قرآن کریم ۳۲
قرق کارگزاری ۴۹
قزاق ← در بیشتر صفحه‌ها
قزاقخانه ۱۲، ۳۶، ۳۹، ۶۲، ۶۷، ۷۱
قزوین ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۵، ۳۶، ۳۷، ۴۰، ۶۰، ۶۳ – ۶۵، ۷۰، ۷۳، ۸۰
قصرشیرین ۲۴، ۳۵
قفقاز ۱۱، ۱۲، ۴۰، ۴۱، ۴۳، ۴۴، ۵۷، ۵۸، ۶۳
قم ۱۳، ۱۹، ۲۱
قوام‌السلطنه ۲۵، ۳۳، ۳۴، ۷۴، ۷۵، ۷۷، ۷۸
قوای انگلیس ← در بیشتر صفحه‌ها
قوای آلمان ۴۴
قوای روس ← در بیشتر صفحه‌ها
قوای عثمانی ۱۵، ۱۶، ۲۵، ۲۶، ۲۸، ۳۴، ۳۷، ۴۲، ۴۴، ۴۵
قیام مسلحانه ۳۳

ک
کاخ تورید ۲۸
کاخ صاحبقرانیه ۲۵
کاخ فرح‌آباد ۱۵، ۶۷ – ۶۹، ۷۳
کاراخان ۵۷، ۶۴
کارخانه ۵۷
کارگاریتلی ← گارکالتسی
کارگالتسی ← گارکالتسی
کارگزاری گیلان ۱۶، ۱۷، ۳۱ – ۳۴، ۴۰، ۵۴
کاروانسرا ۱۸، ۳۳، ۴۲، ۶۴
کاژانف ۵۷، ۵۹
کاشان ۲۰، ۲۱، ۴۹، ۵۱
کاشی، سردار مقتدر ۲۴
کاظم پاشا ۴۵
کاظمین ۲۴
کاکوه ۴۹
کالچوکف ۲۱
کالدول، جان ۵۱
کالدین ۳۲
کالوکین ۵۲
کامنف ۳۰، ۳۱
کاوبورو ← کمیته‌ی مرکزی دفتر قفقاز حزی کمونیست روسیه
کراسنوودسک ۴۲
کرج ۱۹
کرد ۲۷، ۷۷
کرگانرود ۷۵
کرمانشاه ۲۱، ۲۵، ۲۸
کرمانی، میرزارضا ۱۱
کرنسکی ۲۸، ۳۲
کریموف ۳۲
کسما ۲۲، ۲۶، ۳۰، ۳۲، ۳۶، ۴۰، ۷۳، ۷۷، ۷۹
کسمایی، احمد ۲۶، ۳۱، ۴۲، ۴۶، ۴۸، ۵۲، ۷۱
کسمایی، محمداسماعیل‌خان ۵۴
کشتی ۴۹، ۵۶، ۵۷، ۶۱، ۶۲، ۷۹
کلات خراسان ۴۹
کلاردشت ۷۵
کلانتراف ۷۵
کلانتری ۷۰
کلرم ۷۹
کلنل فتحعلی‌خان ۵۴
کلوپ، محمدعلی‌خان ۲۰
کلیسا ۴۲ ، ۶۴
کما (روستا) ۷۳
کمالیون قفقاز ۴۴
کمونیست ۶۶
کمونیست‌های گیلان ۷۶
کمیته‌ی اتحاد اسلام ← هیأت اتحاد اسلام
کمیته‌ی انقلاب گیلان ۷۷
کمیته‌ی انقلابی بلشویک‌های انزلی ۴۰
کمیته‌ی انقلابی روسیه ۳۶
کمیته‌ی انقلابی لنکران ۵۷
کمیته‌ی آزادکننده‌ی ایران ۶۵
کمیته‌ی پتروگراد حزب بلشویک ۲۸
کمیته‌ی حزب بلشویک ۳۳
کمیته‌ی دفاع ملی ۲۰، ۲۱، ۲۴
کمیته‌ی عدالت باکو ۵۸
کمیته‌ی کارگری بادکوبه ۵۰
کمیته‌ی مجازات ۲۶، ۲۸، ۳۰، ۴۴
کمیته‌ی مجازات رشت ۳۲
کمیته‌ی مخفی ستار ۱۲
کمیته‌ی مرکزی دفتر قفقاز حزب کمونیست روسیه (کاوبورو) ۶۳
کمیسیون جنگ ۱۲
کنسول انگلیس (سفیر انگلیس) ۳۷، ۳۹، ۴۶، ۵۱، ۵۴

تبرستان
www.tabarestan.info

کنسول روسیه (سفیر روسیه) ۱۷، ۲۸، ۳۱، ۳۵، ۴۰
کنسول فرانسه ۴۳
کنسولگری انگلیس ۳۷، ۴۲، ۴۴، ۶۸، ۶۹
کنسولگری آلمان ۴۵
کنسولگری روسیه (سفارت روسیه) ۱۲، ۱۳، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۶، ۲۷، ۳۱، ۳۶
کنسولگری عثمانی (شهبندری عثمانی) ۱۲، ۱۵، ۱۸
کنگاوری، محمدجعفر ۶۰، ۶۳، ۶۶، ۶۸
کنگره ملل شرق ۶۵
کودتا ۳۲، ۴۲، ۶۳، ۷۰ - ۷۴
کورپاتکین (کشتی) ۱۷، ۱۸
کورسک (کشتی) ۵۸
کورنیک (کشتی) ۵۰
کولومیتسف ۴۹، ۵۱
کونیلوف ۳۲
کیکاچینکف ۵۱
کیگالو، نیکلای ۷۶
کیهان، مسعود خان ۷۱

گ

گادونیک ۶۶
گارکالتسلی (کارگالتسی - کارگاریتلی) ۵۹، ۶۳، ۷۵
گائوک ۵۸، ۶۲، ۶۴، ۶۵، ۷۹
گرجستان ۵۷
گرچاکف (کشتی) ۷۵
گردنه‌ی گیلوان ۷۹
گسکر ۴۹
گشت فومن ۱۶
گلرژه ۳۶، ۳۹
گنجه ۵۷، ۵۹
گوراب زرمیخ ۴۸، ۵۴، ۶۳
گوسف ۶۶
گیلانی، محمدحسین خان ۴۴
گیلک، محمدعلی (خمامی گیلک، محمدعلی) ۶۰، ۷۸
گیلوان ۱۳

ل

لاکانی، حاج حسین ۴۲
لاهیجان ۱۶، ۱۹، ۲۵، ۳۳، ۳۴، ۴۲، ۴۸، ۷۷
لرستان ۲۱
لشت‌نشا ۳۰، ۳۱، ۳۳
لله، حسین خان ۴۴
لنگرود ۱۹، ۷۵، ۷۷
لنین ۳۱، ۳۳ - ۳۵، ۳۷، ۶۲
لواءالدوله ۶۲
لوگوتتی ۱۵
لوم ۳۱
لووف ۲۸، ۳۱، ۳۲
لیانازوف ۴۰

م

ماتیوس ۴۶
مارلینگ، چالز ۱۵
مازندران ۱۳، ۱۶، ۲۵، ۳۳، ۵۰، ۶۲، ۶۳، ۷۶
ماسال ۲۷
ماسوله ۲۲، ۴۹، ۵۴، ۷۹
ماکلوان فومن ۱۸، ۷۹
مالسن ۳۹
مالیه ۳۶
مایر ۴۳، ۴۸
مترالیوز ۴۹
متین، محمود خان ۱۷
متین‌السلطنه، عبدالحمید خان ۳۰
مجارستان ۱۵
مجتعد، سیداسماعیل ۴۲، ۴۴
مجتهد، میرزامحسن ۳۰
مجلس دومای روسیه ۲۸، ۳۰
مجلس شورای ملی ۱۱، ۱۲، ۱۵، ۱۵ - ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۶۸، ۸۰
مجلس موسسان روسیه ۲۸، ۳۵
محتشم‌السلطنه، حسن خان ۱۵، ۱۷، ۲۵، ۵۱، ۷۰، ۷۴
محسنی صومعه‌سرایی، سیدجعفر ۶۰، ۶۳
محمدحسن میرزا ۷۳
محمدعلی شاه قاجار ۱۱، ۱۲، ۵۰
محمودی، مجدالسلطنه ۶۱
مخاطب‌السلطان ۳۱
مخبرالملک ۳۵
مختاری، رکن‌الدین ۶۰
مدبرالملک جم، محمود خان ۷۱
مدرس، سیدحسن ۵۴
مدرسه‌ی ارامنه ۱۹
مدرسه‌ی جامع ۱۱
مدرسه‌ی حاجی حسن ۱۱
مدرسه‌ی محمودیه ۱۱
مدیرالملک جم، میرزامحمود خان ۷۴
مدیوانی، بودو ۶۳ - ۶۵
مرام‌نامه ۶۱
مرزبان رشتی، اسماعیل خان (مودب‌السلطنه - امین‌الملک - مرزبان، امین‌الملک) ۱۵، ۲۶، ۳۴، ۶۷، ۷۰
مرزبان، امین‌الملک - مرزبان رشتی، اسماعیل خان
مژدهی، معین‌الممالک ۵۲
مستشار ۷۴
مستشارالدوله ۱۵، ۳۰، ۵۱
مستوفی، میرزاعبدالوهاب ۱۱
مستوفی‌الممالک، میرزاحسن خان ۱۶، ۱۷، ۲۱، ۳۵، ۳۶، ۳۹، ۶۹
مسجد ۱۸، ۶۴
مسجد چله‌خانه ۴۹
مسجد سپهسالار ۲۵
مسجد پیش ۷۷، ۷۹
مسکو ۳۷، ۶۲ -۶۵، ۶۸، ۷۱
مشارالسلطنه ۱۵، ۷۸
مشاورالملک انصاری، علی‌نقی خان ۲۱، ۲۵، ۳۵، ۴۳، ۶۳، ۶۵
مشکوةالملک ۲۶
مشهد ۵۱
مشهدسر ← بابلسر
مشیرالدوله ۱۵ - ۱۷، ۳۰، ۳۳ - ۳۵، ۶۱، ۶۳، ۶۵ - ۶۷، ۶۹
مصدق‌السلطنه، محمد ۶۱، ۷۴، ۷۷، ۷۸
مصونیت دیپلماتیک ۱۵
مظفرالدین شاه قاجار ۱۱
مظفرزاده، میرصالح ۵۸، ۵۹، ۶۲، ۶۴، ۶۵
معاهده‌ی صلح ۴۴
معارف ۵۹
معاون‌الدوله ۱۵
معتصم‌السلطنه فرخ ۳۴، ۳۹
معتضدالاطبا ← امین معتضد
معتمدالممالک، احمدخان (راد، احمد) ۶۶
معزالدوله، میرزامحمدتقی خان ۷۴
معزالسلطنه (خواجوی، رضا) ۳۵، ۶۳، ۶۶
معزالسلطنه ← خواجوی، رضا
معین همایون، علی‌اکبر خان ۳۱
معین‌التجار بوشهری ۵۱
معین‌الرعایا ← آلیانی، حسن خان
معین‌السلطنه ۴۳، ۴۴

تبرستان
www.tabarestan.info

مغان ۷۳
مفاخرالملک، محمدعلی‌خان ۲۶
مقبل‌السلطان ۳۵
مک لارن ۳۷ – ۴۰
ملاسرا ۷۷
ملاعلی ۶۵
ملیون ایران ۲۵
ممتازالدوله ۵۱
ممتازالملک ۵۱
منجیل ۱۶، ۲۲، ۳۹، ۵۹، ۶۲ – ۶۶
منشویک ۳۱
منشی‌زاده، ابراهیم ۲۶، ۴۴
الموت قزوین ۱۱
مودب‌السلطنه ← مرزبان رشتی، اسماعیل‌خان
موسوی ۶۱
مولوتف ۲۸
مهمانخانه ۱۹
مهماندارف ۵۶
مهین‌الملک ۷۰
مؤتمن‌الملک، میرزاحسین‌خان ۲۰
میدان توپخانه ۴۴
میدان نفتی ۵۷
میرباخ ۶۳
میرباقر ۷۷
میرپنج، احمدآقا ۷۶
میرپنج، رضاخان ← رضاخان
میرزا بزرگ ۱۱
میرزااسماعیل‌خان ۲۸
میرزاده عشقی ۵۱
میرزاکوچک‌خان جنگلی ← در بیشتر صفحه‌ها
میرزایوسف‌خان ۵۶
میکده، میرزاسلیمان‌خان ۲۰
میکویان، آناستاز ۶۳
میگویان ۶۵

ن

ناصرالدین‌شاه قاجار ۱۱
ناصرالملک، ابوالقاسم‌خان ۱۲
نامه ۲۸، ۳۲، ۳۳، ۴۴، ۴۵، ۵۱، ۵۶، ۵۷، ۵۹، ۶۲، ۶۴، ۶۵، ۶۷، ۶۹، ۷۷ – ۷۹
ناوگان دریایی ۵۷
ناوگان ولگا ← خزر ۵۳، ۵۶
نبوی، مخاطب‌السلطان ۳۳، ۳۴
نبوی، مفاخرالدوله ۲۷، ۳۱
ندامان ۵۱، ۵۲
ندامانی، یحیی ناصرالاسلام ۱۳، ۲۰
نرگستان ۱۷
نرمان، هرمان ۶۳، ۶۶، ۶۷
نریمانف، نریمان ۵۱، ۶۸
نصیرالسلطنه بدر، میرزااحمدخان ۷۵
نظام‌السلطنه مافی، رضاقلی‌خان ۲۱ – ۲۴
نظم‌الملک عظیمی، باقرخان ۳۲
نظمیه ۱۷، ۲۶، ۴۳
نکراسف ۱۳
نمایه بازبینی شد و نهایی است
نوبی، مفاخرالدوله ۲۸
نوری پاشا ۴۴، ۴۵
نوئل ۳۹، ۴۴
نهضت جنگل ← در بیشتر صفحه‌ها
نیروی دریایی ولگا ← خزر ۵۸، ۵۹، ۶۱
نیکلای دوم ۲۸
نیکیتین ۳۹

و

والی، قاسم‌خان (سردار همایون) ۴۳، ۶۷، ۷۰
وام ۵۰
وثوق‌الدوله، میرزاحسن‌خان ۱۷، ۲۵ ۲۶، ۲۸، ۳۰، ۳۴، ۳۶، ۴۲، ۴۳، ۴۵، ۴۶، ۴۹، ۵۰ – ۵۳، ۵۶، ۵۹، ۶۱
ودیگ ۴۵
وردآورد کرج ۲۲
وزارت جنگ ۳۳، ۴۳، ۵۹، ۶۱، ۷۱، ۷۳
وزارت جنگ روسیه ۳۲
وزارت خارجه ۱۹، ۳۱ – ۳۳، ۵۹، ۶۸، ۷۴، ۷۶
وزارت خارجه روسیه ۳۳
وزارت داخله ۲۷، ۳۳، ۳۴، ۳۹
وزیر پست و تلگراف ۱۵، ۲۱، ۲۶، ۳۴
وزیر جنگ ۱۵، ۱۷، ۲۱، ۲۶، ۳۰، ۳۴، ۳۵، ۵۰، ۵۴، ۵۷، ۶۶، ۶۷
وزیر خارجه ۱۵، ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۳۰، ۳۴، ۳۵، ۴۳، ۵۰، ۷۱، ۷۴
وزیر داخله ۱۵، ۱۷، ۲۱، ۲۶، ۲۸، ۳۰، ۳۵، ۴۳، ۶۱
وزیر عدلیه ۱۵، ۱۷، ۳۵، ۶۱
وزیر مالیه ۱۵، ۱۷، ۳۵، ۷۴
وزیرمختار اتریش ۱۵
وزیرمختار انگلیس ۱۵، ۳۷، ۶۳، ۶۶
وزیرمختار آلمان ۱۵
وزیرمختار روسیه ۱۵، ۲۰، ۴۵
وزیرمختار عثمانی ۲۰، ۲۲
وقارالسلطنه – وقاری، میرشمس‌الدین
وقاری، میرشمس‌الدین (وقارالسلطنه) ۶۰
ولتگاهی، آقا سیدمحمود ۴۴
ووستروف ۴۵
ویکهم ۴۶، ۴۸
ویلهلم دوم ۳۹

ه

هتل ۱۹
هدایت، عزت‌الله‌خان ۴۲
هدایت، مخبرالسلطنه ۳۵، ۳۹، ۶۵
هرفلینگ، گراف فن ۴۴
هرسینی، خالو قربان ۴۸، ۴۹، ۶۳، ۶۵ – ۶۸، ۷۴ – ۷۸، ۸۰
هروآباد خلخال ۳۲
همدان ۲۰، ۲۵، ۲۸، ۳۵
همدانی، امیرنظام ۶۷، ۷۰
هند ۴۱
هنسس ۲۴
هواپیما ۴۲، ۶۵ – ۶۷، ۶۹
هیأت اتحاد اسلام (جمعیت اتحاد اسلام – کمیته‌ی اتحاد اسلام) ۱۷، ۳۱ – ۳۳، ۳۵، ۳۶، ۳۹، ۴۰، ۴۲
هیأت جنگ ایران ۲۴
هیأت مدافعین وطن ۲۴
الیاوا، شالوا ۶۵
یپریم‌خان ارمنی ۱۲
یزد ۱۳
یعقوب‌بیگ، عثمان ۳۹
ینگی امام ۷۰

تبرستان
www.tabarestan.info



تبرستان
www.tabarestan.info

بی‌شک نهضت جنگل یکی از بزرگ‌ترین و مؤثرترین قیام‌های مردمی در طول تاریخ ایران به شمار می‌آید و تقارن تاریخی آن با رویدادهای مهم دنیا نظیر جنگ جهانی اوّل، سقوط تزارها در روسیه، روی کار آمدن بلشویک‌ها و نیز توسعه‌طلبی‌های آلمان و انگلستان در خاورمیانه، اهمیت آن را دو چندان کرده است. به همین خاطر بررسی همه جانبه‌ی این قیام در حوزه‌های تاریخ، سیاست، اقتصاد، ادبیّات، فرهنگ و علوم اجتماعی بسیار ضروری به‌نظر می‌رسد ...

اثری که پیش‌رو دارید، تلاشی است در همین زمینه. این اثر گام‌شمار رویدادهایی است که مقارن با نهضت جنگل در گیلان، ایران و جهان به وقوع پیوسته و به‌زعم گردآورنده، بر کم و کیف اقدامات موافقان و مخالفان این نهضت و روند حوادث تاریخی آن دوران مؤثّر بوده است. یادآوری این نکته ضروری است که نخستین‌بار محقق ارجمند جناب آقای جعفر مهرداد در کتاب مدخلی بر بازشناسی نهضت جنگل در این مسیر قدم نهاده‌اند و نگارنده با الهام از این کتاب و با أخذ شیوه‌ی تدوین از کتاب روزشمار تاریخ ایران تألیف مورخ فاضل دکتر باقر عاقلی و با مراجعه به دهها کتاب و مقاله و مجلّه و سند دیگر، به گردآوری این مجموعه پرداخت.

فرهنگ ایلیا

شابک: ۴-۲۸۰-۱۹۰-۹۶۴-۹۷۸

9789641903802

۲۵۰۰۰ تومان